

# جلوه‌های نور

از خلدیر تا ظهور

محمد حسین رحیمیان



# جلوه‌های نور

از غدیر تا ظهور

تحقیقی کوتاه و فشرده پیرامون آخرین نور الهی حضرت مهدی ارواحنا فداه

نگارش

محمدحسین رحیمیان



تقدیم به :

مولا و آقای مهربان ؛

قطب دایرهٔ امکان ؛

صاحب عصر و زمان ؛

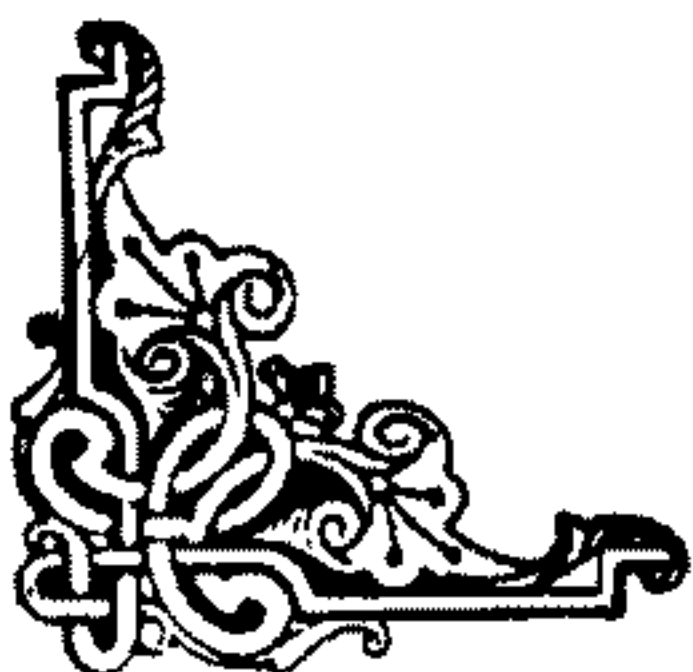
حضرت مهدی علیه السلام .

و منتظران قدوم مبارکش ...

عاشقان و دلباخته گانش ...

دعاگویان برای ظهورش ...

پیروان جلوه‌های نورانیش ...



رحیمیان محمد حسین، ۱۳۴۵ -  
جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور / نکارش  
محمد حسین رحیمیان - قم: دار الثقلین، ۱۳۷۹.  
۲۱۶ ص.

ISBN:964-6823-69-6: ۶۵۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. محمد بن حسن (عج). امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -

۲. مهدویت - انتظار. ۳. محمد بن حسن (عج).

امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

BP ۲۵۱ / ۳ ج ۸

۱۴۵۱۱ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

مؤسسه انتشارات دار الثقلین

قم - خیابان صفائیه - کوچه ۲۴ - پلاک ۶۵

تلفن: ۷۳۲۹۹۳؛ تلفاکس: ۷۳۱۲۶۳



دار الثقلین

جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور

نام کتاب:

محمد حسین رحیمیان

مؤلف:

دار الثقلین - قم

ناشر:

۱۳۷۹

تاریخ چاپ اول:

رقعی، ۲۱۶ صفحه

قطع و صفحه:

۳۰۰۰ جلد

تیراژ:

نگین - قم

چاپخانه:

۶۵۰ تومان

قیمت:

ISBN:964-6823-69-6

شابک: ۹۶۴-۶۸۲۳-۶۹-۶

حق چاپ محفوظ است

## فهرست موضوعات

سرآغاز ..... ۹

### بخش یکم

#### صحرای غدیر؛ و معرفی نور

مضطرب و نگران ..... ۱۵

مهمترین مأموریت رسالت ..... ۱۶

ابلاغ پیام ..... ۱۸

صحرای غدیر؛ و معرفی امام زمان علیه السلام ..... ۱۹

اجرای ولایت حضرت علی علیه السلام با ظهور امام زمان علیه السلام ..... ۲۳

چرا معرفی او؟ ..... ۲۴

### بخش دوم

#### لزوم آشنایی با نور

لزوم شناخت امام زمان علیه السلام ..... ۲۹

جامعه انسانی؛ و نیاز به امام زمان علیه السلام ..... ۳۳

امام زمان علیه السلام؛ و انسان معاصر ..... ۳۶

پیامبران الهی؛ و رفتار مردم ..... ۳۹

گذری بر تاریخ امامان معصوم علیهم السلام ..... ۴۲

۶ ..... جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور

### بخش سوم

#### جلوه‌هایی از سیرت و صورت نور

- ۴۷ ..... جلوه‌ای از سیمای امام زمان علیه السلام
- ۵۱ ..... تصویری از سیرت و محبت امام زمان علیه السلام
- ۵۶ ..... ترسیمی از مقام و عظمت امام زمان علیه السلام
- ۶۰ ..... جامعه انسانی؛ و مهر امام زمان علیه السلام

### بخش چهارم

#### در هجران نور

- ۶۷ ..... آغاز دوران غیبت
- ۷۰ ..... دوران غیبت؛ و علل آن
- ۷۳ ..... دوران غیبت؛ و مشکل نگهداری دین
- ۷۵ ..... دوران غیبت؛ و آزمایش مردم
- ۷۶ ..... دوران غیبت؛ و استواران در دین در آن دوران
- ۸۳ ..... دوران غیبت؛ و تنها راه نجات

### بخش پنجم

#### در انتظار ظهور نور

- ۹۱ ..... انتظار
- ۹۳ ..... انتظار؛ و ارزش آن
- ۹۶ ..... انتظار؛ و منتظران ظهور نور
- ۹۹ ..... انتظار؛ و احساس حضور

۷	فهرست موضوعات.....
۱۰۴	انتظار؛ و شکستن دیوار غفلت از یاد او.....
۱۰۷	انتظار؛ و تغییر روش فکری.....
۱۱۰	انتظار؛ و حرکت به سوی امیر عالم هستی.....
۱۱۳	انتظار؛ و آماده‌باش دائم.....
۱۱۷	انتظار؛ و گذری بر وظایف دیگر منتظران.....

### بخش ششم

## توجه به نور

۱۳۱	توجه به امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۳۹	دعا بهترین وسیله ارتباط.....
۱۴۱	لزوم دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۴	آثار دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۸	سوز هجران در فراق امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۲	دعا برای تعجیل ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۶	جلسات عمومی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۷	دعا برای ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> از دیدگاه معصومین <small>علیهم السلام</small> .....
۱۶۰	امام صادق <small>علیه السلام</small> ، و دعا برای زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۲	امام کاظم <small>علیه السلام</small> ، و دعا برای تعجیل در ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۴	امام رضا <small>علیه السلام</small> ، و فرمان دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۷	امام زمان <small>علیه السلام</small> ، و فرمان دعا برای تعجیل در امر ظهور.....
۱۷۱	پیروی از امام زمان <small>علیه السلام</small> در دعا برای ظهور.....

## بخش هفتم ظهور نور

۱۷۷	ندای آسمانی.....
۱۷۸	کعبه؛ و ظهور نور.....
۱۸۲	اجتماع یاران.....
۱۸۵	اولین سخنرانی نور و دعوت از مردم.....
۱۹۰	آغاز نبرد رهایی بخش.....
۱۹۲	سقوط و تسلیم کشورها، و فتح و پیروزی نور.....
۱۹۷	جهان در سیطره نور.....
۲۰۲	جهان نور در نور.....
۲۰۴	جهان در زیر سایه پرچم نورانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۵	استقرار کامل عدالت جهانی.....
۲۰۷	رفاه همگانی و آبادی جهان.....
۲۰۸	گسترش، و کمال علم و دانش.....
۲۱۰	امنیت و آرامش جهانی.....
۲۱۵	منابع و مآخذ.....



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### سرآغاز

... امواج تاریکی، فضای زندگی انسانی را تیره و تار ساخته، غم و اندوه همانند هوای آلوده، لذت نفس کشیدن را گرفته، و انسان را یارای مقاومت در برابر امواج سهمگین تاریکی نیست. با این حال، او همیشه در تکاپو و تلاش است، هر طور که هست می‌خواهد خود را از منجلابی که خود به وجود آورده، نجات دهد.

از طرفی، پیشرفت سریع و روزافزون دانش، او را از انسانهای قرون گذشته متمایز ساخته، غرور او در چنگ زدن به این همه وسایل پیشرفته، باعث فراموشی و غفلت از آفریدگار خویش شده و به عنوان بشرِ خود محور، از حجت خدا - که راهنمای او از طرف خدا برای حرکت به سوی کمال، فضیلت و سعادت است - دور مانده است.

اما با این غرور، هنوز ناتوان است، و خود در گفتار و کردار - بدون اختیار - به این عجز و ناتوانی اعتراف می‌نماید، و بدین وسیله انسانهایی که آفریدگار خویش را به فراموشی سپرده و از امام زمان خود، دور مانده‌اند جامعه‌ای چنین بی‌روح و تاریک در آخرالزمان تشکیل دادند.

بدیهی است که خدای مهربان در تاریکی مطلق زمان نیز، روزنه‌های نورانی قرار داده، و بندگان خود را که خواهان رهایی از این فضای

وحشتناک هستند به وسیله جلوه‌های نورانی خویش نجات می‌دهد.

احساس و درک زمان، تکاپو و تلاش در حل مشکلات معنوی، عنایت دیگری از آفریدگار جهان به بندگان است، فطرت و نهاد پاک انسان هنگامی که با نیروی عقلش همراهی می‌کند، و اسباب و علل این همه معضلات و تاریکیها را بررسی می‌نماید، او را به تلاش برای یافتن راه حل، و بکار بستن آن، وامی‌دارد.

انسانی که به غفلت، بی‌خبری و فراموشی آفریدگار و امام زمانش مبتلا نشده کاری به ساختار جامعه ندارد. او با فطرت پاک خود، به سوی فضایل حرکت می‌کند، تا به سر منزل مقصود که همان کمال اوست، برسد.

بنابراین، او در تاریکی مطلق نیز به دنبال نور است، نوری که او را به کمال هستی خویش رهنمون شود. او به یاری خدا، با دقت، سرگذشت انسانهای گذشته را از نظر می‌گذراند، و محل اصلی مشکل را پیدا می‌کند، و انسانهای موفق و گمراه را از هم باز می‌شناسد، و علل موفقیت انسانهای والا را پیدا می‌کند، آنگاه دستورالعملی برای خویشتن درست کرده، و برای رسیدن به کمال خویش بکار می‌بندد.

آری! غدیر سر منزل کمال بود، که اولین آفتاب عالمتاب هدایت در آن درخشید، و با پرتو انوار الهی خود، جهان را روشن نمود؛ ولی خفاشان، دشمنان و منافقان دیو صفت این مهر جهانی، جلو تابش او را گرفته و جهان را در تاریکی فرو بردند، و می‌خواستند با دهانهایشان این نور الهی را خاموش نمایند...

اما غافل از آن که خدای مهربان، آفریدگار این نور است، و او خود حافظ و نگهبانش، که او نورش را به اتمام می‌رساند.

آری! اکنون پس از گذشت چهارده قرن از غدیر و آغاز نور، هنوز آن نور الهی نورافشانی می‌کند، و اوست که دل‌های جهانیان را شیفته و معطوف خود گردانیده، و با پرتو نور بی‌مثالش، مخلوقات جهان را هدایت و مطیع ولایت خویش قرار داده و ملل مختلف جهان، هر لحظه منتظر قدم آن نور الهی هستند.

و به راستی که آن نور، در غدیر با ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام جلوه‌گر شد، و دنیای ظلمانی را با نورش روشن نمود. آنگاه یازده فرزند پاک او - که هر یک نور الهی برای هدایت و سیر انسانها به سوی کمال هستند - یکی پس از دیگری نورافشانی کرده و زمانهای مختلف را منور نمودند.

اینک آخرین جلوه از آن نور الهی در پشت ابرهای سیاه دوران تاریک آخر الزمان بسر می‌برد، او امام زمان ما، و نور دوران ماست، منتظران و چشم به راهان او، در دوران تحیر و غفلت آخر الزمان زندگی می‌کنند، و برای رسیدن به آن نور الهی در تلاش و تکاپو هستند.

ما نیز به همراه آنها در کنار تربت پاک کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این سیر معنوی شرکت کردیم، و با همراهی مخلصان و عاشقان این وادی عشق، از محضر نورانی، افکار بلند و رهگشا، و آثار ارزنده قلمی و بیانی آنها بهره‌ها بردیم - که خدای متعال اجرشان بدهد - و در این نوشتار، مسیری را از صحرای غدیر تا دوران



شکوه‌مند ظهور معین نمودیم، تا به همراه عاشقان و دلسوختگان آن نور الهی، شاهد جلوه‌های نور الهی بوده و این مسیر معنوی را طی کنیم. باشد که در این مسیر معنوی، با کسب شناخت و معرفت صحیح، با امام زمان خود ارتباط برقرار کرده، و این شاء الله در پرتو این انوار الهی مانیز از جمله یاران و انصار آن حجّت خدا بوده، و از انسانهای دوران شکوه‌مند ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشیم.

اینک این اثر ناچیز را همچون ران ملخی به سلیمان زمان و مولای مهربان حضرت حجّت بن الحسن العسکری روحی وأرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء تقدیم داشته و عرض می‌نمایم:

ای محبوب! وای عزیز ما!

﴿ مَسْنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴾<sup>(۱)</sup>؛

«ما و خاندان ما را نیاز و درماندگی فرا گرفته، و ما با سرمایه‌ای اندک، به سوی تو رو آوردیم، پس پیمانه ما را پر کن، و بر ما صدقه ده؛ که خداوند صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد.»

۲۷ رجب ۱۴۲۱ هـ حرم اهل بیت علیهم السلام، قم

۴ آبان ۱۳۷۹ ش محمدحسین رحیمیان



## بخش یکم

### صحرائی غدیر گاه و معرفی خود

مضطرب و نگران

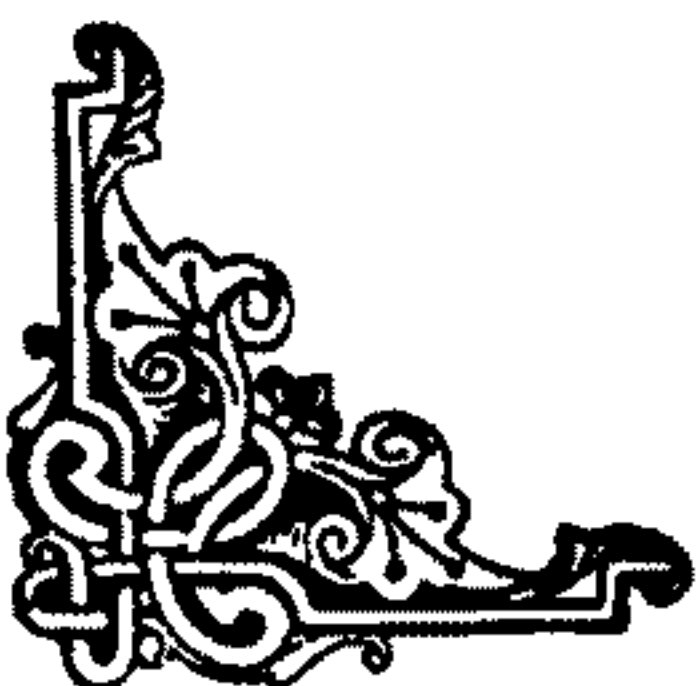
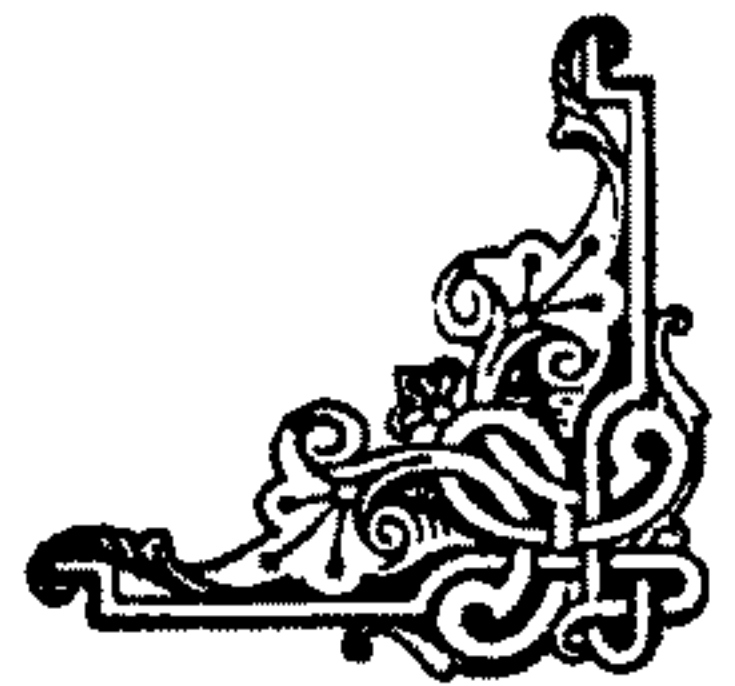
مهمترین مأموریت رسالت

ابلاغ پیام

صحرائی غدیر؛ و معرفی امام زمان علیه السلام

اجرای ولایت حضرت علی علیه السلام با ظهور امام زمان علیه السلام

چرا معرفی او؟



## مضطرب و نگران

... فکر او مشغول است که آیا توانسته مأموریت الهی خویش را به نحو احسن به پایان برساند؟ او از ادامه این راه پس از خود، بیمناک است. درد دل خود را در دل خویش - که سینه سینای رحمت است - جای داده و ابراز نمی‌کند که او مأمور و پیامبر الهی است.

مردم رسالت او را چه با میل و رغبت و چه با اکراه و مصلحت پذیرفته‌اند. همه هم و غم او در اطاعت از جانشین اوست. او از اول بعثت خویش، بارها و بارها به این مسأله حیاتی گوشزد نموده، و در موارد زیادی - چه با تصریح و چه با کنایه - مردم را با جانشین خویش آشنا نموده است. مگر جز این نیز می‌شود؟ او که خود حجّت و پیامبر خداست و از طرف حضرت باری تعالی به این رسالت مهمّ مبعوث شده، و به عنوان آخرین پیامبر الهی، ناسخ همه شریعتها و همه انبیا بشیر او هستند، مگر می‌شود جانشین او، منصوب از جانب پروردگار نباشد؟

هرگز؛ که هر امیری را وزیری، و هر پیامبری را وصی و جانشینی باید.



## مهمترین مأموریت رسالت

او مأموریت الهی خویش را انجام داده بود، و از همان روز اول بعثت، که جز وحی الهی را بر زبان جاری نمی‌نمود؛ و همواره مجری فرمانهای الهی بود؛ جانشین خود را اعلام کرد، و به همگان ابلاغ نمود؛

ولی این بار مسأله جدی‌تر می‌شد، پیک اجل از دعوت حق سخن می‌گفت، رسول خدا ﷺ در اثر بیش از دو دهه تبلیغ، ارشاد، هدایت مردم و تحمل آن همه زحمات و صدمات روح ملکوتیش شیفته و شیدای عالم روحانی و انس و اُفت با انبیای الهی شده بود؛

به همین جهت، به عنوان آخرین حج و برای وداع با کعبه - که نمادی از کعبه دلها یعنی امام معصوم است - از مدینه منوره به سوی مکه بار سفر بست.

مسلمانان و مردمی که سالها در کنار این چراغ نورانی الهی زندگی می‌کردند، و با نور الهی او محفل دلشان را روشن کرده بودند، به همراه او به راه افتادند، و در میعادگاه قرب حق اجتماع کردند.

... اعمال حج به پایان رسید، مردم گوش به فرمان آن رسول الهی هستند، لبان مبارک حضرت به حرکت درآمد، و بازگشت کاروانیان را نوید داد.

صد و بیست هزار انسان که همواره در معرض نور پر فروغ آن اشرف انبیا قرار داشتند، به راه افتادند. اما او خود که از آینده خبر داشت نگران و مضطرب بود که:

خدایا! آیا من رسالت خویش را به خوبی انجام داده‌ام؟  
آیا پس از من، مردم از جانشین من اطاعت می‌کنند؟  
آیا همه ملل و اقوام دستِ رعیت و بندگی به جانشین من خواهند داد؟  
تصویر این پرسشها و صدها پرسش نظیر این، در آیینه دل رسول  
خدا ﷺ جای گرفته بود، که کسی جز خدا و حجتهای او از این رازها خبر  
نداشت.

ناگاه جبرئیل امین پرده از این راز برداشت و فرمان الهی را فرود آورد،  
که اینک:

ای رسول ما! می‌خواهی بندانی رسالت خویش را انجام  
داده‌ای؟ پس ولایت علی علیه السلام را برای آخرین بار، در میان  
اجتماع مردم اعلام کن، و ترسی به دل خود راه مده که:  
﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾<sup>(۱)</sup>؛

«اگر این فرمان الهی را انجام ندهی رسالت خداوند را  
ابلاغ ننموده‌ای».

این پیام الهی در نزدیکی غدیر خم ابلاغ شد، رسول خدا ﷺ دستور  
توقف کاروانیان را صادر فرمود، قافله‌ها یکی پس از دیگری در کنار  
چشمه زلال خم توقف کردند؛ تا از آب زلال زندگی در آن صحرای  
خشک و سوزان بهره‌مند شوند، که این نیز اشارتی به ماء معین؛ و آب  
گوارای ولایت دارد.

(۱) سوره مائده آیه ۶۷.

## ابلاغ پیام

همه کاروانها توقف کردند، آنها از توقف خود متحیر، و منتظر و گوش به فرمان پیامبر ﷺ.

منبری از جهاز شترها آماده شد، پیامبر خدا ﷺ در بالای آن قرار گرفت، شروع به ایراد خطبه‌ای نمود، دست یداللهی علی را بالا برد و نداد داد:

ای مردم! چه کسی ولیّ شما و اولیّ از نفس شماست؟  
گفتند: خدا و رسول او.

فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ  
عاداه<sup>(۱)</sup>.

«هرکس، من مولای او هستم پس علی هم مولای اوست،  
خدایا! دوست بدار هرکسی که با او دوستی کند، و دشمن  
بدار هر که با او دشمنی ورزد».

---

(۱) کافی: ج ۱، ص ۲۹۵، ضمن ح ۳.



## صحرای غدیر؛ و معرفی امام زمان علیه السلام

پس از سخنان مفصل و ابلاغ پیام الهی و معرفی جانشین خویش، به اوصاف و فضایل آخرین سفیر الهی اشاره کرد، و فرزند خویش یعنی مهدی موعود علیه السلام را چنین معرفی نمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيَّتِي .

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ .

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ .

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمِهَا .

أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِديْنِ اللَّهِ .

أَلَا إِنَّهُ الغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ .

أَلَا إِنَّهُ قَسِيمٌ كُلِّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ، وَكُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ .

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ .

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ .

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَن رَّبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُنَبِّهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ .

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ .

أَلَا إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مِنْ سَلَفٍ بَيْنَ يَدَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً ، وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ ، وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ ، وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ .

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ .

أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحِكْمَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ... (۱) .

ای مردم! من پیغمبر شما هستم، و علی وصی و خلیفه من است.

آگاه باشید! که آخرین وصی من، مهدی قائم است.

آگاه باشید! او مسلط و قاهر در دین خواهد بود.

آگاه باشید! او از مردم ظالم و ستمگر انتقام خواهد گرفت.

آگاه باشید! او فاتح دژها و کشورها خواهد بود.

آگاه باشید! او مشرکین را نابود خواهد کرد.

آگاه باشید! او انتقام خون اولیای خدا را می‌گیرد.

آگاه باشید! او دین خدا را یاری می‌کند.

آگاه باشید! او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می‌نوشد.

آگاه باشید! او هرکسی را مطابق حال و استعداد و عمل  
خود، مقام و رتبه می‌دهد.

آگاه باشید! او یگانه شخص برگزیده و انتخاب شده  
خداوند متعال است.

آگاه باشید! او وارث همه علوم، و محیط بر حقایق  
است.

آگاه باشید! او از صفات، مراتب جلال و جمال  
پروردگار متعال خبر می‌دهد، و او به مراتب ایمان و  
حقایق آن آگاهی می‌دهد.

آگاه باشید! او صاحب رشد کامل و سداد در رأی و  
عمل است.

آگاه باشید! بر اوست که امور دین الهی تفویض  
می‌شود.

آگاه باشید! اوست که انبیای گذشته به وجود او  
بشارت داده‌اند.

آگاه باشید! او حجت باقی پروردگار، و بعد از او  
حجتی نیست، و حقی نیست مگر با او، و نوری جز نزد  
او نیست.

آگاه باشید! او غالب و پیروز می‌شود، و مغلوب  
نخواهد بود.



آگاه باشید! او ولی‌خداى متعال در روی زمین، و حاکم  
پروردگار در میان بندگان، و امین حضرت حق نسبت  
به اسرار و ظواهر اوست....

سخنان پیامبر خدا ﷺ به پایان رسید، او خوشحال بود که با عنایت و  
حمایت همه جانبه پروردگار خویش توانسته است تا مهمترین مأموریت  
رسالت خویش را به گوش مسلمانان و همه جهانیان برساند، و بدین  
وسیله مردم جهان را از منشور کمال و سعادت که همانا پیروی از ولایت  
علی و آل علی علیه السلام است، آگاه نماید، و همه مردم پاک سرشت را نسبت به  
آینده خویش امیدوار، و انسانهای ستمگر و کافر را از کفرورزی و  
ستمگری خودشان، ناامید و مأیوس گرداند که:

﴿ الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ ﴾<sup>(۱)</sup>؛

«در این روز آنان که کفر ورزیدند از دین شما مأیوس  
گشتند».

آری! غدیر سرآغاز پرتو افشانی انوار الهی بود، و در آن روز بود که  
دشمنان ولایت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از خاموش کردن انوار  
الهی مأیوس و ناامید گشتند.

---

(۱) سوره مائده آیه ۳.

## اجرای ولایت حضرت علی علیه السلام با ظهور امام زمان علیه السلام

اینک شما ای جرعه نوشان خم می غدیر! و شما ای غدیریان و منتظران ظهور آخرین نور غدیر! اگر همگی، اندکی بر ذهن خود مسلط شویم، و خود را در آن صحرای سوزان در کنار غدیر خم تصور کنیم، و آن منظره الهی را با چشم دل نظاره نماییم، و با تأمل عمیق به سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گوش جان بسپاریم؛ پرده های غفلت از جلو چشمانمان برداشته خواهد شد، و پی به اسرار الهی خواهیم برد، و با شناخت و معرفت به اولین حجّت الهی یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام تا آخرین حجّت الهی یعنی صاحب الزمان مهدی علیه السلام ایمان آورده و کمر همت به یاری آنان خواهیم بست؛ و خواهیم فهمید که اگر با ولایت شیر خدا علی مرتضی علیه السلام دین خدا تکمیل شد، با امامت و ظهور آخرین حجّت و ذخیره خدا یعنی امام زمان علیه السلام ولایت علی مرتضی علیه السلام اجراء می شود.

پس بیاییم ما نیز همچون سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد و صنها یار با وفای امیر مؤمنان علی علیه السلام که با امیر و امام زمانشان دست بیعت دادند؛ دست بیعت و وفاداری به امام زمان خود، یوسف گم گشته زهرا علیها السلام حضرت مهدی علیه السلام بدهیم، و با حضرتش همچون ۳۱۳ یار با وفایش پیمان ببندیم که:

ای آخرین حجّت خدا! و ای مولای مهربان ما! اینک مادر دوران غیبت دردناک شما بسر می بریم، و در این زمان تاریک چشم دلمان به نور الهی

شما منور است، و با همان نوری که از پرتو عالم‌تاب شما بهره‌مند شده‌ایم به دنبال شما خواهیم آمد، و در تمام عمرمان به یاد شما و چشم انتظار شما خواهیم بود، تا خدای متعال دوران شکوه‌مند ظهور شما را برساند، و ما از چشمه‌ساران زلال ولایت شما بهره‌مند شویم، **إن شاء الله**.

### چرا معرفی او؟

اکنون که خود را در صحرای غدیر تصور کردیم، و با جان و دل به خطبه‌گیری پیامبر گرامی و عزیزمان گوش فرا دادیم؛ این سؤال مطرح است، چرا پیامبر اکرم **ﷺ** در آن موقعیت حساس این‌گونه فرزند خویش، حضرت مهدی **ﷺ** را معرفی می‌نماید؟

پاسخ این سؤال حیاتی و مهم را با الهام از عنایات الهی چنین درمی‌یابیم:

پیامبر رحمت، خوب می‌داند که در عصر خویش، شیاطین و منافقانی به کمین نشسته‌اند که همچون خفاشان شب‌پرست، منتظر غروب آفتاب رسالتند، تا عرصه را از دست آفتاب ولایت بربایند، و دنیا را در ظلمت و تاریکی خویش فرو ببرند.

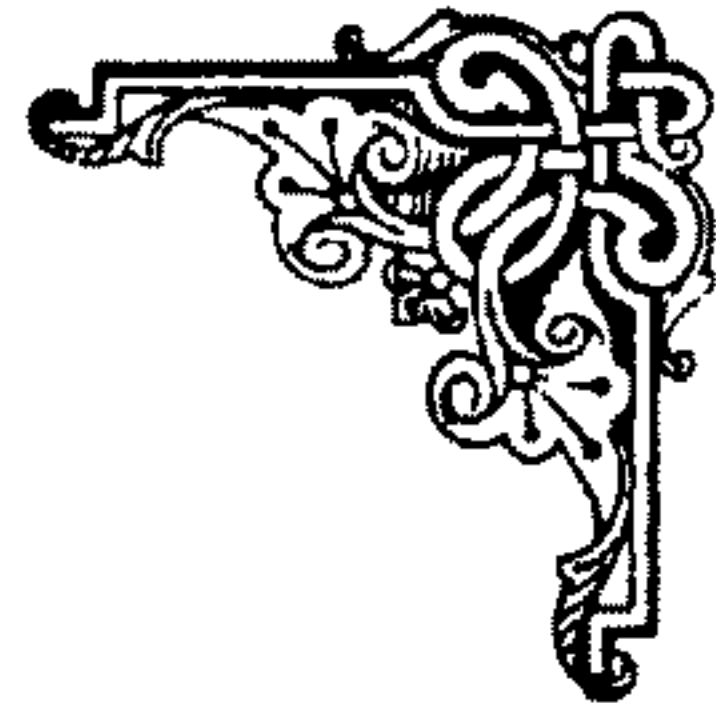
او می‌داند که آنها دست یداللهی علی مرتضی **ﷺ** را خواهند بست، و به خانه عصمت کبری، فاطمه زهرا **ﷺ** هجوم خواهند برد، و با آزار جگرگوشه حضرتش، جشن و سرور آل محمد **ﷺ** را با ناله و غم، قرین خواهند ساخت، و دست یاری به فرزندان و ذریه پاک او نخواهند داد، و

دومین جانشین او، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را مسموم، و سومین امام، حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام را در کنار رود فرات بآب تشنه شهید خواهند کرد. و بدین وسیله، جانشینان وی و حجّت‌های نورانی الهی را خانه‌نشین نموده و به قتل خواهند رساند؛

ولی بنابر وعده‌ای که حضرت حقّ به او داده؛ تنها وجودی که دین او را در سراسر گیتی ابلاغ کرده، و پرچم «لا اله الا الله» را در عالم به اهتزاز درمی آورد؛ یازدهمین فرزند اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام یعنی امام عصر، حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام است.

به همین جهت، در این روز مهمّ، آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله از جان و دل خویش، خطبه می خواند و سخن می گوید، و با افتخار تمام فرزند عزیزش را به مردم معرفی می نماید، و این نیست جز آن که به مردم اعلام می کند که: ای مردم! فرزند من، و آخرین حجّت خدا را بشناسید و اگر زمان او را درک نمودید دست بیعت به طرف او دراز کنید، که او در پس پرده غیبت بسر می برد، و منتظر اذن و ظهور از جانب حق تعالی است.

آری! او آخرین نور الهی است، او امام زمان ماست، ما نیز که اکنون در زمان حضرت مهدی علیه السلام زندگی می کنیم، از خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله در صحرای غدیر، درس آموخته و به سوی دوازدهمین جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حرکت می نماییم، تا به سفارش آن پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله عمل نموده، و با امام زمانمان آشنا شده به یاری او بشتابیم.



بخش دوم

## لزوم آشنایی بانور

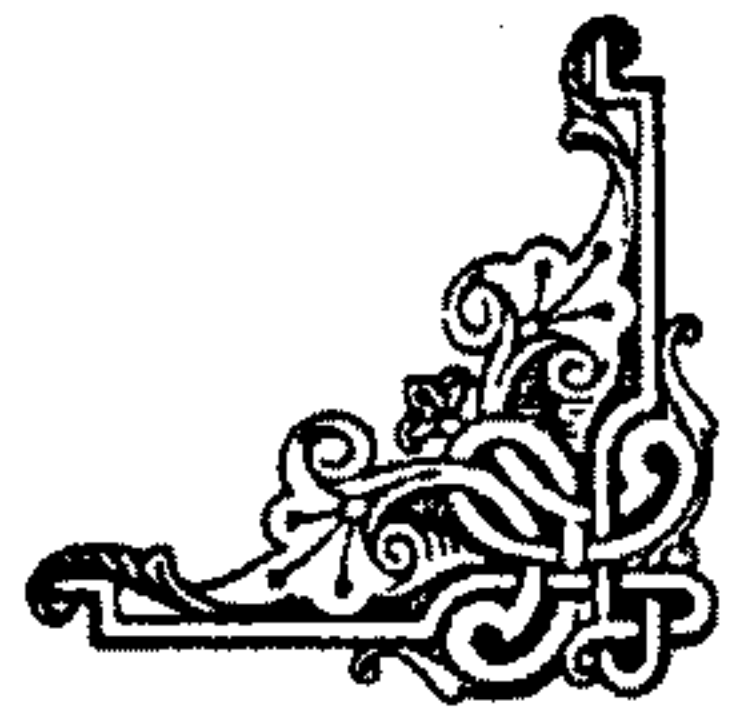
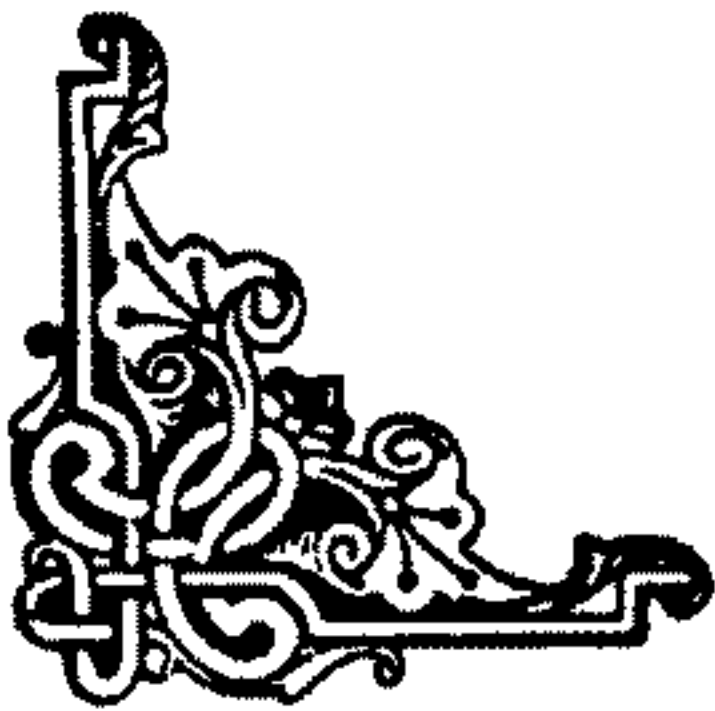
لزوم شناخت امام زمان علیه السلام

جامعه انسانی؛ و نیاز به امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام؛ و انسان معاصر

پیامبران الهی؛ و رفتار مردم

گذری بر تاریخ امامان معصوم علیهم السلام





## لزوم شناخت امام زمان علیه السلام

در دوران تاریک و ظلمانی آخرالزمان هستیم، چراغهای نورانی الهی یکی پس از دیگری نورافشانی نموده‌اند، اینک ما هستیم و آخرین چراغ هدایت، یعنی حضرت مهدی قائم آل محمد علیهم السلام که باید برای شناخت آن نور الهی، با نیت پاک از خداوند بخواهیم: خدایا! امام زمان ما را به ما بشناسان.

گرچه انسان فطرتاً خداجوست، و فطرت پاک را خدای متعال در ذات او به ودیعت گذاشته؛ اما در عین حال، برای شناخت این مسئله مهم و حیاتی باید از خدا کمک طلبید.

البته شناخت خدا موجب شناخت پیامبر، و شناخت پیامبر موجب شناخت امام است، و شناخت امام زمان موجب حرکت صحیح در عالم وجود، و کمال انسانی است. به هر حال، باید دست نیاز به سوی خدا دراز کرد، و با تمام وجود در این دوران وحشتناک، در میان امواج سهمگین آن فریاد برآوریم:

اللهم عرّفني نفسك ، فإنك إن لم تعرّفني نفسك لم أعرف نبيك .

اللهم عرّفني رسولك ، فإنك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف

حجتك .

اللهم عرّفني حجّتك ، فإنك إن لم تعرّفني حجّتك ضللت عن ديني<sup>(۱)</sup>؛

خداوندا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت.

خداوندا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیامبرت را معرفی ننمایی حجّت تو را نخواهم شناخت.

خداوندا! حجّت خویش را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجّت خودت را به من نشناسانی، از دینم منحرف خواهم گشت.

بنابراین؛ هر انسانی برای سیر کمالی خود، باید خالق و آفریدگار خود را بشناسد. پس از شناخت او، قدم به سوی شناخت پیامبر او برمی‌دارد، و شناخت پیامبر مستلزم شناخت امام زمان علیه السلام است.

و با شناخت امام زمان علیه السلام می‌تواند به ایمان حقیقی و کمال واقعی دست یافته و در صراط مستقیم قدم بردارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یک کلام زیبا می‌فرماید:

من مات ولم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلیة<sup>(۲)</sup>؛

کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ دوران جاهلیت مرده است.

۱. کمال الدین: ج ۲ ص ۳۲۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۳۳۱ ح ۳۱۷.

بدیهی است که شناخت امام زمان علیه السلام در مراحللی چند قابل تصور است. البته در جامعه کنونی ما، همه افراد بشر در ضمیر ناخودآگاه خودشان کم و بیش با آن حضرت آشنا هستند، آنچه حائز اهمیت است باور و ایمان قلبی به آن حضرت است که تأثیر عملی در وجود انسان دارد. یعنی اگر فردی بتواند در وجود خود یک باور حقیقی و ایمان واقعی نسبت به آن حضرت داشته باشد، او به سوی هدایت، راه یافته و از پرتو نور پر فروغ آن مشعل هدایت بهره مند شده است.

اگر فردی تا حدودی به کاستی‌ها و نیازمندیهای خود پی ببرد، و ورای این همه اسباب و علل، قدرت غیبی را مشاهده نماید، و خود را نیازمند یک مولای بی‌نیاز و کریم ببیند، متوجه امام زمان خود خواهد شد، و رو به سوی او خواهد برد، تا به دنبال او، ره به سوی کمال برده و به کمال انسانی برسد.

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب «کمال الدین» خود پس از آن که لزوم شناخت و معرفت حضرت مهدی علیه السلام را عنوان می‌کند، می‌نویسد:

ایمان هیچ مؤمنی صحیح نخواهد بود مگر بعد از آن که به کسی که ایمان آورده، شناخت داشته باشد. چنان که خدای می‌فرماید:

﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

مگر آنها که به حق گواهی دادند، در حالی که آگاه هستند.

بنابراین، آنچه گواهی دادند درست نخواهد بود جز بعد از آن که به آن معرفت داشته باشند، پس مسأله شناخت در مورد حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است، یعنی کسی که به حضرت مهدی قائم علیه السلام ایمان دارد، ایمانش نفعی به حال او نخواهد داشت جز آن که به حال او، در دوران غیبت شناخت داشته باشد.

و این در حالی است که پیشوایان ما، از دوران غیبت خبر داده، و آن را برای شیعیان خویش توصیف نموده‌اند. و این امر، پیش از دویست سال - با کم و زیاد - از وقوع غیبت، در کتابها تدوین شده است، و در نزد شیعیان آل محمد علیهم السلام محفوظ بوده است<sup>(۱)</sup>.

به راستی که شناخت امام زمان علیه السلام از ضروری‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسایل دوران زندگی ماست، ما چقدر در این رابطه مطالعه کرده‌ایم؟ و چقدر در این امر حیاتی پیشرفت نموده‌ایم؟ و چقدر با امام زمان که هستی ما به هستی او بستگی دارد، آشنا شده‌ایم؟ آری! وظیفه انسانی ما که سوق به سوی کمال انسانی است؛ ایجاب می‌کند که در حدّ توان و استعدادمان با آن حضرت آشنا شده تا به پیروی از آن انسان برتر الهی، به طرف سعادت بشری گام برداریم.

و آنگاه که با او آشنا شدیم، بر ماست که دیگر هموعان خود را که از معرفت و شناخت او در غفلت هستند، با او آشنا کنیم، و این نهایت لطف و

۱. کمال الدین: ج ۱ ص ۳۰ و ۳۱.

مهر اوست که ما را به سوی خود رهنمون شده و ما را با کمال و جمال بی مثالش آشنا نمود...

اینک در این سفر معنوی، موضوع دیگری را در این رابطه مطرح نموده و به این سفر ادامه می دهیم.

### جامعه انسانی؛ و نیاز به امام زمان علیه السلام

با شناختی که خدای مهربان به ما ارزانی داشته، فهمیدیم که همه ملک و ملکوت، زمین و زمان در عالم تکوین، محتاج امام زمان علیه السلام هستند، تا جایی که اگر کره زمین، خالی از حجت خدا باشد، این کره خاکی اهلش را به سوی خود، خواهد بلعید.

گواه صدق این گفتار، سخنی زیبا از امام صادق علیه السلام است، آنجا که می فرماید:

لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت (۱)؛

اگر زمین بدون امام بماند قطعاً ویران خواهد شد.

بنابراین، وقتی خدای بزرگ، به نظام تکوینی این عالم چنین نظر دارد که حضرت موسی علیه السلام در مقام شناساندن خدای مهربان فرمود:

﴿ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴾ (۲)؛

خدای ما آن کسی است که او همه موجودات عالم را

۱. الزام الناصب: ج ۱ ص ۷.

۲. سوره طه آیه ۵۰.



نعمت وجود بخشیده، و سپس او را هدایت فرموده است.

چگونه جامعه انسانی را بدون امام و پیشوا به حال خود رها می‌کند؟ انسانی که فطرتاً استعداد رسیدن به کمال را دارد، و به سوی آن حرکت می‌کند و این در گرو نظام تشریح، است، بدیهی است که نظام تشریح بدون امام و حجّت الهی ناقص و بی‌معنا است.

اینک برای فهم بیشتر این مطلب، به همراه جابر جعفی، یار با وفای امام زمان خویش، به محضر مبارک امام باقر علیه السلام می‌شتابیم.

جابر جعفی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:

لأی شیء یحتاج إلی النبی والإمام؟

فقال: لبقاء العالم علی صلاحه. وذلك، إن الله عزوجل یرفع

العذاب عن أهل الأرض إذا كان فیها نبی أو إمام، قال الله

عزوجل: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِیهِمْ﴾<sup>(۱)</sup>؛

وقال النبی صلی الله علیه و آله: النجوم أمان لأهل السماء وأهل بیتی أمان

لأهل الأرض ...

ثم قال صلی الله علیه و آله: یعنی بأهل بیته: الأئمة علیهم السلام الذین قرن الله عزوجل

طاعتهم بطاعته<sup>(۲)</sup>.

چرا جامعه به پیامبر و امام نیازمند است؟

۱. سوره انفال آیه ۳۳.

۲. تفسیر نورالثقلین: ج ۲ ص ۱۵۲ ح ۸۶.

حضرت فرمود: برای آن که جهان بنحو شایسته بر صلاح خود باقی بماند؛ زیرا مادامی که پیامبر و امام در جهان باشد خداوند عذاب را از اهل زمین برمی‌دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «خدا اُمّت را عذاب نمی‌کند مادامی که پیامبر در میان آنهاست».

و پیامبر ﷺ فرموده است: «ستارگان موجب امنیت و آرامش اهل آسمان هستند، و اهل بیت من موجب امنیت و امان اهل زمین هستند».

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: منظور پیامبر ﷺ از اهل بیت کسانی هستند که خداوند اطاعت از آنان را مقرون به اطاعت خودش فرموده است.

با توجه به این حدیث زیبا؛ وجود امام علیه السلام موجب آرامش و امنیت کره زمین است. و با آرامش آن، بندگان خدا در امان هستند. و در واقع، بندگان خدا در کنار امام زمان خود - که از هر کس نسبت به خودشان مهربانتر و دلسوزتر است - احساس آرامش و امنیت می‌نمایند، و از حوادث هولناک و ترسناک جهان، به صاحب آن پناه می‌برند.

بنابراین، وجود امام زمان علیه السلام سرچشمه همه خیرات برای تمام کائنات و مخلوقات بخصوص انسانهای آن زمان است، و حق بزرگی که از این ناحیه بر عهده افراد بشر است، قابل توصیف نیست.

اینک مادر پناه امام این زمان زندگی می‌کنیم، و امنیت و آرامش نسبی ما

در این دوران تاریک، مرهون وجود مبارک مولا و آقای خودمان حضرت مهدی علیه السلام است، و به راستی در مقابل این نعمت بزرگ الهی چه کاری کرده‌ایم؟

آیا هرگز برای جبران آن - در حد توانایی خودمان - فکر نموده‌ایم؟!  
آیا انسانِ معاصر که این همه در علوم گوناگون پیشرفت کرده، و در ذرات عالم هستی به جستجو پرداخته، هرگز توانسته است ولی نعمت خود و کسی را که هستی آنها بستگی به وجود نازنین او بستگی دارد بشناسد؟!

اکنون به همراه همسفری که طالب حقایق است، این موضوع را دنبال می‌نماییم.

### امام زمان علیه السلام؛ و انسان معاصر

انسان است، انسانی که تا دیروز از کمترین امکانات مادی بهره‌مند بود؛ ولی امروز ذره را شکافته و به سوی فضا راه یافته است؛ و از این علل و اسباب مادی بیشترین استفاده را می‌کند، در عین حال، او انسان است و فطرت خداجوی او، همواره او را به سوی شناخت پروردگار خویش حرکت می‌دهد، و او از موقع بارور شدن این فطرت، و در پی شناخت خویش، به شناخت معبود خود می‌پردازد، و از خود می‌پرسد: کیست؟ از کجا آمده؟ و به کجا خواهد رفت؟

انسان، پس از شناخت خدا، مسیر حرکت را می‌پیماید؛ ولی با تحیر از

این همه جاژه، در پی حرکت در راه مستقیم است، راهی که او را به کمالات و فضایل انسانی برساند، اینجاست که برای طی طریق، فطرت پاک وی، او را به شناخت حجت خدا وامی‌دارد، تا در صراط مستقیم حرکت نموده و به مقصد کمال خویش برسد.

از این رو، انسان از اول خلقت، از پیامبران و اوصیای الهی پیروی نموده، و در مسیر کمال خویش از آنها استمداد جسته است؛ ولی انسان معاصر، که بنا سفارشات ادیان الهی، زمان او، آخرین زمانها است؛ از این فیض الهی و نعمت عظمی محروم است؛

از سوی دیگر، با توجه به مزده همه ادیان الهی به ختم رسالت و پیامبری؛ انسان معاصر در یک صحرای تحیر معنوی بسر می‌برد. به همین جهت، به فعالیتهای علمی و صنعتی مشغول می‌شود، و به پیشرفتهای بزرگی نایل می‌آید، و خود را بیش از پیش مغرور می‌بیند.

و از طرفی، به جهت دور شدن از مسایل معنوی، خود را در ورطه هلاک می‌بیند؛ ولی خواه ناخواه زبان به عجز گشوده و از این شاخه به آن شاخه می‌رود تا به وسیله آن فطرت پاک، خود را به منجی صالح و شایسته جهانی برساند.

در این میان، دو عامل اساسی او را از این مسأله حیاتی و سازنده باز می‌دارد:

۱- غفلت و تغافل.

۲- نبود شناخت صحیح.

عامل اول، از آن کسانی است که عقیده به مکتبی الهی دارند، آنها طبق پیشگویی پیامبر یا کتابشان، از آمدن منجی عالم بشریت آگاه شده‌اند، و شناختی هرچند سطحی، از آن موعود الهی دارند؛ ولی به عللی در این صحرای تحیر و تاریک، یا در غفلت بسر می‌برند یا خود را به تغافل زده و از این نعمت خدادادی محروم مانده، و در پی او به حرکت نمی‌افتند، تا خود را به سر منزل مقصود برسانند.

عامل دوم، از آن کسانی است که اعتقادات مذهبی خود را از بین برده و به مادیات و اسباب مادی دل بسته‌اند؛ ولی در عین حال، از زندگی خود که همچون زنجیری آنها را به حصار کشیده، خسته شده و به دنبال یک مصلح جهانی هستند. اما به علت نبود شناخت صحیح، از آن موعود جهانی دور افتاده‌اند.

و اگر درهای شناخت به سوی همچون حجت الهی باز باشد، و بفهمند که تنها او می‌تواند انسان را از ورطه هلاکت برهاند، و از این منجلاب فساد نجاتش داده و به آرامش کامل برساند، در پی او حرکت کرده و خود را به او خواهند رسانید.

آری! اگر انسان امروز، امام زمانش را بشناسد قطعاً به دلیل این که از دست این مصلحان ناتوان و دروغین، خسته شده به دنبال او به راه خواهد افتاد، و از جان و دل او را خواهد پذیرفت.

دنیایی که مادر آن زندگی می‌کنیم آکنده از آلام، دردها، رنجها، غمها و گرفتاریها است، انسانهای ناتوان و عاجز با مشکلات خویش که زائیده



دوران دوری از حجت الهی است بسر می‌برند، در لحظه لحظه به ظاهر زندگی خویش با زبان حال در انتظار او بوده، و منتظر آن نور الهی هستند، اگر در دنیای کنونی، بیماران، گرفتاران، فقیران و همه غم‌زدگان، از وجود یک طبیب مهربان و امام دلسوز، شناخت و آگاهی داشته باشند حتماً به دنبال او به راه افتاده و خود را به او می‌رسانند...

پس ای دوستان انسانیت! و ای منتظران مهر و محبت! بیایید ما که تا حدودی با آن پدر مهربان جامعه بشری آشنا هستیم، به دیگر هموعان خود او را بشناسانیم، تا برق آمیدی در دل انسانهای محروم جرقه زده و برای رسیدن به آن مولای مهربان، دست نیاز به سوی خدا برداریم، و ظهور پر برکت و با شکوهش را بطلبیم.

### پیامبران الهی؛ و رفتار مردم

اکنون که با گوشه‌ای از منزلت، مقام و موقعیت امام در جامعه انسانی آگاه شدیم، و دل رنجورمان با یاد آن یار عزیز مرهم پیدا کرد، می‌پرسیم چرا جامعه فعلی ما از حضور چنین امام و پیشوای دلسوزی که بشریت در شب و روز و لحظه لحظه زندگی خود نیازمند و محتاج اوست، محروم است؟

جامعه انسانی که این اندازه ارتباط تنگاتنگ با امام زمانش دارد، و بدون او قطعاً از کمال بازمانده و ره به سویی نخواهد برد، چرا از او دور است؟ این سؤال سرنوشت‌ساز، سؤال به جایی است، سؤالی که انسانهای آگاه

در پی پاسخ آن هستند، پاسخ آن را از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌خواهیم.  
بنابر روایات معتبر، آفریدگار جهان هستی از لطف بی‌پایان خود،  
اولین فردی که به صورت انسان خلق فرموده پیامبر و حجّت او بوده، و  
آخرین فردی که از این دنیای خاکی رخت برمی‌بندد، باز حجّت خداست.  
امام صادق علیه‌السلام در سخنی زیبا می‌فرماید:

الحجّة قبل الخلق، ومع الخلق، وبعد الخلق<sup>(۱)</sup>؛

حجّت خدا، پیش از مردم است و به همراه مردم است و  
پس از مردم خواهد بود.

بنابراین؛ لطف بی‌پایان الهی و مشیت ناشی از رأفت و رحمت  
بی‌منتهای حضرت باری بر این تعلق گرفته که بشریت را در این مدرسه  
کمال لحظه‌ای بدون رهبر و امام وانگذارد.

باز در سخنی دیگر، امام صادق علیه‌السلام آن هدایتگر الهی می‌فرماید:

إنّ آخر من يموت الإمام، لئلاّ يحتجّ أحد على الله عزّ وجلّ أنّه  
ترکه بغیر حجّة الله علیه<sup>(۲)</sup>؛

آخرین فردی که از دنیا می‌رود امام است، تا این که  
هیچ‌کس بر خدای احتجاج نکند که او را بدون امام رها  
کرده است.

۱. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۱۲.

۲. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۲۱.

اگر بر گذشته و ابتدای تاریخ بشریت برگردیم، و از خلقت آدم ابوالبشر تا آخرین پیامبر الهی، تاریخ بشریت را در نظر بگیریم، لحظه‌ای از زمان را بدون پیشوا، حجت و پیامبر یا وصی پیامبر نخواهیم یافت.

و این همان لطف بی‌پایان الهی است. حال، رفتار مردم و بشریت با این پیامبران الهی و رهبران دینی و آموزگاران بشریت چگونه بوده است، خود موضوع دیگری است؟

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

﴿ يَا خَسْرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴾<sup>(۱)</sup>؛

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد، جز این که او را استهزا می‌کردند.

بنابراین، بشریت به خاطر جهل و نادانی خویش به همراه ستمگران و فرعونیان در برابر پیامبران الهی، این انسانهای دلسوز و مهربان، صف‌آرایی کرده، و آموزگاران خود را آزار داده و از هدایت و راهنمایی آنها سرپیچی می‌کردند. و بدینسان، انسانهای بیچاره، به استقبال پیامبران الهی می‌رفتند.

## گذری بر تاریخ امامان معصوم علیهم‌السلام

آری! روش و رفتار مردم با پیامبران الهی که برای هدایت آنها آمده بودند؛ پسندیده نبود، و همواره در پی آزار این معلمان بشریت بودند. به همین جهت، در همه ادوار به خاطر این بی‌احترامی و حق‌نشناسی مورد مؤاخذه الهی قرار گرفته، و از این چراغ پر فروغ محروم می‌ماندند، و گاهی منجر به غیبت و پنهانی راهنما و پیامبر می‌شدند، و از دسترسی به آن وجود نازنین که در لحظه لحظه زندگی خودشان محتاج او بودند، محروم می‌شدند.

تا آن که پس از گذشت دوران جاهلیت و گمراهی، خداوند احدیت از لطف و احسانش پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان آخرین پیامبر خویش مبعوث فرمود. آن حضرت حدود ۲۳ سال به ارشاد و هدایت جامعه خویش مشغول بود، و آخرین دینی را که از طرف آفریدگار جهان برای همه کرة زمین نوید کمال و هدایت را به ارمغان آورده بود، به بشریت عرضه داشت.

ولی طبق معمول، رفتار اُمت با آن حضرت خوشایند نبود، و آنها در پی آزار آن حضرت بودند تا آن که خودش فرمود:

ما أودى نبيّ بمثل ما أوديت<sup>(۱)</sup>؛

هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار قرار نگرفت.

به هر حال، آن حضرت جانشینان خویش را که دوازده نور پاک الهی بودند به اُمت و جهانیان معرفی نمود، تا با چنگ زدن به آن حبل های متین و پیروی از آن امامان هدایتگر، بشریت رو به سوی کمال سعادت حرکت نماید.

بدیهی است که عده ای از مردم به جهت عدم شناخت منزلت آنان، و عده ای دیگر به جهت عدم تحمل آنها، با آنان به ستیز آمده، و کمر همت را برای نابودی آنها بستند تا آن که یازده نور روشنگر الهی را در سخت ترین شرایط به شهادت رساندند.

ولی از آن جایی که خداوند احدیت و عده داده بود - و وعده او حق است - که جهان را از عدل و داد پر نماید، تا دین او در همه کوره زمین پا برجاء، و انسان به تمام معنا در سایه امام زمان علیه السلام به کمال برسد. به همین جهت، چون دوران امامت یازدهمین امام همام فرا رسید، و بنا به وعده ها و بشاراتی که همه انبیا، اولیا، و اوصیای الهی برای آخرین حجّت الهی داده بودند، شیاطین جن و انس، جبّاران و سرکشان به حالت آماده باش درآمدند، تا پس از قتل این امام، فرزند او یعنی حضرت مهدی علیه السلام را نیز به قتل برسانند.

ولی غافل از این که او باقی مانده از حجج خدا، و آخرین حجّت اوست، و هموست که وعده های الهی را تحقق خواهد بخشید، و جهان را از عدل و داد پر کرده و ریشه ستم و ستمگران را از بیخ و بن بر خواهد کند، او با دست با کفایت خویش، جهان را به دنیایی روشن و آباد تبدیل خواهد کرد، **إن شاء الله.**



آری! او نیکوست و همه نیکویی‌ها از اوست، چه خوب است از سیرت و صورت او جو یا شده و با آن امام مهربان بیشتر آشنا شویم، و این مسیر معنوی را با موضوع جلوه‌هایی از سیرت و صورت آن نور الهی ادامه دهیم.



بخش سوّم

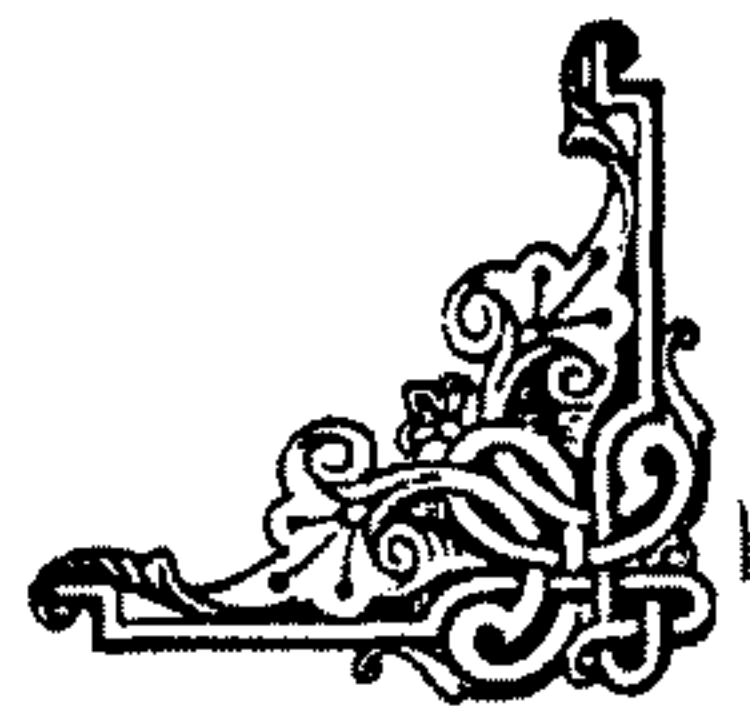
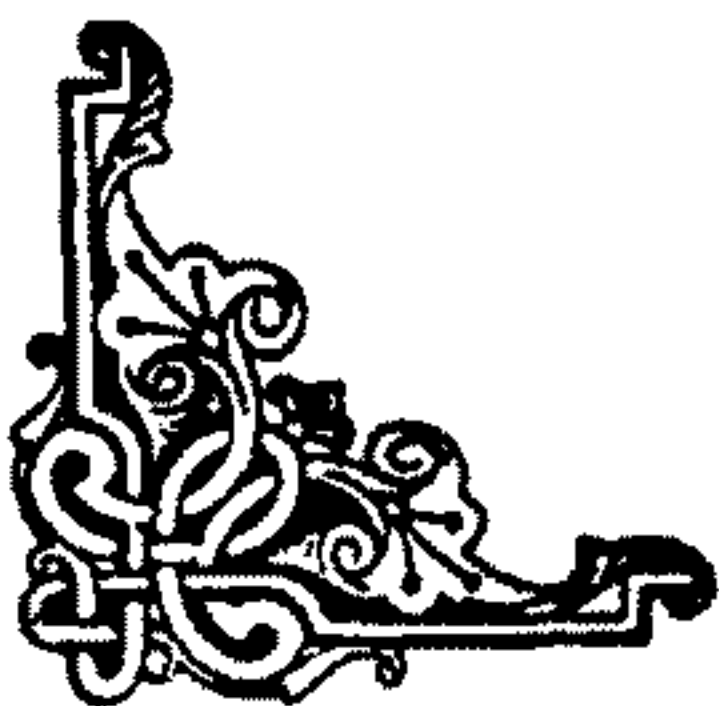
## جلوه‌هایی از سیرت و صورت نور

جلوه‌ای از سیمای امام زمان علیه السلام

تصویری از سیرت و محبت امام زمان علیه السلام

ترسیمی از مقام و عظمت امام زمان علیه السلام

جامعه انسانی، و مهر امام زمان علیه السلام



## جلوهای از سیمای امام زمان علیه السلام

چشمان ما قدرت نگاه به خورشید را ندارد، و در برابر پرتو آفتاب خیره می‌شود، مگر می‌شود به خورشید خیره شده و او را توصیف نمود؟ کسانی که چشمانشان به جمال دلربای یوسف زهرا علیها السلام افتاده از توصیف او عاجز و ناتوان بوده‌اند.

و به راستی کسی قادر نیست کمال و جمال او را توصیف نماید، کدام قلم و بیان، یارای قلم‌فرسایی و سخن‌پردازی در اوصاف و کمالات والای آن حضرت را دارد؟

أصولاً کسی که می‌خواهد شخصی را در تمام ابعاد معرفی کند و بشناساند، باید احاطه کامل به تمام اوصاف او داشته باشد، مگر قوه بشری طاقت احاطه به معرفت حضرتش را دارد تا او را معرفی نماید؟!

آری! او نور خدا و مظهر صفات حق جل جلاله است، و احاطه به شناخت‌کنه صفات حضرت حق محال است و ممتنع، و بشر عادی در این عرصه ناتوان است و عاجز، و باید خالق و پروردگار جهانیان و حجّت‌های او که احاطه کامل به فضایل و کمالات حضرتش دارند، او را معرفی نموده، و گوشه‌ای از کمال و جمال بی‌نهایت مولا را بازگو نمایند.

آفریدگار حضرتش، در توصیف کمال و جمال امام زمان علیه السلام به رسول

خدا ﷺ در شب معراج می‌فرماید:

علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب<sup>(۱)</sup>.

او دارای کمال موسی، و جمال و سیمای عیسی، و صبر و شکیبایی ایوب<sup>(۱)</sup> است.

و به راستی که: آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری!

اشرف پیامبران، پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی ﷺ پرده از جمال بی‌مثال فرزند عزیزش برمی‌دارد و می‌فرماید:

بأبي وأمي سميتي وشبيهي وشبيهة موسى بن عمران، عليه جلايبب النور يتوقد من شعاع القدس<sup>(۲)</sup>.

پدر و مادرم فدای او، هم‌نام و شبیه من، و شبیه موسی بن عمران است، که هاله‌ای از نور از شعاع قدس او را احاطه کرده.

امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> سیمای همچون ماه یازدهمین فرزند خود را چنین توصیف می‌نماید:

المهدي أقبلي، أجدد، هو صاحب الوجه الأقرم، والجبين الأزهر، صاحب الشامة والعلامة...<sup>(۳)</sup>

مهدی دیدگانی مشکى، موهای پرپشت، چهره‌ای چون

۱. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۱۹۷ ضمن ح ۳.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱۴.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۵۱.

ماه تابان، پیشانی باز و درخشان، خالی (برگونه راست) و نشانی (چون مهر نبوت در میان دو کتف) دارد.

امام محمد باقر علیه السلام در وصف چهره نورانی، امید جهانیان، صاحب عصر و زمان علیه السلام می‌فرماید:

وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دَرِّي شَرِبَ بِحَمْرَةٍ (۱).

چهره او سرخ‌فام و چون ستاره‌ای درخشان است.

پیشوای ششم امام صادق علیه السلام در مورد درخشش خورشید فروزان اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

حَسَنَ الْوَجْهِ ، آدَمَ ، أَسْمَرَ ، شَرِبَ بِحَمْرَةٍ (۲).

صورتی زیبا، گندم‌گون، و چهره‌ای گلگون دارد.

و امام رئوف و مهربانمان یعنی حضرت رضا علیه السلام در توصیف سیمای دلربای امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

علامته أن يكون شيخ السنّ ، شابّ المنظر ، حتّى أن الناظر إليه ليحسبه ابن أربعين سنة أو دونها ... (۳)

از نشانه‌های او، سیمای جوان او در سن کهولت است که هرکس او را ببیند او را چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند.

۱. روزگار رهایی: ج ۱ ص ۱۲۶.

۲. الإرشاد: ص ۳۴۲.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۸۵ و ۳۲۲.

آری! قطره‌ای از دریای فضایل و کمالات آخرین حجّت خدا، یوسف زهرا علیها السلام و فرزند مهربان علی مرتضی علیه السلام را با کلماتی نورانی به تصویر کشیدیم، و اگر نبود که آفریدگار حضرتش و نیاکان طاهرینش او را توصیف نمی‌کردند، بشر عادی را توان ترسیم و تصویر جمال الهی نیست و از درک آن عاجز است. به همین جهت، کسانی که توفیق دیدار آفتاب مثال یار، نصیبشان شده و لحظاتی چشمشان به چهره آن نور الهی افتاده، خیره شده و از توصیف او ناتوان و حیران شده‌اند.

شاهد گفتار ما، سخن عاشقِ دل‌خسته امام زمان علیه السلام، پسر مهزیار است، او که شمع وجودش در عشق دیدار مولای مهربانش می‌سوخت می‌گوید:

... آنگاه که ملاقات یار نصیبم شد، چون حضرتش را

نگریستم، رخساری دیدم مانند ماه، قامت همچون سرو، نه

لاغر و نه فربه و نه زیاد بلند و نه بسیار کوتاه بود، بلکه قامتی

معتدل و رسا داشت. پیشانیش باز، ابروانش بلند،

چشمانش سیاه، بینیش کشیده و میان برآمده، صورتش

صاف، و برگونه راستش خالی بود... تا آنجا که می‌گوید:

**فلما أنا بصرت به، حار عقلي في نعته وصفته؛**

وقتی او را دیدم عقلم در نعت و وصف او حیران گشت<sup>(۱)</sup>.

ای منتظر و عاشقِ دیدار یارِ بیا ما هم از خدای بنخواهیم چشمان ما را

نیز به جمال دلربای یوسف زهرا علیها السلام که در توصیف آن، عقلها حیران



است، منور نماید. و با هم زمزمه کنیم:

فدای صورت زیبای مهدی علیه السلام به قربان قد رعناى مهدی علیه السلام  
سرو جان و تمام هستی ما فدای خاک زیر پای مهدی علیه السلام

### تصویری از سیرت و محبت امام زمان علیه السلام

شناخت و معرفی حقیقی از اشیا موجب کشش یا اجتناب انسان از آن شیء است. شناخت و معرفت، مهمترین و اصلی‌ترین عامل کمال انسان است، چنانچه قبلاً مطالبی در این مورد، بیان نمودیم.

اینک تصویری دیگر از سیرت و محبت مولای خودمان را با گفتاری زیبا ترسیم می‌کنیم، تا دلهای عاشقان دل خسته امام زمان علیه السلام را تسکین دهیم. نویسندگانی توانا، در توصیف امام زمان علیه السلام می‌نویسد:

«راستش را به ما نگفتند، یا لا اقل همه راست را به ما نگفتند.

گفتند: تو که بیایی خون به پا می‌کنی، جوی خون به راه می‌اندازی، و از کشته پشته می‌سازی، و ما را از ظهور تو ترساندند.

درست مثل این که حادثه‌ای به شیرینی تولد را کتمان کنند، و تنها از درد زادن بگویند.

ما از همان کودکی تو را دوست داشتیم. با همه فطرتمان به تو عشق می‌ورزیدیم، و با همه وجودمان بی‌تاب آمدنت بودیم.

عشق تو با سرشت ما عجین شده بود، و آمدنت، طبیعی‌ترین و شیرین‌ترین نیازمان بود.

اما... اما کسی به ما نگفت که چه گلستانی می‌شود جهان، وقتی که تو بیایی.

همه پیش از آن که نگاه مهرگستر و دستهای عاطفه تو را توصیف کنند، شمشیر تو را نشانمان دادند.

آری! برای آن که گلها و نهالها رشد کنند باید علفهای هرزه را وجین کرد، و این جز با داسی برنده و سهمگین ممکن نیست.

آری! برای آن که مظلومان تاریخ، نفس راحتی بکشند، باید پشت و پوزه ظالمان و ستمگران را به خاک مالید، و نسلشان را از روی زمین برچید.

آری! برای آن که عدالت بر کرسی بنشیند، هرچه سریر ستم آلوده سلطنت را باید واژگون کرد و به دست نابودی سپرد.

و اینها همه، معجزه‌ای است که تنها از دست تو برمی‌آید، و تنها با دست تو محقق می‌شود. اما مگر نه این که اینها همه مقدمه است برای رسیدن به بهشتی که تو بانی آنی.

آن بهشت را کسی برای ما ترسیم نکرد.

کسی به ما نگفت که آن ساحل امید که در پس این دریای خون نشسته است چگونه ساحلی است؟!

کسی به ما نگفت که وقتی تو بیایی:

پرندگان در آشیانه‌های خود جشن می‌گیرند، و ماهیان دریاها شادمان می‌شوند، و چشمه‌ساران می‌جوشند، و زمین چندین برابر محصول

خویش را عرضه می‌کند، که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

فعند ذلك تفرح الطيور في أوكارها، والحيتان في بحارها،  
وتفيض العيون، وتنبت الأرض ضعف أكلها<sup>(۱)</sup>.

به ما نگفتند: که وقتی تو بیایی:

دل‌های بندگان را آکنده از عبادت و اطاعت می‌کنی، و عدالت بر همه جا  
دامن می‌گسترده. و خدا به واسطه تو، دروغ را ریشه کن می‌کند، و خوی  
ستمگری و درندگی را محو می‌سازد، و طوق ذلت بردگی را از گردن  
خلایق برمی‌دارد، چنانچه رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

يفرج الله بالمهدي عن الأمة، يملأ قلوب العباد عبادة، ويسعهم  
عدله. به يمحق الله الكذب، ويذهب الزمان الكلب، ويخرج ذل  
الرق من أعناقكم<sup>(۲)</sup>.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

ساکنان زمین و آسمان به تو عشق می‌ورزند، آسمان بارانش را  
فرو می‌فرستد، زمین گیاهان خود را می‌رویاند... و زندگان آرزو می‌کنند  
کاش مردگانشان زنده بودند، و عدل و آرامش حقیقی را می‌دیدند، و  
می‌دیدند که خداوند چگونه برکاتش را بر اهل زمین فرو می‌فرستد، که  
پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

يحبّه ساكن الأرض وساكن السماء، وترسل السماء مطرها،

۱. ينابيع المودة: ج ۲ ص ۱۳۶.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۷۵ ح ۲۹، الغيبة: ص ۱۱۴.

وتخرج الأرض نباتها، لا تمسك منه شيئاً... يتمنى الأحياء  
الأموات ليروا العدل والطمأنينة، وما صنع الله بأهل الأرض من  
خيره<sup>(۱)</sup>.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

همهٔ اُمت به آغوش تو همانند زنبوران عسل به ملکهٔ خویش پناه  
می‌آورند، و تو عدالت را آنچنان که باید و شاید در پهنةٔ جهان می‌گستری،  
و خفته‌ای را بیدار نمی‌کنی، و خونی را نمی‌ریزی، آنجا که پیامبر خدا ﷺ  
می‌فرماید:

تأوي إليه أمة كما يأوي النحل إلى يعسوبها، ويملا الأرض عدلاً  
كما ملئت جوراً حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأول، لا  
يوقظ نائماً، ولا يهريق دماً<sup>(۲)</sup>.

به ما نگفته بودند که وقتی تو بیایی:

رفاه و آسایشی می‌آید که نظیر آن پیش از این، نیامده است، مال و  
ثروت آن چنان وفور می‌یابد که هر که نزد تو بیاید فوق تصورش، دریافت  
می‌کند، که پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

تنعم أمتي في دنياه نعيماً لم تنعم مثله قط، البرّ والفاجر، والمال  
كدوس يأتيه الرجل فيحثوله<sup>(۳)</sup>.

---

۱. بحار الأنوار: ح ۵۱ ص ۱۰۴.

۲. منتخب الأثر: ص ۴۷۸.

۳. البيان: ص ۱۷۳.

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

اموال را چون سیل جاری می‌کنی، و بخششهای کلان خویش را هرگز شماره نمی‌کنی، که جدّ بزرگوارت می‌فرماید:

**یفیض المال فیضاً ویحشو المال حثواً ولا یعدّه عدّاً<sup>(۱)</sup>.**

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی:

هیچ‌کس فقیر نمی‌ماند و مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمند می‌گردند، و پیدا نمی‌کنند، مال را به هر که عرضه می‌کنند می‌گوید: بی‌نیازم، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود:

**یفیض فیهم المال حتی یهم الرجل بماله من یقبله منه حتی یتصدّق فیقول الّذی یعرضه علیه: لا أرب لی به<sup>(۲)</sup>.**

ای محبوب ازلی! و ای معشوق آسمانی!

ما بی آن که مختصات آن بهشت موعود را بدانیم، و مدینه فاضله حضور تو را بشناسیم تو را دوست می‌داشتیم و به تو عشق می‌ورزیدیم، که عشق تو با سرشتها عجین شده بود، و آمدنت طبیعی‌ترین و شیرین‌ترین نیازمان بود.

ظهور تو بی تردید بزرگترین جشن عالم خواهد بود، و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد<sup>(۳)</sup>.

۱. صحیح مسلم: ج ۸ ص ۱۸۵.

۲. مسند احمد: ج ۲ ص ۵۳۰.

۳. مجله موعود: ص ۳ و ۴، با اندکی تغییر و تصرف.

آری! او ذخیره الهی، برای تحقق بخشیدن به وعده‌های خداست، و اوست که با دست با کفایت خود همه خوبیها، خیرها، و زیباییها را به زمین و زمینیان به ارمغان خواهد آورد، مانیز برای تعجیل این روز باشکوه دعا می‌کنیم، و با عشق و محبت به مولای خوبمان، باز هم از بزرگی و عظمت او سخن می‌گوییم.

### ترسیمی از مقام و عظمت امام زمان علیه السلام

اکنون که اندوخته‌های قلبمان را در عشق و محبت امام زمان علیه السلام پرورش می‌دهیم، و با شناخت و معرفت او، دل شکسته و رنجورمان را مرهم گذارده و وجودمان را از عشق او لبریز از صفا می‌نماییم، مقام و عظمت مولایمان را از زبان معصومین علیهم السلام بشنویم.

نویسنده کتاب ارزشمند «صحیفه مهدیه» در این رابطه می‌نویسد:  
روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه وارد شده است، آنچنان مهیج و تکان‌دهنده است که آدمی را به تعجب می‌آورد!

چگونه می‌شود با آن همه سختانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می‌گذارد، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن‌گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس اهل بهشت» برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین، در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟



آیا قدرتمندان و سردمدارانی که خود را وابسته به آن حضرت می‌دانند خدمتی نموده‌اند؟

آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به اساسی‌ترین مسأله حیاتی دین، کوشش کرده‌اند؟

آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت‌زدگی، کم و بیش دارای تأثیر بوده‌اند، گرچه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق، داغ بر دل داشته و با تأسف و حسرت بسر برده‌اند و می‌برند. بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آن حضرت یاد نموده‌اند؟ و چگونه مردم را به سوی آن حضرت متوجه ساخته‌اند؟ و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی که زمان پس از حیات خود را بیان می‌کند خطاب به وصی و جانشین خود امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

پس از من، فتنه‌ای ایجاد می‌شود، فتنه‌ای کرکننده و سخت که در آن شخص برگزیده و زیرک نیز سقوط می‌کند، و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از امام هفتم که از فرزندان تو هستند، گم می‌کنند،

برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می‌شوند، و چه بسیارند زنان و مردان با ایمانی که در هنگام غیبت او تأسّف دارند و غمگین و حیران هستند.

آنگاه رسول خدا ﷺ سر مبارک خودش را به آرامی پایین آورد، سپس سر بلند نموده و فرمود:

پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبیه من، و شبیه موسی بن عمران است، او پیراهن‌هایی از نور به تن دارد که هاله‌ای از نور از شعاع قدس او را احاطه کرده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن اشعاری در توصیف آن بزرگوار می‌فرماید:

(ای فرزند من!) پس از (حکومت‌های ناشایست) کسی که از شما حق را به پا می‌دارد، قیام می‌کند، و حق را برای شما می‌آورد و به آن عمل می‌کند، او هم نام پیامبر خداست، جانم فدای او باد.

ای فرزندان من! او را یاور بنشینید، و تنها نگذارید، و برای یاری او بشتابید.

امیر عالم هستی، حضرت علی علیه السلام در ضمن خطبه‌ای پس از بیان ستم‌هایی که بر او وارد شده، از آینده یاد می‌کند، و نام پایان‌دهنده همه ظلم‌ها و ستم‌ها را به زبان جاری می‌کند و درباره او می‌فرماید:

آه! چقدر مشتاقم او را ببینم؟

امام باقر علیه السلام در گفتاری زیبا که در مورد ایمان به ظهور امام زمان علیه السلام است، می‌فرماید:

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از قسط و عدل می‌کند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این که آیا حضرت مهدی علیه السلام متولد شده می‌فرماید:

نه، و اگر من زمان او را درک نمایم در همه زندگی به او خدمت می‌کنم.

امام کاظم علیه السلام در توصیف عدالت‌گستر جهان هستی می‌فرماید:  
پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌نماید.

امام رضا علیه السلام که زمان سخت دوران غیبت را یادآور می‌شود در وصف حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

پدر و مادرم فدای او که هم نام جدّم رسول خدا و شبیه من است...

و همین امام رؤوف علیه السلام بود که هنگامی که در حضورش نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام برده می‌شد به احترام نام آن حضرت می‌ایستادند، و دستان مبارکش را بر سر می‌نهادند و می‌فرمودند:

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه.

خدایا! در فرج او تعجیل فرما و خروج و قیام او را آسان کن.

آنگاه در مورد خصوصیات حکومت جهانی آن حضرت برای مردم بیاناتی ایراد می‌فرمود<sup>(۱)</sup>.

بار خدایا! در این دوران هجران، به ما توفیق بده تا آداب و احترام امام زمان عزیزمان را مراعات نموده، و رعیت خوبی برای او باشیم، و دل او را از خود راضی و خشنود سازیم...

### جامعه انسانی؛ و مهر امام زمان علیه السلام

آفریدگار جهان، آفریدگار مهر و محبت و رحمت است، او دارای رحمت بیکران و بی‌نهایت است و به همین جهت، حرکت و کمال جامعه انسانی را براساس اصل محبت و رحمت استوار فرمود، و این صفت از برجسته‌ترین صفات کمال است، که سخن در این مقال از گنجایش این نوشتار خارج است؛

ولی آنچه این صفت عظیم را برجسته‌تر می‌نماید قرار گرفتن آن در برابر قدرت است، یعنی خدای متعال رحمت مطلق، در عین قدرت مطلق است، که در توصیف حضرت باری می‌خوانیم:

یا من سبقت رحمة علی غضبه<sup>(۲)</sup>؛

ای خدایی که مهر و رحمت او بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

۱. صحیفه مهدیه: ۱۱۱-۱۲۳، با اختصار.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۱۹۷ ضمن ح ۳.

و این صفتی است که همه صفات کمال به آن برمی‌گردد، و با بکار بستن همه جانبه این صفت برتر است که جامعه انسانی به کمال رشد خود می‌رسد. و این در حالی است که خدای مهربان که رحمت او بر عام و خاص وسعت دارد، پیامبری رحمة للعالمین می‌فرستد، و خود اخلاق حسنه و مهر و رحمت او را می‌ستاید و می‌فرماید:

﴿ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴾<sup>(۱)</sup>.

همانا تو دارای خلق و خوی بزرگی هستی.

آنگاه خدای متعال برای سعادت و کمال جوامع بشری دوازده نور که همگی دارای رحمت و رأفت الهی هستند، می‌فرستد، و آخرین حجّت خویش را بر پیامبر رحمت خود، چنین معرفی می‌نماید:

ثم أكمل ذلك بابنه رحمة للعالمين<sup>(۲)</sup>.

سپس امامت را با فرزند امام حسن عسکری علیه السلام برای رحمت، بر جهانیان به کمال می‌رسانم.

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در توصیف خلق و خوی فرزندش حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

المهدي من ولدي، اسمه اسمي، وكنيته كنيّتي، أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً...<sup>(۳)</sup>.

۱. سورة قلم آية ۴.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۱۹۴ ضمن ح ۳.

۳. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۱.

مهدی علیه السلام از فرزندان من است، نام او نام من، و کنیه او کنیه من، و از جهت آفرینش و اخلاق و رفتار (سیرت و صورت) شبیه‌ترین مردم به من است.

آری! او مظهر صفات کمال خدا، و دارای رحمت واسعه الهی است، در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

السلام عليك أيها العَلم المنصوب والعلم المصبوب، والغوث  
والرحمة الواسعة...<sup>(۱)</sup>؛

سلام بر تو ای پرچم برافراشته (عدل خدا)، و ای علم و دانش موهوب جق، و ای پناه (مردم)، و ای رحمت بی‌نهایت و واسعه الهی (بر تمام جهانیان)...

به راستی که او رحمت بی‌نهایت پروردگار بر بندگان اوست، او سفینه نجات میلیاردها انسان است که در میان امواج سهمگین دریای طوفانی دوران غیبت با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند، او پناه بی‌پناهان، امید ناامیدان، طیب دردمندان و رهابخش همه گرفتاران است.

این خدای مهربان است که برای جوامع بشری، این حجّت مهربان را ذخیره کرده، و با ظهور او، مهر بی‌کران خویش را در این جهان به بشریت نشان داده و به اثبات خواهد رسانید.

اینک چه خوب است به محضر یکی از امامان مهربان بشتابیم، و در این

---

۱. صحیفه مهدیه: ص ۴۴۴.

مورد نیز کسب فیض نماییم، امام رضا علیه السلام در توصیف امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

يكون أولى الناس منهم بأنفسهم، وأشفق عليهم من آبائهم  
وأُمَّهاتهم... (۱)

او برای مردم از خودشان اولی‌تر، از پدر و مادرشان  
مهربان‌تر است...

آری! پدر و مادر، که بهترین مصداق برای مهر و محبت هستند، آنها  
نیز در اینجا تحت الشعاع مهر و محبت بی‌کران امام علیه السلام قرار گرفته‌اند، چرا  
که او حجت خدای مهربان است که مهربانترین مهربانان است...

خدایا! بر ما منت گذار مولا و امام مهربان ما را، از ما راضی و خشنود  
فرما. و مهربانی، رأفت، رحمت و دعای خیر او را بر ما عنایت فرما، تا  
آنجا که بدین وسیله به رحمت بی‌کران رسیده و به فوز و رستگاری و  
سعادت در پیشگاه تو نایل، و کامیاب شویم.

اکنون با یک دنیا غم و اندوه از فراق و هجران چنین مولای مهربان، به  
علل و اسباب این هجران غمبار می‌پردازیم. و با دقت تمام، موضوع در  
هجران نور را بررسی می‌نماییم، تا این شاء الله بتوانیم با گامی یا کلامی به  
پیشگاه خدای مهربان نزدیک شده، و با دعایی، این هجران را به وصل و  
کامیابی برسانیم.





---

بخش چهارم

## در دوران نور

آغاز دوران غیبت

دوران غیبت؛ و علل آن

دوران غیبت؛ و مشکل نگهداری دین

دوران غیبت؛ و آزمایش مردم

دوران غیبت؛ و استواران در دین در آن دوران

دوران غیبت؛ و تنها راه نجات



---

## آغاز دوران غیبت

این بار مشیت الهی بر این تعلق یافته بود که آخرین حجّت خود را که یکتا بازمانده مظهر خدایی است، از گزند دشمنان و ستمگران حفظ کند. به همین جهت، ولادت با سعادت آن حضرت از دشمنان پنهان، و نام و نشانش از آنها در نهان شد؛ زیرا که این بار همه ستمگران و شیاطین جنّ و انس در پی او و مشتاق یافتن و نابود کردن او بودند، و همه نیروی خود را به کار گرفته بودند تا از ولادت آن چراغ پر فروغ الهی آگاه شده و آن نور الهی را خاموش نمایند؛

ولی غافل از آن که خدای متعال خود حافظ و نگهبان آخرین حجّت خویش است تا به وسیله او بندگان خود را از یوغ ستمگران رهایی داده و انتقام مظلومان را از ظالمان گرفته، و جهان را با ظهور مبارک او آباد و دنیای ظلمانی را با نور او روشن نماید.

آری! امید همه مردم و ثمره شجره ولایت و نبوت در برهه‌ای حسّاس از زمان، در سال ۲۵۵ هجری قمری در سپیده دم پانزدهم شعبان در پایتخت عباسیان یعنی شهر «سامرا» در خانه نورانی امام حسن عسکری علیه السلام چشم به جهان گشود، و با قدومش خواب ستمگران و ظالمان را پریشان و امید و انتظار مظلومان و ستمدیدگان را شکوفا ساخت.

دشمنان نور، و حاکمان حکومت حبتری فرعونی، عرصه را بر آخرین حجّت الهی تنگ کردند، امام زمان ما، پنج سال دوران زندگی خویش را در عصر امامت پدر بزرگوارش در اختفا و پنهانی بسر برد، کسانی که در این دوران خفقان، موفق به دیدار جمال عالمتاب آن حضرت شدند عده‌ای از شیعیان مخلص بودند که امام حسن عسکری علیه السلام فرزند ماه سیمای خود را به آنان نشان داد تا با توصیف جمالِ مه‌تابان، شیعیان و منتظران آن حضرت را از ولادتش آگاه نموده و خوشنود سازند.

از جمله افرادی که در این دوران خفقان، چشمانش به جمال دلربای مهدی زهرا علیها السلام روشن شد، احمد بن اسحاق قمی است، امام حسن عسکری علیه السلام هنگام نشان دادن فرزند عزیزش به او فرمود:

یا احمد بن اسحاق! لو لا کرامتک علیّی و علیّی حججه، ما عرضت  
إلیک ابنی هذا<sup>(۱)</sup>؛

ای احمد بن اسحاق! اگر پیش خدا و سفرای الهی قرب و منزلتی نداشتی فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم.

امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین دیدار شیعیان از حجّت خدا، در محفلی که مرکب از چهل تن از خواص شیعیانش بود، فرزند عزیزش را به آنها نشان داد و خطاب به آنها فرمود:

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳ ح ۱۶.

هذا إمامكم من بعدي و خليفتي عليكم أطيعوا ولا تتفرقوا من بعدي فتهلكوا في أديانكم ، أما إنكم لا ترونه بعد يومكم هذا<sup>(۱)</sup> ؛  
این امام شما بعد از من و جانشین من بر شما است، بر شما باد که از او فرمان ببرید، و پس از من پراکنده نشوید که در دینتان هلاک می شوید، آگاه باشید! پس از امروز دیگر او را نخواهید دید.

با این فرمان دوران تاریک و ظلمانی غیبت و دوری و هجران امامت امتداد یافت، و بشریت از این فیض بزرگ الهی همچنان محروم گشت.  
هم اکنون که بیش از هزار سال است این دوران به طول انجامیده و انسانهای زیادی از عاشقان و دل سوختگان آن امام مهربان همواره در فراق و دوری حضرتش همچون شمع، در این دوران تاریک سوخته و می سوزند، ما نیز با دلی سوزان از خدای مهربان می خواهیم که این دوران تاریک غیبت را به پایان رسانیده، و دوران با شکوه ظهور آن نور الهی را برساند.

## دوران غیبت؛ و علل آن

دوران سختی‌هاست، دورانی که همه شیاطین جن و انس دست به دست هم داده و در برابر حجت خدا، صف‌آرایی کرده‌اند. به همین جهت، حجت خدا، برای حفظ جان خویش و مصالح دیگری که از اسرار الهی است، بایستی در خفا و پنهانی زندگی کند، تا آن وقت که خدای مهربان برای ظهور وی اذن دهد.

بنابر این، به برخی از علل دوران تاریک غیبت اشاره می‌نماییم:

### ۱ - خوف از کشته شدن

روی کار آمدن ظالمان و ستمگران پس از پیامبر اسلام ﷺ، و آزار و قتل جانشینان آن حضرت، مسیر هدایت و رهبری مردم را منحرف کرد، و آنان اولین جانشین آن حضرت را خانه‌نشین کردند، و بدین وسیله حکومت حبتری و فرعون‌ی را تشکیل داده و خوف و ترس را در دل اولیای الهی جای دادند.

برای فهم این موضوع بهتر است به همراه زراره، صحابی بزرگوار امام صادق علیه السلام به حضور حضرتش بشتابیم، و علت غیبت را از آن امام به حق ناطق، امام جعفر صادق علیه السلام بپرسیم.

زراره می‌گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: یا زراره! لا بدّ للقائم من غیبة.

قلت: ولیم؟

قال: يخاف على نفسه الذبح<sup>(۱)</sup>

ای ز راره! حتماً برای قائم علیه السلام غیبتی است.

عرض کردم: چرا؟

حضرت فرمود: چون بر جان خودش می‌ترسد.

مولای ما، در این دوران تاریک و ترسناک غیبت که از دست حاکمان ستمگر آن دوران در پنهانی بسر می‌برد، در تشرّفی با عاشق دیدار خود، پسر مهزیار درد دل نموده و خطاب به او می‌فرماید:

ای ابا اسحاق! بدان که او - امام حسن عسکری علیه السلام - به من فرمود:

پسرم! خدای تبارک و تعالی هرگز روی زمین و اهل تلاش در اطاعت و عبادت را خالی نمی‌گذارد از یک حجت که به وسیله آن ارتقاء حاصل شود. و از یک «امام» که از او پیروی شود. و به وسیله او به سنت‌های الهی و معیارهای او رهنمون شوند.

پسرم! امیدوارم تو یکی از افرادی باشی که خداوند آنها را برای نشر حق، و ریشه‌کن ساختن باطل، و اعلای کلمه حق، و نابودی گمراهیها مهیا ساخته است.

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۹۷ ح ۱۷.

پسرم! سرزمینهای پوشیده و دور دست را برگزین،  
که برای هریک از اولیای خدا دشمنی هست که شب و  
روز در صدد نبرد با او، و دشمنی با او هستند. خداوند  
این چنین خواسته تا اولیای او به ثواب پیکار با اهل  
نفاق و پاداش نبرد با اهل کفر برسند. هرگز این حال، تو  
را به وحشت نیندازد<sup>(۱)</sup>.

آری! او پیام‌آور صلح و آرامش بر سراسر گیتی و جهان بشریت است؛  
ولی اکنون خود به همراه عده‌ای از یاران خاصش تنها، غریبانه و دور از  
چشم مردم زندگی می‌نماید، و همواره منتظر اذن ظهور از جانب  
خداست، بر ما است که به یاد او باشیم و برای ظهورش دعا کنیم.

## ۲ - نداشتن بیعت طاغوت‌های زمان

حضرت مهدی علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که با اذن الهی و قدرت یداللهی  
همه سرکشان و ستمگران را به سزای اعمالشان رسانده، و داد مظلومان را  
از آنها می‌گیرد، و جهان را که انباشته از ظلم و ستم و نفاق است با عدل و  
داد پر می‌کند؛

لازمه این حرکت عظیم، آن است که با هیچ ظالم و ستمگر و فرعون  
هیچ‌گونه سازش نداشته باشد به همین جهت، امتداد این شرایط تا پایان

---

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۵.



غیبت آن حضرت و همچنان در عصر ظهور تا نابودی همه ستمگران ضروری است.

پیشوای ششم، امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

يقوم القائم علیه السلام وليس لأحد في عنقه عهد ولا عقد ولا بيعة (۱).

قائم علیه السلام در حالی ظهور می کند که برای هیچ کس در گردن او عهد و پیمان و بیعتی نباشد.

### دوران غیبت؛ و مشکل نگاه داری دین

سالیان سال است که حکومت‌های ستمگر همچون فرعونیان، بشریت را در چنگ خون‌آشام خود احاطه کرده و با تغییر مسیر در فرهنگ، آداب و رسوم آنها، آنان را به بردگی و بندگی کشانده و از هیچ ظلم و ستمی در مورد آنان فروگذار نکرده‌اند، عصیان و سرکشی، گناه و ذلت از مهمترین ویژگی‌های دوران تاریک غیبت است و در یک جمله در آن دوران، زمین انباشته از ظلم و ستم و فسق و فجور است.

در این دوران حساس و خطرناک، به علت قطع ارتباط مردم از امام زمانشان، و پیشامدها و دگرگونی‌های ناشی از طولانی شدن هجران امام زمان علیه السلام، مردمان زیادی از دین خود دست برمی دارند، و عده کمی از آنها نیز در نگاه داری اصل دین و ایمان خود با مشکلات زیادی مواجه هستند،

و حفظ ایمان، بسیار سخت و دشوار است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی، دوران غیبت و ایمان مردم را چنین بیان می‌نماید:

إِنَّ لِمَوْلَانَا هَذَا الْأَمْرَ غَيْبَةَ الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بَدِينَهُ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ.  
ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بَيِّنُهُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِمَوْلَانَا هَذَا الْأَمْرَ غَيْبَةَ فَلَيتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلِيَتَمَسَّكَ  
بَدِينَهُ<sup>(۱)</sup>

کسی که بخواهد در زمان غیبت صاحب الامر علیه السلام به دین خود چنگ بزند مانند کسی است که خارهای درخت «قتاد»<sup>(۲)</sup> را با دست خویش پاک نماید.

سپس حضرت با دست خود به کیفیت پاک کردن خارهای «قتاد» اشاره کرد.

سپس فرمود: بدرستی که برای صاحب این امر غیبتی است که باید بنده خدا تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود سازد و به دینش چنگ زده و حفظ نماید.

---

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۱۱ ح ۲۱.

۲. قتاد: نام درختی است بزرگ و خاردار، که خارهای تیزی مانند سوزن دارد، و کارهای مشکل را به دست زدن به خارهای این درخت مثل می‌زنند.

## دوران غیبت؛ و آزمایش مردم

مشیت الهی بر این تعلق گرفته که بندگان خود را در هر عرصه و زمان، مورد امتحان و آزمایش قرار دهد. این یک اصل مسلم و حتمی است و در همه ادوار و قرون شامل همه انسانها بوده است، اُمت مسلمان نیز از این اصل مسلم جدا نبوده و شامل آنها نیز بود.

این بار انسانها که به خاطر کوتاهی در شناخت ولی نعمت و امام خویش، در دوران غیبت بسر می‌برند، این آزمایش از شدت بالایی برخوردار است، و خداوند انسانها را محک کرده، تا آنان را همچون طلای خالص نماید.

در این زمینه، علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم علیه السلام سخنی زیبا نقل می‌کند، امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که پنجمین امام از فرزندان امام هفتم مفقود شد، در دین خود به خدا پناه ببرید، مبادا کسی شما را از عقیده صحیح خود برگرداند.

(آنگاه فرمود:) فرزندانم! (منظور برادر کوچکترش، علی بن جعفر است) برای صاحب این امر غیبتی است، تا این که مؤمنان به او (به خاطر طولانی شدن غیبت امتحان داده و) از عقیده خویش برگردند، غیبت او امتحانی

است از جانب خدا که به وسیله آن بندگان خود را  
امتحان کند<sup>(۱)</sup>.

خدایا! ما در دوران تاریک غیبت بسر می‌بریم، و شامل این امتحان  
الهی هستیم، از لطف و کرم خویش و به خاطر امام زمان علیه السلام ما را در این  
آزمایش سربلند و سرافراز فرما!

### دوران غیبت؛ و استواران در دین در آن دوران

بدیهی است که در چنین دوران تاریک نیز عده‌ای از انسانها هستند که  
از نور پر فروغ وجود اهل بیت علیهم السلام بهره برده و پرتوی از نور هرچند  
ضعیف برای خود دارند، البته معلوم است که چنین افرادی در این زمان  
کمیاب و در اقلیت هستند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سخنی زیبا می‌فرماید:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيْرًا: إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ  
غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ<sup>(۲)</sup>.

سوگند به خدایی که مرا به حق به بشارت و پیامبری  
مبعوث نموده؛ کسانی که در زمان غیبت آن حجّت خدا  
بر امامت وی ثابت قدم بمانند از کبریت احمر کمیاب‌تر  
هستند.

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۱۳ ح ۲۶.

۲. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۷۲ ح ۷.

اینک با لطف الهی، به دریای موج سخنان زیبای معصومین علیهم السلام می‌نگریم تا در این زمینه از دُرهای ناب آنان بهره برده، و با ثابت قدمان این دوران تاریک، آشنا شویم، با توجه به سخنان اهل بیت علیهم السلام افراد زیر از ثابت قدمان دوران غیبت هستند:

### ۱ - آزمایش شدگان با ایمان

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در توصیف امام زمان علیه السلام و غیبت آن حضرت می‌فرماید:

ذاك الذي يغيب عن شيعته وأوليائه غيبة لا يثبت فيها على

القول بإمامته إلا من امتحن الله قلبه للإيمان<sup>(۱)</sup>.

او کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب می‌شود طوری که در غیبت او بر اعتقاد به امامت وی باقی نمی‌ماند جز کسی که خدا دلش را به وسیله ایمان آزموده باشد.

### ۲ - کسانی که برای تعجیل ظهور دعا می‌کنند

امام حسن عسکری علیه السلام در یک سخن ارزنده، زمان غیبت را حسّاس‌ترین زمانها شمرده، و از هلاکت و ضلالت بشریت در اثر دوری از

---

۱. کمال الدین: ج ۱ ص ۲۴۱ ح ۳.

محور زندگی یعنی امام زمان علیه السلام خبر داده، و خطاب به احمد بن اسحاق می‌فرماید:

يا أحمد بن إسحاق!... والله! ليغيبنَّ غيبة لا ينجو فيها من الهلكة  
إلا من ثبتته الله عزَّ وجلَّ على القول بإمامته ووفقه [فيها] للدعاء  
بتعجيل فرجه<sup>(۱)</sup>؛

ای احمد بن اسحاق! ... سوگند به خدا! غیبتی مردم را  
فراخواهد گرفت که در آن، از هلاکت نجات نخواهد  
یافت مگر کسی که خداوند او را در امامتِ امام زمان  
ثابت قدم نماید، و در آن زمان برای تعجیل در فرج آن  
حضرت موفق به دعا گردد.

در این حدیث شریف، برای رهایی از هلاکت فراگیر زمان غیبت؛ دو  
ملاک مهم بیان شده:

الف - ایمان و اعتقاد به امامتِ امام زمان علیه السلام .

ب - توفیق بر دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت .

و راستی که مهمترین ملاک نجات از این همه شُبُهات، گمراهیها و

تاریکیهای این دوران؛ فقط با این دو امر میسر است.

### ۳ - کسانی که خدای متعال آنها را مصون داشته

افکار و آرای دوران غیبت به قدری گوناگون است که بدون عنایت خدا، تشخیص حق از باطل ممکن نیست، در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می خوانیم:

أما إن لولدي غيبة يرتاب فيها الناس إلا من عصمه الله عز وجل<sup>(۱)</sup>.

آگاه باشید! که به راستی برای فرزندانم غیبتی است که مردم در آن دوران به شک و تردید گرفتار می شوند، جز کسی که خدای متعال او را از این لغزش حفظ کند.

### ۴ - توفیق الهی برای استواری در دین

آغاز دوران غیبت، همزمان با تفرق و پراکندگی شیعیان است، شیعیانی که با زحمات طاقت فرسای پیشوایان معصوم علیهم السلام در دورانهای خفقان ستمگران بنی امیه و بنی عباس پرورش یافته، و راه هدایت پیش گرفته اند، ولی در اثر غیبت امام عزیزشان تشمت و افتراق بر آنها حاکم شده و جز عده ای که با توفیق الهی در دین ثابت مانده اند؛ بقیه گروه ها از راه هدایت باز مانده اند.

۱. بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۱۶۱ ح ۶.

در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم که حضرتش می‌فرماید:

**في سنة ماتين وستين تفرق شيعتي، ... (۱).**

در سال دویست و شصت شیعیان من متفرق و پراکنده می‌شوند ...

راوی حدیث، ابا حاتم گوید: در همان سال امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و شیعیان و یاران او پراکنده شدند، برخی به جعفر گرایش پیدا کردند، برخی دیگر گمراه شده و دستخوش شک و تردید شدند، و برخی دیگر در تحیر باقی ماندند، و برخی دیگر که توفیق خدا شامل حالشان شد در دین خود ثابت ماندند.

**۵ - کسانی که مشمول تأیید الهی شده‌اند**

احمد بن اسحاق گوید: به امام مهربانم، امام حسن عسکری علیه السلام عرضه داشتم:

**يا بن رسول الله! وإن غيبته لتطول؟**

قال: اي وربّي احتى يرجع عن هذا الأمر أكثر القائلين به، ولا يبقى إلا من أخذه الله عزّ وجلّ عهده لولايتنا، وكتب في قلبه الإيمان وأيده بروح منه (۲).

۱. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۶۱ ح ۱۴.

۲. کمال الدین: ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۱.



ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت آن حضرت طولانی خواهد شد؟

فرمود: آری! قسم به خدا! تا جایی که اکثریت کسانی که قایل به امامت او بودند از این اعتقاد دست برمی دارند، و کسی باقی نمی ماند جز افرادی که خدای متعال بر ولایت ما، از او پیمان گرفته، و ایمان را در دل او مستقر کرده، و با روح خویش او را تأیید فرماید.

در سخنی همچون درّ ناب از امام سجّاد علیه السلام می خوانیم که حضرتش خطاب به ابا خالد کابلی فرمود:

يا أبا خالد! لتأتينَ فتنَ كقطع الليل المظلم لا ينجو إلا من أخذ الله ميثاقه، أولئك مصابيح الهدى وینابيع العلم، ینجیهم الله من كلّ فتنة مظلمة... (۱)

ای ابا خالد! فتنه هایی همچون شبهای تاریک و ظلمانی در پیش روی شما است که از آن رهایی ندارد جز کسانی که خدا از آنها پیمان گرفته، آنها چراغهای هدایت و سرچشمه دانش هستند، خداوند آنها را از هر فتنه تاریک رهایی می بخشد...

آری! نجات یافتگان دوران تاریک غیبت، خود چراغ هدایتی هستند که انسانهای گمراه را از نور پر فروغ خویش بهره مند می نمایند، و با دانش

خود که از چشمه زلال دانش امامان مهربان علیهم‌السلام سرچشمه گرفته، آنها را سیراب می‌نمایند.

اینک با دل و جان به گوهر گرانقدر دیگری از امامان مهربانان علیهم‌السلام گوش جان می‌سپاریم. حسن بن محمد بزّاز گوید: از امام حسن عسکری علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ علیهم‌السلام  
بِالتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ، وَلَا يَثْبُتَ عَلَى  
الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ  
مِنْهُ (۱).

فرزندم همان امام پس از من است، و او کسی است که طول عمر و غیبت پیامبران علیهم‌السلام در مورد وی جاری است، تا جایی که به خاطر طول غیبت، دلها قساوت پیدا می‌کند، و بر امامت او ثابت و استوار نمی‌ماند جز کسی که خدای متعال در دل او ایمان قرار داده و با روح خود او را تأیید نماید.

راستی که چه دوران سخت و تاریکی است؟! و اگر تأییدی از حضرت حق نباشد کسی نمی‌تواند راه را از چاه بشناسد، و در جاده ایمن حرکت نماید.

خوشا به حال افرادی که تأیید الهی شامل حالشان شده و در این دوران تاریک، از چراغ پر نور هدایت الهام گرفته و در انتظار آن یگانه منجی بشریت بسر می‌برند.

و خوشا به حال کسانی که با تأیید الهی فهمیدند که در این دوران تاریک، تنها راه رهایی از گرفتاریها، بدبختیها و مشکلات، شناخت امام زمان عج و ارتباط با آن مولای مهربان است.

اینک با خواننده گرامی و همسفر معنوی خویش، آخرین موضوع این بخش را با دو داستان جالب به پایان می‌بریم، باشد که راه و روش سالکان این راه مقدس، الگوی ما بوده، و ما نیز در این راه حیاتی موفق باشیم، ان شاء الله.

### دوران غیبت؛ و تنها راه نجات

بازمانده‌ای در صحرای غیبت گمشده، راه را از چاه نمی‌شناسد، او در این صحرای تاریک، رو به بی‌راهه می‌رود. شدت حرارت آفتاب در این صحرای سوزان، رو به افزایش است، تشنگی سختی او را فرا گرفته، سراب‌هایی از دور نمایان است؛ ولی سرابی بیش نیست چه کند؟ کجا برود؟ از چه کسی کمک طلبد؟

آری! در این دوران تاریک انوار هدایت در پس پرده هستند، و فقط می‌شود با ارتباط معنوی با آنها مرتبط شد، انوار پاکی که خدای متعال برای هدایت بشریت فرستاده؛ ولیکن بشریت - همانطور که بیان شد - آنها را

شناخت و قدر و منزلت آنها را نفهمید.

اینک آن ماء معین و آن چشمه زلال از دسترس بشر به دور است، و اگر انسان به یکی از آن هادیان روشنگر توسل جوید، آن وجود نازنین، او را به امام زمان علیه السلام ارجاع می‌دهد.

سید امیر علام می‌گوید:

شبی برای زیارت، به حرم مطهر حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام مشرف شده بودم. آخر شب بود، در صحن حرم بودم، ناگاه متوجه شخصی شدم که به طرف ضریح امام علیه السلام می‌رود.

وقتی نزدیکتر شدم، او را شناختم. او استاد دانشمند و فاضل پرهیزکارم مولا احمد اردبیلی بود.

من در گوشه‌ای خود را پنهان نمودم، مراقب او بودم که او در این ساعت از شب و در این تاریکی و خلوت به دنبال چیست؟

او به طرف درب حرم - که طبق معمول بسته بود - رفت، وقتی نزدیک در رسید، درب حرم به روی او گشوده شد! داخل شد. کمی که دقت کردم، متوجه شدم که گویا با کسی آهسته حرف می‌زند، وقتی بیرون آمد، در بسته شد، و به سوی مسجد کوفه به راه افتاد.

من نیز در پی او به راه افتادم، مقابل مسجد کوفه که رسیدیم او وارد شد، و در محرابی که امیر مؤمنان علی علیه السلام در همان جا به شهادت رسیده بود، ایستاد.

پس از مدّت زیادی بازگشته و از مسجد خارج شد، و به طرف نجف به

راه افتاد.

من همچنان به دنبال او بودم تا این که به مسجد حنانه رسیدیم. ناگهان سرفه‌ام گرفت، و نتوانستم خود را کنترل کنم.

او متوجه شد، برگشت و مرا شناخت. گفت: تو میر علام هستی؟  
- آری.

- این جا چه می‌کنی؟

- از زمانی که شما وارد حرم امیر مؤمنان علی علیه السلام شدید، همراه شما بودم، شما را به صاحب آن قبر قسم می‌دهم! جریان امشب را برای من تعریف کنید.

- می‌گویم، ولی به شرطی که تا من زنده‌ام آن را برای کسی تعریف نکنی.

به او اطمینان دادم که این راز را تا زنده است، فاش نکنم.

او گفت: مسایل مشکلی برایم مطرح شده بود که پاسخ آنها را نمی‌دانستم، به دلم افتاد که آنها را از حضرت علی علیه السلام بپرسم. همان طور که دیدی وقتی مقابل درب حرم رسیدم، بدون استفاده از کلید، درب حرم به رویم گشوده شد؛

داخل حرم مقدّس شدم و در آن جا به درگاه خداوند تضرّع نمودم. تا این که صدای دلنشینی از قبر مطهر به گوشم رسید که:

به مسجد کوفه برو! و آن را از قائم ما علیه السلام که امام زمان توست

بپرس!

همان طوری که دیدی، من به طرف مسجد کوفه به راه افتادم، و در محراب مسجد پاسخ خود را از مولا و امام زمانم دریافت کرده، بازگشتم<sup>(۱)</sup>.

آری! او امام زمان ما است، دوران؛ دوران آن حضرت است، همه کائنات و موجودات تحت فرمان او هستند، ملائکه مقرب، جنود الهی، همه و همه، از آن وجود نازنین فرمان می‌برند، سرنوشت بشریت از زیر دست باکفایت آن حجّت خدا می‌گذرد، و خیر و شر آنها، از آن ناحیه رقم می‌خورد؛

حوادث و نیازهای مردم به سوی او برده می‌شود، و دعاها و راز و نیازهای مردم به فرمان او به استجابت می‌رسد، که اینک تدبیر امور جهان به دست اوست که او حجّت خدا و خلیفه او در عالم است.

ما نیز باید دست نیاز به سوی آن مولای آقا و کریم دراز کرده و نیازهای مادی و معنوی خود را از درگاه او بطلبیم، و اگر در این دوران که سکه آن به نام نامی آن وجود نازنین زده شد از گرفتاری و مشکلات، به انوار پاک معصومین علیهم السلام توسّل جوئیم؛ آن بزرگواران حاجت ما را به آن حضرت که امام زمان ماست ارجاع می‌دهند.

علامه فاضل، دانشمند ربّانی، حضرت آیه الله مامقانی گوید:

در صحن مسجدالحرام در عالم خواب، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

---

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

مشرف شدم، پس از نماز به حضورش شتافته و عرض ادب کرده و اظهار حاجت نمودم.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مامقانی! دوران من گذشته است. امروز، دورانِ فرزندم مهدی است، حاجتت را آنجا ببر<sup>(۱)</sup>.

آری! او امام زمان ما است، و اینک بر همه عوالم و جهان هستی اشراف دارد، مگر می شود او نباشد؟ که بدون او همه عوالم بهم می خورد، و کرات از حرکت باز می ایستند، و زمین اهلش را می بلعد و...

اکنون با همسفر عزیز به مهمترین موضوع دوران تاریک غیبت، که انتظار ظهور نور است، می پردازیم.

بخش پنجم

## در انتظار ظهور نور

انتظار

انتظار؛ و ارزش آن

انتظارم؛ و منتظران ظهور نور

انتظار؛ و احساس حضور

انتظار؛ و شکستن دیوار غفلت از یاد او

انتظار؛ و تغییر روش فکری

انتظار؛ و حرکت به سوی امیر عالم هستی

انتظار؛ و آماده باش دائم

انتظار؛ و گذری بر وظایف دیگر منتظران



## انتظار

... دوران سختی را پشت سر گذاشته، سختیها و ناملایمات زیادی را متحمل شده، تاریکی شبها، ترس از دزدان راه، کمی یاران با وفا، و صدها مشکل دیگر، همه و همه را به جان خریده و هنوز هم استوار و مقاوم با روحیه‌ای عالی و شاداب، در انتظار ظهور نور است.

انتظار و چشم به راه بودن تابش آفتاب بر سراسر گیتی، واقعیتی است انکارناپذیر. انتظار عاملی قوی است که انسان را در صحرای خطرناک دوران غیبت به سوی جهانی روشن به رهبری محبوبی دلسوز و امامی مهربان به حرکت وامی دارد.

آری! انتظار در وجود انسان، قدرتی ایجاد می‌کند که زندگی بدون آن درخشان نمی‌شود، و هر کجا از این گلوآژه حرکت و جهش خبری نیست، سکوت و رکود حکمفرما است، چرا که خالق و آفریدگار جهان، انتظار را از ارکان مهم حرکت موجودات به سوی کمال و تعالی قرار داده است.

به راستی همه، حتی آفریدگار جهان نیز در انتظار است، انتظار روزی که جهان هستی، پس از امتحان بشریت، رو به کمال آورده و با شناخت کامل از آفریدگار خویش و حجت او، خود را بشناسد، و در اطاعت و بندگی و آفریدگار خود قدم برداشته، و به سوی کمال نهایی حرکت کند، و جهان پس از آن که در منجلاب ظلم و ستم، فساد و شهوات افتاده و در

تاریکی جهل و نافرمانی فرو رفته بود، به رهبری آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی علیه السلام به دنیایی پر از عدل و داد و قسط تبدیل گردیده، و با علم و دانش و مهر و محبت روشن و آباد گردد.

در این زمینه، به محضر با صفای امام رئوف و مهربان امام رضا علیه السلام می‌شتابیم، و به سخن او گوش جان می‌سپاریم، حضرت می‌فرماید:

ما أحسن الصبر وانتظار الفرج؟! أما سمعتم قول الله تعالى:

﴿ وَازْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴾ <sup>(۱)</sup> ﴿ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ

الْمُنْتَظِرِينَ ﴾ <sup>(۲)</sup>

فعلیکم بالصبر، فإنما یجیء الفرج بعد الیأس، وقد کان الذین من قبلکم أصبر منکم <sup>(۳)</sup>.

و ه چه نیکوست صبر و انتظار فرج! مگر گفتار خدای را نشنیده‌اید که فرمود: «منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم».

پس صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید، که فرج بعد از یأس و نومیدی پیش خواهد آمد، و کسانی که پیش از شما بودند از شما شکیباتر بودند.

آری! برای رسیدن به دوران ظهور، انتظار بهترین و مؤثرترین عامل تحرک است، و این همان عامل مهمی است که انسان را برای آن دوران

۱. سوره هود آیه ۹۳.

۲. سوره یونس آیه ۲۰.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۲۹ ح ۲۳.

پرورش داده و آماده می‌سازد.

بی‌جهت نیست که در صدها روایت به این امر مهم اشاره شده، و از ارزش آن سخن‌های گرانبهایی گفته شده است.

پیامبران الهی و اوصیای آنها، هر کدام به گونه‌ای، اُمت خویش را با این گلوآژه حرکت آشنا ساخته، و بندگان خدا را هدایت نموده‌اند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان هدایتگر ما علیهم‌السلام نیز با بیان و تشریح انتظار، مردم را در سیر به سوی کمال و ظهور تشویق نموده و هدایت فرموده‌اند.

آنچه در اینجا از اهمیت بالایی برخوردار است، و انسان را به سر منزل مقصود که همان درک دوران وصف‌ناپذیر ظهور امام زمان علیه‌السلام است، می‌رساند، بکار بستن و پای‌بندی به دستورات اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه انتظار است.

ما در این گفتار کوتاه - که تمام همت ما، رهیابی خود و عزیزان دیگری که در این وادی تحیر در پی حرکت به سوی قطب عالم امکان، و طالب رسیدن به مقامات عالی انسان در پرتو انتظار ظهور امام زمان علیه‌السلام هستند - به عناوینی از واژه انتظار که اندیشه‌ساز، نیروبخش و عمل‌آفرین است، اشاره می‌نماییم.

## انتظار؛ و ارزش آن

همان‌گونه که اشاره شد انتظار واقعی، تنها عامل حرکت و عبور از مسیر پر پیچ و خم و ناهمواریهای دوران تاریک غیبت و تحمّل سختیهای آن روزگار، و رسیدن به سر منزل مقصود یعنی دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام

است، دورانی که همه انبیا، اولیا و بندگان پاک خدا در آرزوی دیدن آن روزگار با صفا بودند.

ما نیز با آرزوی رسیدن به آن دوران، در پای سخنان گهربار معصومین مهربان علیهم السلام می‌نشینیم تا با واژه انتظار و حقیقت آن بیشتر آشنا شده، و دستورات آن بزرگواران را در زندگی خود بکار ببندیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ (۱).

بهترین اعمال به سوی خدای متعال انتظار فرج است.

انسان فطرتاً و با راهنمایی پیامبران و امامان در پی اعمال و رفتاری است که محبوب آفریدگار خویش بوده، و باعث تقرب به سوی خدا شود، و اعمال و حرکات انسانهای الهی، گویای این واقعیت است.

گرچه عوامل بازدارنده دیگری در این میان، نقش ایفا می‌کنند؛ ولی این اصل مسلم در دوران ظهور آن تنها ذخیره الهی، به تحقق خواهد رسید، و کمال انسانها را به چشم خود خواهیم دید، ان شاء الله.

درسی که این سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای عاشقان آن دوران با صفا می‌دهد؛ این که شما در این دوران غیبت به خاطر دوری از امام زمانتان از اعمال و رفتارهای زیادی که شما را به سوی خدا نزدیک کند، محروم هستید، ولی بدانید اکسیر همه اعمال، همان انتظار فرج است، و شما با انتظار فرج واقعی، محبوبترین اعمال به سوی خدا را انجام می‌دهید.

در کلامی دیگر و به موازات همین کلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

### أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج (۱).

بهترین کارهای اُمّت من انتظار فرج است.

در این زمینه، امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

### أفضل العبادة الصمت وانتظار الفرج (۲).

برترین عبادت، سکوت و انتظار فرج است.

«زیرا که انتظار فرج، ایمان به غیب است که انسان را به عمل صالح وامی دارد، و او را بر صحیح ترین اعتقاد استوار نگه می دارد.

انتظار فرج، انتظار ظهور امامی است که جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، و ظلم و ستم را از پهنه گیتی ریشه کن خواهد ساخت، و به همین جهت انتظار، انسان را خواهانِ عدالت، و دشمنِ ستم و ستمگر می سازد.

انتظار فرج، با این نقش تربیتی و سازنده‌ای که دارد از همه عبادت‌های فردی و اجتماعی برتر خواهد بود، چرا که در عبادت‌های فردی پاداش آن فقط به خود شخص می‌رسد، و دیگر عبادت‌های اجتماعی به پایه این عبادت نمی‌رسد؛ زیرا انتظار، اعتراف به حق، و اعلام حق را دربردارد، و آن در قلمرو حکومت‌های باطل چیز آسانی نیست» (۳).

به راستی که نقش سازنده انتظار را باید حجّت‌های الهی بیان نمایند، و آنها هستند که ما را از زوایای این کلمه زیبا آشنا می‌سازند، در سخنی از آن

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۲۲.

۲. روزگار رهایی: ج ۱ ص ۳۵۳.

۳. روزگار رهایی: ج ۱ ص ۳۵۳.

بزرگواران، انتظار فرج جزو آیین امامان علیهم‌السلام قرار گرفته، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

من دین الأئمة: الورع، والعفة، والصلاح، وانتظار الفرج بالصبر<sup>(۱)</sup>.

از آیین امامان علیهم‌السلام است: تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی.

اکنون که تا حدی با این امر زیربنایی و اساسی دوران غیبت یعنی انتظار آشنا شدیم، خوب است در مورد منتظران نیز، پای سخنان گهربار معصومین و راهنمایان عزیزمان بنشینیم، و از جان دل به دستورات آنها گوش داده و برای رسیدن به کمالات انسانی بکار ببندیم.

### انتظار؛ و منتظران ظهور نور

وقتی انتظار بهترین، محبوبترین و سازنده‌ترین اعمال و عبادتها باشد؛ طبعاً عامل این عمل مهم نیز، به همین اندازه دارای ارزش خواهد شد. و به عبارت دیگر: وقتی انتظار واقعی، تنها عامل حرکت صحیح به سوی حجت خدا - که او تنها راه سیر به کمال و هدایت است - باشد؛ کسی که این دستور حیاتی را بکار ببندد و به آن عمل کند، برترین مردم خواهد بود.

امام سجّاد علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید:

إنَّ أهل زمان غیبة، والقائلین بإمامته، والمنتظرین لظهوره

أفضل من أهل كلّ زمان ، لأنّ الله تبارك وتعالى أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة ، جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله ﷺ بالسيف .

أولئك المخلصون حقاً ، وشيعتنا صدقاً ، والدعاة إلى دين الله سرّاً وجهرّاً<sup>(۱)</sup> .

به راستی که اهل زمان غیبت او، که به امامت او معتقدند، و منتظر ظهور او می باشند، برترین مردمان اهل هر زمان هستند، زیرا خدای متعال آن قدر به آنها عقل، فهم و شناخت عنایت فرموده که دوران غیبت در پیش آنها همچون زمان حضور شده و به منزله مشاهده است، و خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول خدا ﷺ شمشیر زده اند.

آنها مخلصان حقیقی، شیعیان واقعی و راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان هستند.

«در این گفتار، امام سجّاد علیه السلام کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی می کنند؛ ولی مسأله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند، و در انتظار ظهور آن بزرگوار بسر می برند، برترین مردمان هر زمان معرفی فرموده اند؛

زیرا آنان توانسته‌اند با عقل، فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعیِ غفلت از امام ارواحنا فداه نشده‌اند، بلکه توانسته‌اند آن چنان در حالات فردی خود تحوّل ایجاد کنند که مسأله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجّاد علیه السلام، این‌گونه افراد، شیعیان راستین اهل بیت، و پیروان واقعی خاندان وحی علیهم السلام می‌باشند.

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده‌اند، اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و توجّه و انتظار ظهور را زینت خود قرار دهیم؛

زیرا انتظار زمینه‌ای مهمّ برای پابرجایی و تسلّط حکومت جهانی امام عصر علیه السلام می‌باشد، و اهمیّت مسأله انتظار، علّت سفارشات فراوان خاندان وحی در پیرامون این مسأله است»<sup>(۱)</sup>.

آفرین بر شما منتظران که برترین انسانهای جامعه انسانی هستید! شما که در اثر انتظاری واقعی، خود را در کنار امام زمانتان احساس می‌کنید، و با اعمال و رفتار شایسته خود، همواره در اطاعت و فرمان‌بری از آن امام مهربان هستید، همین پاداش بس که امام سجّاد علیه السلام فرمود:

**منتظران ظهور او برترین افراد هر زمان هستند.**

این فضیلت و برتری و این شربت شیرین معنوی گوارای وجودتان

باد!

اینک به همراه عاشق دلسوخته امام زمان علیه السلام که تشنه مغارف مولای



خود و شیفته افزایش معرفت و شناخت است، که از هر چه بگذریم سخن دوست بهتر است؛ موضوع دیگری را از این سخن همچون درِ نابِ امام سجّاد علیه السلام، پی می‌گیریم.

### انتظار؛ و احساس حضور

سرانجام در اثر کوشش و جدیت، تشنه آب گوارا، به چشمه آب زلال خواهد رسید، چرا که خدای مهربان در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ﴾ <sup>(۱)</sup>.

آنان که برای رسیدن به راه ما، سعی و کوشش می‌نمایند حتماً آنها را به راههای تقرب و وصول راهنمایی خواهیم کرد.

اساساً، سعی و کوشش در هر امری، سرانجام نتیجه داده و به ثمر خواهد نشست، چرا که:

گفت پیغمبر اگر کوبی دری      عاقبت زان در برون آید سری  
آن قدر در می‌زنم این خانه را      تا بینم روی صاحب خانه را  
آری! عاشقی که شب و روز در فکر محبوب خویش است، و با همه مغز و وجودش به او فکر می‌کند، مگر می‌شود محبوب خبری از او نگیرد؟ او که شب را به یاد او روز، و روز را به یاد او به شب می‌رساند، و در لحظه لحظه زندگی مشقت‌بار دوران هجران و غیبت به راه‌های گوناگون از مولایش یاد می‌نماید، مگر می‌شود مولای مهربان او، از او غافل باشد؟! /

اینجاست که با تصوّر حال منتظر و فکر و ذکر او، سخن امام سجّاد علیه السلام را باز می‌یابیم که:

خداوند آنقدر به آنان (منتظران) عقل و فهم و معرفت  
عنایت فرموده که غیبت برای آنان همچون دیدار و  
مشاهده است.

گرچه به خاطر مصالح، و مشکلاتی در دوران غیبت، مردم در هجران و محرومیت از مولا و امام خود بسر می‌برند، و در این دوران تاریک زندگی می‌نمایند؛ ولی روزنه‌های نور و روشنایی برای منتظران باز است، و آنها در واقع با ارتباط معنوی با امام زمانشان، در انتظار ظهور جهانی آن حضرت هستند.

بنابراین، در ارتباط با امام زمان علیه السلام هرگز بسته نیست، و منتظر در هر شرایطی می‌تواند با امام زمانش ارتباط برقرار نماید، که او نور است و نور را محدودیتی نیست. آنچه مهم است احساس حضور است، و این نقشی بسیار اساسی در چگونگی رفتار در زندگی افراد دارد، و اگر رعایت شود تحوّل عظیم ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می‌آورد.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می‌باشند، و در زمان حضور یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می‌باشند. زمان و مکان برای ما محدودیت می‌آورد نه برای مقامات عالیّه نورانیّه آنان؛ نمی‌تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید؛

زیرا زمان و مکان از خصوصیات و قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده‌اند، محیط بر آن است.

بنابراین، زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت، محدودیت و تقید ایجاد نمی‌نماید»<sup>(۱)</sup>.

اکنون برای فهم بیشتر این موضوع به همراه ابوبصیر صحابی بزرگوار امام باقر علیه السلام، به حضور امام باقر علیه السلام می‌شتابیم و به گفت و گوی آنها گوش فرامی‌دهیم:

ابو بصیر گوید: با امام باقر علیه السلام وارد مسجد شدم، مردم در حال رفت و آمد بودند. امام علیه السلام خود را از دیدگان مردم غایب نموده، به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می‌بینند؟

من با هر کس ملاقات کردم و از او سؤال کردم که آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟ می‌گفت: نه؛

تا این که فردی نابینا به نام ابو هارون وارد شد. امام علیه السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن.

به او گفتم: آیا امام باقر علیه السلام را دیدی.

ابو هارون در جواب گفت: مگر ایشان در اینجا نایستاده‌اند؟

ابو بصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا از این مطلب آگاه شدی؟

ابو هارون گفت: چگونه به آن، علم و آگاهی پیدا نکنم، و حال آن که امام نوری است آشکار؟

آنگاه ابو بصیر می‌گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام به مردی از اهل آفریقا می‌فرمود: حال راشد چگونه است؟ او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می‌رساند.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خدا او را رحمت کند.

مرد آفریقایی گفت: او مُرد؟!

امام علیه السلام فرمودند: آری.

او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم! راشد نه مریض بود و نه هیچ‌گونه دردی داشت!

امام علیه السلام به او فرمودند: مگر هر کسی که می‌میرد به خاطر مرض یا درد می‌میرد؟

ابو بصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و محبّ خاندان است.

آنگاه امام علیه السلام فرمود: آیا معتقدید برای ما با شما، چشمانی نظاره‌گر و گوشه‌های شنوا وجود دارد؟ چقدر بد است آنچه به آن عقیده دارید. به خدا قسم! بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست.

پس همه ما را حاضر نزد خود بدانید، و خودتان را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا این حقیقت را بشناسید.

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می‌کنم<sup>(۱)</sup>.

با توجه به این روایت زیبا، و روایات نورانی دیگر، درمی‌یابیم که مادر حضور امام زمان علیه السلام هستیم، او شاهد و ناظر همه اعمال و رفتار ما است، او با ما است. و اگر ما، با دیده جان‌بنگریم حضور او را احساس خواهیم نمود، و دست‌رأفت و رحمت‌پدري مهربان را بالای سرمان درک خواهیم نمود، و چشم‌امید به او دوخته و از اسباب دیگر دست‌برخواهیم داشت. آری! او با ما است، و در جهان ما زندگی می‌نماید، او در همه جا حاضر است و اعمال و رفتار بندگان خدا در این زمان از زیر نظر رحمت او می‌گذرد که او امام زمان ماست.

منتظر عزیز! در این دوران تاریک غیبت، چقدر باید با احتیاط و آرامش زندگی کنیم که مبادا با سخنی و یا عملی، دل‌نازنین او را به درد

۱. بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۴۳، به نقل از صحیفه مهدیه: ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

بیاوریم، و به جای این که خاری را از کنار راهش برداریم، خدای نخواستہ خار به راهش بریزیم...

حال که با توفیق الهی فهمیدیم آن سرور زمان و امام مهربان با ما است، و آنی یاد ما را از خاطر نمی‌برد، و همواره در نزد ما حاضر است، که قسم به جانم! تو آن پنهان هستی که از ما جدا نیستی، به جانم سوگند! تو آن شخصیت دور از مایی که از ما جدا نیستی؛<sup>(۱)</sup>

درد دلی دیگری مطرح می‌کنیم تا با لطف خدای متعال بر این مشکل نیز غلبه کرده و در راه رسیدن به ظهور آن عزیز زهرا علیها السلام قدم برداریم.

### انتظار؛ و شکستن دیوار غفلت از یاد او

منتظر، چشم به راه و گوش به زنگ است، و همواره آماده در انتظار ظهور امام عزیز خود می‌باشد، ولی اگر این انتظار تقویت نشود، عوامل غفلت و بی‌خبری او را از مولای خود دور می‌نماید، و می‌توان گفت: آنچه باعث دوری مردم از امام زمانشان شده، غفلت و بی‌خبری توده مردم از این امر حیاتی است.

به راستی که دور از انصاف است ما از یاد او در غفلت باشیم، او که ذخیره الهی، و منبع همه کمالات و سرچشمه همه خیرات است در حق ما می‌فرماید:

إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ<sup>(۲)</sup>.

۱. مفاتیح الجنان، فرازهایی از دعای پر شور ندبه.

۲. احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۳۲۲.

ما در مراعات حال شما کوتاهی نمی‌کنیم، و یادتان را  
از خاطر نمی‌بریم.

با این توصیف، آیا رواست که ما نسبت به آن امام مهربان در فراموشی و  
غفلت باشیم؟!!

هرگز! که هیچ انسان منصفی را چنین کاری سزاوار نیست؛ ولی  
عواملی هستند که باعث غفلت و فراموشی انسان از ولی نعمت و امام زمان  
او می‌شوند.

دانشمند محترم نویسنده کتاب ارزشمند و نفیس «صحیفه مهدیه» در  
این رابطه می‌نویسد:

«متأسفانه جامعه ما بر اثر نداشتن رهبری صحیح، و نبود قدرت هدایت  
کننده‌ای که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجسته  
انسانی بسیج نماید، به عادات‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.  
اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند، و  
آسانتر می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است،  
بکشانند.

یکی از عادات‌های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و  
در بند اسارت خویش کشیده است، سوختن و ساختن و خو گرفتن به  
وضع موجود و نیندیشیدن درباره آینده‌ای حیات‌بخش و نجات‌دهنده  
می‌باشد.

رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ با بیان مسأله انتظار و تشویق انسانها به  
سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان

مسأله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده پر بار فراخوانده‌اند. متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند آن را به مردم برسانند در این مسأله حیاتی کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان، همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند، و درباره رسیدن به آینده درخشان جهان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداء همچنان ادامه یافته است!

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد اجتماعی که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداء می‌باشد، گرفتار است؛ و طبق قانون وراثت آن را از نسلهای گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود بسر می‌برد! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

**بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات<sup>(۱)</sup>.**

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات بدست می‌آید.

جامعه ما با ایجاد حالت انتظار و دعا برای منجی جهان، حضرت بقیة الله ارواحنا فداء باید عادت دیرینه غفلت از تیرگی‌های عصر غیبت را کنار بگذارد، و با دعا از دل و جان خواهان فرارسیدن حکومت عدل امام

---

۱. شرح غرر الحکم: ج ۳ ص ۲۲۹.



عصر ع از خداوند باشد»<sup>(۱)</sup>.

آری! حال که خدای مهربان به ما توفیق داده و بر ما منت گذارده که با امام زمان خودمان آشنا شده‌ایم چه خوب است دیوار غفلت از یاد مولایمان را بشکنیم، و با یاد او به یاران با وفای آن حضرت پیوندیم.

### انتظار؛ و تغییر روش فکری

اکنون که با توفیق الهی در این جوامع بشری که به مادیات و علل و اسباب چنگ زده و از امام زمانشان غافل هستند، توانستیم دیوارهای غفلت را شکسته و به منطقه ایمن ارتباط با مولای مهربان وارد شدیم، چه نیکو است افکار خود را متوجه حجت خدا و آخرین ذخیره الهی نماییم. اینک برای این که هرچه سریعتر به سر منزل مقصود برسیم با رهروان این راه مقدس و حساس، به حرکت خود ادامه می‌دهیم.

نویسنده توانا و درد آشنای معاصر در این رابطه می‌نویسد:

«با یک جهش روحی و با یک تغییر فکری، تحوّل مهمی در خود ایجاد کنید، و راه خود را از افرادی که نسبت به امام زمان ع و مولا و سرور خود بی تفاوت هستند، جدا کنید. یقین داشته باشید همان‌گونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و فراموشی از پدر معنوی نیز گناهی بزرگتر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان به وجود می‌آورد.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده‌اید و در اندیشه

ظهور حیات بخش آن حضرت نبوده‌اید؛

اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرارسیدن روزگار پرشکوه عصر  
ظهور نبوده‌اید؛

اگر تاکنون نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش  
وظیفه‌ای ویژه برعهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک  
نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌های سنگین شرعی بیشتری برعهده مردم  
عصر غیبت است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده مردانه و با  
یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در  
مسیر انتظار حضرت بقیة الله ارواحنا فداه گام بردارید؛

و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستان و مستداران مقام  
ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشته مورد عفو و بخشش قرار  
گرفته و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات شما را نادیده خواهد گرفت.  
مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام به برادران خود با آن همه  
ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

﴿ لَا تَثْرِبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ ﴾ (۱).

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را  
می‌بخشد و او رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، نه برای آن است که وابسته به  
مادیات و مسایل بی‌ارزش دیگر گردد؛ بلکه برای آن خلق شده است که با  
آشنایی با مسایل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان خدا به سوی

مسایل الهی جلب شود. این است هدف از خلقت انسان»<sup>(۱)</sup>.  
و این چنین مولای مهربان ما، گذشته ما را که آکنده از شرمساری است  
جبران می نماید؛ ولی این ما هستیم که باید برای رسیدن به مقامات عالی  
انسان با همت برتر به آینده ای درخشان در زیر سایه مولای مهربان فکر  
کنیم، و در انتظار آن روزگار مسعود بوده و برای رسیدن به آن دوران  
باشکوه همگام با همه منتظران تلاش کنیم.

ما ضمن این که در انتظار بسر می بریم، باید برای رسیدن به مولای  
مهربان خودمان از هیچ تلاشی کوتاهی ننماییم، و این تنها وظیفه ماست، و  
همه اعمال و رفتار ما در گرو این وظیفه مهم است.

اکنون برای فهم بیشتر این موضوع سرنوشت ساز، به سخنی از امام  
حسین علیه السلام گوش فرامی دهیم.

امام حسین علیه السلام در جمع یاران با وفای خود سخنانی در  
مورد شناخت خدای مهربان ایراد فرمود، یکی از یاران  
آن حضرت عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! پدر و  
مادرم فدای شما! شناخت خدا چگونه است؟

امام حسین علیه السلام فرمود:

معرفة أهل كل زمان إمامهم الذي يجب عليهم طاعته<sup>(۲)</sup>؛

شناخت مردم هر زمان امامشان را که پیروی و اطاعت  
از او بر آنها لازم است.

۱. صحیفه مهدیه: ص ۸۳ و ۸۴.

۲. علل الشرایع: ج ۱ ص ۹ ح ۱.

و بدینسان ما انسانها نیز باید با امام زمان خودمان آشنا شده و برای نیل به کمالات انسانی در جستجوی او باشیم. و در زمان غیبت، با انتظار فرا رسیدن دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنبال امیر عالم هستی باشیم.

### انتظار؛ و حرکت به سوی امیر عالم هستی

... او منتظر است، منتظر ظهور امام زمان و مولای مهربان خود، چه کند؟ می‌خواهد در این دوران انتظار نیز با سرور و امام خود ارتباط داشته باشد، می‌خواهد مشکلات خود را با پدر مهربان خویش در میان بگذارد، می‌خواهد به یاد او، و در راه او باشد. آیا به راستی چنین چیزی ممکن است؟

برای پاسخ به این سؤال، صفحاتی از یک کتاب نفیس را ورق می‌زنیم تا پاسخ خود را بیابیم، در آن کتاب ارزنده می‌نویسد:

«یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداء باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و دربارهٔ تعجیل ظهور آن بزرگوار تلاش کند؛ سرانجام راه به جایی می‌برد، و روزنه‌ای به سویش گشوده می‌شود.

بنابراین، از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت، که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اوّل مظلوم عالم هستی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است؛ دست بردارید. و با تلاش دربارهٔ ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.

اطمینان داشته باشید اگر کسی در راه آن حضرت فداکاری کند و ریگی در کفش نداشته باشد، منظور نظر حضرتش قرار می‌گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطرش را خشنود، و قلبش را شاد می‌نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آن که سرانجام به همه مقصود خویش و یا حداقل به مقداری از آن دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

من طلب شیئاً ناله أو بعضه<sup>(۱)</sup>.

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می‌رسد.

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود، آن حضرت قطب دائرة امکان و امیر عالم هستی هستند، و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان هستی را فرا گرفته است.

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ<sup>(۲)</sup>.

سلام بر شما ای قطب عالم هستی.

همه عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی

۱. شرح غرر الحکم: ج ۵ ص ۳۰۵.

۲. المجموع الرائق: ج ۱ ص ۴۵۲.

ظهور در پرتو وجود آن وجود مقدس به زندگی ادامه می‌دهند، و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می‌باشند.

نه تنها ذرات مادی جهان، که بزرگان معنوی عالم - که مسیحا نفسند - تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحایی را به یمن وجود حضرتش و آبای گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لوای امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است.

در زیارت حضرتش می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ (۱).

سلام بر شما ای رهبر مسیح.

این امامت و رهبری مخصوص روزگار پر شکوه ظهور نیست، بلکه اکنون نیز حضرت عیسی علیه السلام در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می‌باشد.

همه نجبا، نقبا، و اولیای خدا که دست از نفس کشیده‌اند، به قدر اهمیت و ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزنه‌ای به سوی مقام نورانیت، نور عالم هستی در این عصر و زمان یافته‌اند، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با وجود افراد برتر جبران می‌کنند، در روایت می‌خوانیم:

وما بثلاثين من وحشة (۲).

۱. المجموع الرائق: ج ۱ ص ۴۵۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۵۳.

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی  
برای آن حضرت نیست.

بنابراین، دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت  
بقیة الله ارواحنا فداء از موجودات برداشته شده و آن بزرگوار از کسی  
دستگیری نمی‌کنند، و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه‌ای به  
روشنایی نمی‌یابد؛ بلکه همان‌گونه که گفتیم: کسانی که با صداقت به سوی  
آن بزرگوار می‌شتابند، و در پرتو بهره‌مند شدن از دریای بی‌کران معارف  
امام عصر ارواحنا فداء روزگار پرشکوه ظهور را لحظه‌شماری می‌کنند، با  
پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب‌های استوار خود را استوارتر  
می‌کنند»<sup>(۱)</sup>.

ما نیز با بکار بستن همه نکات ارزنده، دل به دریا می‌زنیم و در عشق  
مولای خودمان همچون شمع در تاریکی شب می‌سوزیم، تا خود را آماده  
ظهور آخرین حجّت الهی و مولای مهربانمان بنماییم.

### انتظار؛ و آماده‌باش دائم

او منتظر است، منتظر ظهور مولایی که با ظهورش دنیا را به مدینه  
فاضله‌ای تبدیل خواهد کرد، مدینه فاضله‌ای که آرزوی دیرینه همه انسانها  
بوده، و انسانها از دورانهای مختلف در آرزوی چنین روزی به زندگی  
خود ادامه داده و می‌زیستند، راستی برای چنین ظهوری وقتی معین شده  
است یا نه؟

آنچه مسلم است، وقت چنین روزی مشخص نشده، چرا که این عدم تعیین، اصل انتظار را تقویت می‌کند که:

إِنَّهُمْ يَرُونَ بَعِيداً وَنَافِراً قَرِيباً<sup>(۱)</sup>.

غافلان و بی‌خبران آمدن چنین روزی را بعید می‌دانند، ولی ما نزدیک.

منتظر کسی است که شب را به امید روز ظهور به پایان ببرد، امام صادق علیه السلام در سخنی ارزنده، به منتظران دوران شکوهمند ظهور نور می‌فرماید:

فتوقعوا الفرج كل صباح ومساء<sup>(۲)</sup>.

پس باید هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید.

در حدیثی دیگر از همان امام عزیز می‌خوانیم:

وانتظر الفرج صباحاً ومساء<sup>(۳)</sup>.

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

منتظر در انتظار دیدار مولای خود بسر می‌برد، او در لحظه‌های زندگی خود چشم انتظار است، او تسلیم امر خدای متعال است، و به تکالیف سنگین خود در دوران حساس غیبت، مشغول است.

او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که کمتر افرادی به یاد مولای خود هستند، مردمانی که آزمایش سختی را پس می‌دهند، او در اجتماعی

---

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۴۵.

۳. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۳۳.



زندگی می‌کند که مولایش از ترس جانش دور از آنها بسر می‌برد، ولی چه باید کرد؟

ظهور مولای او، وعدهٔ تخلف‌ناپذیر الهی است، و این عین لطف و مهر ربوبی است که بر بندگان منت گذارده تا روزگار رهایی از قید و بند ظلم و ستم را برساند، و زمین را از آن بندگان پاک خود گرداند.

گرچه در روایات زیادی علایمی برای ظهور مولای مهربان، امام زمان علیه السلام بیان شده است؛ ولی در عین حال، روایات دیگری نیز بیانگر این است که خداوند احدیّت در یک شب امر ظهور حجت خویش را اصلاح می‌نماید، و دفعهٔ اذن ظهور به حضرتش می‌دهد.

در این زمینه، روایات زیادی از معصومین علیهم السلام برای آمادگی منتظران وارد شده است، ولی ما به سخنی از جدّ بزرگوار مولایمان، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله قلب خود را صفا می‌دهیم.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

المهدي منّا أهل البيت، يصلحه الله في ليلة<sup>(۱)</sup>؛

مهدی از ما اهل بیت است، خدای متعال کار او را در یک شب فراهم می‌آورد.

بنابراین، منتظر، همواره به صورت آماده‌باش، منتظر ندای آسمانی جبرئیل است که فریاد بزند:

يا معشر الخلائق! هذا مهدي آل محمد صلی الله علیه و آله بايعوه تهتدوا، ولا

تخالفوا امره فتضلّوا<sup>(۱)</sup> ...

ای مردم! این مهدی آل محمد علیه السلام است ... با او پیمان ببندید تا هدایت شوید، مبادا از دستورات او سرپیچی کنید که گمراه خواهید شد.

به همین جهت، منتظر در تکاپو است، او در جستجوی مولا و امام زمان علیه السلام است، گاهی دعا می‌خواند، گاهی می‌سوزد و عاشقانه ناله می‌زند:

أین بقیة الله؛

کجاست آن ذخیره الهی؟

او در هر فرصت مناسب به سوی خدا التجا می‌کند، پس از نماز دست دعا برای ظهور مولایش برمی‌دارد، در عزاداری و سوگواری خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به ویژه در مجالس سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام، امام مظلومی که امام زمان علیه السلام هر صبح و شام بر او خون گریه می‌کند؛ برای ظهور حضرتش دعا می‌کند.

او شب و روز این حالت انتظار را دارد، و در انتظار ظهور مولای خود زندگی می‌کند، که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

إنّ محبّینا ینتظر الروح والفرج کلّ یوم وليلة<sup>(۲)</sup>.

به طور حتم دوستان ما در هر شب و روز در انتظار فرا رسیدن روزگار آسایش و گشایش می‌باشند.

آری! انتظار سخت است و طاقت‌فرسا! حرکت است و تکاپو، جنبش

۱. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۸.

۲. بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۱۲۱.

است و جستجو، همه اینها با توفیق الهی و استمداد از مولای مهربان، سهل است و آسان!

اینک با یاد مولای عزیز، آخرین موضوع این بخش را که گذری سریع به وظایف منتظران است، به رشته تحریر می‌کشیم، باشد که مانیز جزو منتظران قدومش باشیم، ان شاء الله.

### انتظار؛ و گذری بر وظایف دیگر منتظران

در دوران تاریک غیبت بسر می‌بریم، دوران دوری و هجران از مولای مهربان، پدر رئوف، راهنمایی دلسوز. اگر کمی به خود آییم و به اطراف خود بنگریم؛ واگر با انصاف و فهم، روایات و دستورات امامان هدایتگرمان را مطالعه کنیم، و به پیشگویی‌هایی که آن حضرات برای دوران آخر الزمان، بیان فرموده‌اند، توجه نماییم؛ به راحتی درمی‌یابیم که در اقیانوسی عمیق و وحشتناک و تاریک، ناخدای خود را گم کرده و در میان امواج سهمگین و طوفانی دریا با مرگ دست و پنجه نرم می‌نماییم.

در این دوران هجران، که شیاطین جنی و انسی برای نابودی انسانیت پیمان بسته‌اند، و تصمیم گرفته‌اند تا او را به ورطهٔ هلاکت رسانده و گمراه نمایند، و انسان به خاطر هجران امام و راهنمای دلسوزش در مقابل شیاطین و گرگهای انسان‌نما ناتوان است.

روشن است که برای رهایی از چنگال خطرات این دوران تاریک و پر خطر، تنها راه نجات، عمل کردن به وظایفی است که از امامان معصوم علیهم‌السلام برای او به یادگار مانده، منتظرانی که در طول تاریخ این وظایف را از امام

زمانشان گرفته و برای ما به ودیعت گذارده‌اند.

البته منتظرانی از دانشمندان شیعه و صاحبان قلم، با بهره‌گیری از کلمات نورانی معصومین علیهم‌السلام، برخی از وظایف و تکالیف مردم در این دوران حسّاس را به رشته تحریر درآورده‌اند، بدیهی است که هرکسی در حدّ توان خود در این مورد قلم‌فرسایی کرده است، که در هر صورت مورد عنایت و توجّه خدا و حجّت خدا قرار گرفته‌اند.

«متأسّفانه تاکنون جامعه ما از همه وظیفه‌های خود در عصر غیبت آگاه نیست، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر چند وظیفه از وظیفه‌های زمان تاریک غیبت می‌باشند نه همه آنها.

و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه با حال تباه خود آشنا می‌شدند. عصر ظلمت این‌گونه طولانی نمی‌شد.

به هر حال، همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این‌گونه مسایل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی‌های ما در نظم این منظومه و همه منظومه‌ها و کهکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است سلّول‌های مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشند؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان‌نمایی به نام قلب با خود همراه داشته باشند، و از عظمت آن بی‌خبر باشند؟

آیا در چه زمان، قلب‌ها به حیات اصلی خویش راه می‌یابند، و با معنای واقعی زندگی عالی انسان آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی، انسانها به عظمت قلب و وجود جام جهان‌نما در وجود خویشتن آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تمامی سلول‌های مغزی انسانها به کار می‌افتد، و جامعه بشریت با گسترش دانش‌های بی‌کران نهانی پیشرفت می‌نماید؟

آیا در کدامین روزگار انسانها بر اثر آشنا شدن با نور خدا تیرگی‌ها، تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و با حکومت الهی به عدالت جهانی می‌رسند؟

آیا... و آیا...

آیا اینها همه، جز در حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه میسر است؟

پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟

و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی‌نماییم؟

چرا از وضع جهان در آینده آگاهی نداریم؟

و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نماییم؟»<sup>(۱)</sup>

اینک ما به قدر ضرورت، طوری که منتظر و خواننده عزیز و گرامی ما

را - که در این سفر معنوی با جلوه‌های نورانی ما را همراهی نموده - خسته

و ملول نشود، به وظایفی چند در این رابطه اشاره می‌نماییم. چرا که

بررسی تمام و کامل آن، نه در توان ماست، و نه در این مجموعه می‌گنجد.

گفتنی است که دانشمند وارسته و عاشق دل شکسته امام زمان علیه السلام، آیه

الله سید محمد تقی موسوی در کتاب نفیس «مکیال المکارم» هشتاد مورد از وظایف بندگان در دوران غیبت را برشمرده، و در مورد هر کدام به بحث و بررسی پرداخته است، ما نیز به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

### ۱- آشنایی و شناخت امام زمان علیه السلام

شناخت، واژه عمیق و زیربنایی است، و این اولین پایه صعود به قلّه‌های کمال است، البته در این رابطه به اندازه کافی در این نوشتار سخن گفته‌ایم<sup>(۱)</sup>.

### ۲- یاد امام زمان علیه السلام

منتظر و عاشق دلسوخته، قبل از هر چیز به یاد مولا و امام زمان علیه السلام است، او در همه ساعات عمر خویش و در همه حالات، و در همه مکانهای مقدّس، به یاد صاحب خود می‌باشد.

او می‌داند که مولایش هرگز او را فراموش نمی‌نماید، پس چرا وی از مولایش در غفلت باشد، وه چه نیکو سروده:

خوش به حال آن که جانانش تویی

فکر و ذکر و دین و ایمانش تویی

---

۱. منتظر عزیز برای آگاهی بیشتر، به بخش دوم تحت عنوان: لزوم آشنایی با نور، و بخش سوم تحت عنوان: جلوه‌هایی از سیرت و صورت نور مراجعه فرمایید.

### ۳- مهر و محبت به امام زمان علیه السلام

در بخشهای گذشته در رابطه با مهر و محبت مولا یمان امام زمان علیه السلام سخن گفتیم، که او نسبت به ما مهربان است، و مهر او هزاران مرتبه از مهر و محبت پدر و مادر بالاتر است و...

حال که چنین است، چرا ما نسبت به چنین مولای مهربانی، عشق نورزیم؟ چرا مهر بی کران آن مهربان را در کانون دلمان جای ندهیم؟ وجود نازنینی که خدای متعال نه تنها او را بلکه دوستان او را نیز دوست می دارد، و به حبیب خود پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله دستور می دهد که او را دوست بدارد!

چرا در شگفتی؟ سخن زیبارا بنگر و به جان و دل بسپار تا از عظمت و بزرگواری مولایت به وجد آمده و خوشحال شوی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

شب معراج انوار پاک دوازده نور الهی را به من نشان دادند، یکی از آنها ایستاده (قائم) بود، عرضه داشتم:

یا رب من هؤلاء؟

- هؤلاء الأئمة، وهذا القائم يحل حلالی ويحرم حرامی وينتقم من أعدائي.

یا محمد! أحبه، فإني أحبه وأحب من يحبه<sup>(۱)</sup>.

پروردگار من! اینان کیستند؟

۱. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۲۲۳ ضمن ح ۲۱.

- اینان امامانی هستند، و این قائم است، کسی که حلال  
مرا حلال، و حرام مرا حرام می‌نماید، و از دشمنان من  
انتقام می‌گیرد.

ای محمد! او را دوست بدار که من او و دوستان او را  
دوست می‌دارم.

آری! منتظرِ عزیز، نه فقط به مولای مهربان خود عشق می‌ورزد، و او را  
از جان و دل دوست می‌دارد؛ بلکه دوستان او را که منتظرِ قدوم مبارک او  
هستند و کانون دلشان از عشق و مهر او می‌سوزد، دوست می‌دارد.  
از سوی دیگر، منتظران آن مولای دوست داشتنی، مهر و محبت  
بی‌کران او را همچون عطر گل محمدی در همه جا پخش می‌نمایند، و مردم  
را با مهر او آشنا می‌سازند...

#### ۴- انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام

گلوازه انتظار نیز از مهم‌ترین وظیفه‌های مردم در دوران غیبت و  
هجرات مولا است، که در این زمینه نیز در همین بخش به اندازه لازم و کافی  
سخن گفتیم.

چشم انتظار گرامی! اگر خسته نشدی بار دیگر، دل خود را با نگاهی  
دیگر به عناوین همین بخش، صفا ده.

#### ۵- شوق دیدار امام زمان علیه السلام

... در صحرا بودیم، از اوصاف گل گفتم، او تصویر گل را در ذهن پاک



خود کشید، و در بیابان به راه افتاد.

پرسیدم کجا؟

گفت: به گلستان می روم تا گل مورد نظر را از نزدیک ببینم.

آری! کدام گوش است که توصیف گل نرجس را بشنود و عاشق و

دلباخته او نگردد؟

کدام چشم است که با جمال دلربای گل نرجس آشنا شود و شوق دیدار

او را در دل نپروراند؟

به راستی که شوق دیدار یار، عاشق را بی تاب می کند، و همان است که

از عاشق سلب آرامش و آسایش می نماید، و منتظر او همچون عاشقی

شیدا با چشمانی - که زلال اشکش را به راه مولا و محبوبش می ریزد - دست

دعا به سوی معبود بر می دارد و می گوید:

اللهم أرني الطلعة الرشيدة، والغرة الحميدة<sup>(۱)</sup>.

خدیا! آن طلعت نیکوی با رشادت و آن روشن جبین

ستوده را نشانم ده.

و هموست که فریاد می زند:

عزیز علیّی أن أرى الخلق ولا ترى<sup>(۲)</sup>.

دیدن همه را، تو را ندیدن سخت است.

و هموست که ناله می زند، و در آرزوی شوق دیدار مولایش، به آن

حضرت خطاب می کند:

۱. مکیال المکارم: ج ۲ ص ۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

### مَتی ترانا و نراک؟ (۱)

کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم؟

### ۶- سوز هجران در فراق امام زمان علیه السلام

منتظر می‌سوزد، او در فراق محبوبش می‌سوزد، او با قلبی محزون و چشمی گریان در هجران مولایش ناله می‌زند، تضرع و زاری می‌کند، او به شرمندگی و کوتاهی خود در مقابل مولای مهربانش می‌نگرد، و درد فراق و هجرانش شدید می‌شود، و فریاد می‌زند:

چرا دوری ز تو تقدیر ما شد      غم هجران گریبان‌گیر ما شد  
تو غایب نیستی مهجور ما ایم      دریغا علتش تقصیر ما شد

### ۷- دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام

دعا، درخواست بنده ضعیف و ذلیل، از پروردگار قادر و توانا، چه نیکو عملی است؟ چه کردار پاکی است؟ گرنشی از یک بنده فقیر و نیازمند به سوی خدای غنی و بی‌نیاز، و چه با صفا است که این خواهش، ظهور مولای خوب و مهربان باشد.

آری! دعا از مهم‌ترین و کارسازترین وظایف منتظران در دوران هجران مولا است، ما در این مجموعه عمده‌ترین بخش را در این رابطه قرار دادیم (۲).

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. منتظر عزیز! برای اطلاع بیشتر در زمینه دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام، به بخش توجه به

اینک برای تبرک بار دیگر با گفتاری نورانی دل خود را صفا می‌دهیم:  
یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار، درباره برنامه عملی  
و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء سؤال کرد:  
کیف تصنع شیعتک؟

قال علیه السلام: علیکم بالدعاء و انتظار الفرج<sup>(۱)</sup>.

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟  
امام هادی علیه السلام فرمودند: بر شما باد دعا و نیایش، و دارا  
بودن حالت انتظار.

اکنون شعر زیبایی را که از زبان حال مولای غریب و آخرین ذخیره  
الهی حضرت بقیه الله علیه السلام در دعوت از عاشقان خویش برای دعای ظهور،  
سروده شده، زمزمه می‌کنیم:

ای عاشقان! برای ظهورم دعا کنید

روز و شبان به سوی خدا التجا کنید

گر انتظار و امر فرج می‌کشید پس

باید که روز و شب همه از دل نوا کنید

آن یوسفی که در چه غیبت بود منم

ای قافله! طناب برارم رها کنید

بگذشت عمر اشک من زار، از هزار

با اشک خویش پاک زمن اشکها کنید

② نور مراجعه فرماید.

۱. بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۶، به نقل از صحیفه مهدیه: ص ۹۹.

زنداد غم مرا به اسارت کشیده است  
 ای عاشقان! مرا ز اسارت رها کنید  
 از مهدی غریب وطن یاد آورید  
 هرگاه یاد جدّ غریب مرا کنید  
 از من در این زمان نباشد غریب تر  
 از بهر این غریب زمانه دعا کنید  
 امروز سیل اشک بریزید بهر من  
 فردا که شد ظهور ز جان خنده‌ها کنید<sup>(۱)</sup>

#### ۸- تهذیب نفس

منتظر، چشم انتظارِ مصلحی جهانی یعنی حضرت مهدی علیه السلام است، که جهان را از آلودگیها و پلیدیها پاک، و اخلاق پسندیده را جایگزین آن می‌نماید، البته ظلم و ستم و پلیدیهای جامعه از افراد آن ناشی می‌شود؛ ولی آن حضرت فرهنگ جامعه را تغییر، و فرهنگ الهی را که از مکتب اهل بیت علیهم السلام سرچشمه می‌گیرد، در جامعه برقرار می‌نماید.

بنابراین؛ منتظرِ جامعهٔ صالح و شایسته، در دورانِ غیبت، با الهام از گفتارهای نورانی اهل بیت علیهم السلام، خود را از آلودگیها و پلیدیها پاک می‌نماید، او گرچه در اجتماعات فاسد بشری زندگی می‌کند، ولی شناختی که از مولای صالح خویش دارد، و دل رنجوری که از فراق امام و پیشوای خود دارد او را مضطرب و پریشان کرده، و به دنبال گناهها و پلیدیها

نمی‌رود، و از این امور متنفر است.

از اینجاست که در آیات قرآنی و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام سفارشات اکید برای شناخت اهل بیت علیهم‌السلام شده، و آن را محور و ریشه همه برنامه‌های دینی قرار داده‌اند، و می‌توان گفت: انسانی که از امام زمانش شناخت واقعی دارد و به این امر، یقین و باور داشته و حقیقتاً حضور او را در کنار خویش احساس نماید؛ هرگز دنبال رفتار و کردارهایی که مخالف خواسته مولایش است، و دل او را می‌رنجانند، نخواهد رفت.

به همین جهت، منتظر بایستی شناخت، یقین، باور و احساس حضور مولای خودش را در وجودش تقویت نماید. و از آن، اکسیری عظیم درست کند تا در برابر شیاطین بایستد، و با آنها مبارزه نماید، و همواره در انتظار و پیروی مولایش گام بردارد، تا دوران ظهور حضرتش فرارسد، ان شاء الله.

بار خدایا! بین ما و او پیوندی برقرار فرما که ما را به رفاقت پیشینیان (از اهل بیت علیهم‌السلام) برساند؛ و ما را از کسانی قرار بده که دست به دامان آنها شده و در زیر سایه آنها زندگی نموده‌اند.

(خدایا!) ما را بر ادای حقوق او، و سعی و کوشش در پیروی او، و دوری از عصیان و سرپیچی او، یاری فرما... (۱)

آری! وظایف زیادی بر عهده منتظران است، و ما در این مجموعه به همین اندازه بسنده کرده و بخشی دیگر از وظایف را فهرستوار یادآور می‌شویم، تا منتظر عزیز و گرامی خود، در آن موارد تأمل و تعقل نموده و در زندگی دوران غیبت بکار ببندد.

- ۱- ذکر مناقب و فضایل امام زمان علیه السلام
- ۲- حضور در مجالس مناقب و فضایل امام زمان علیه السلام
- ۳- تشکیل مجالس ذکر مناقب و فضایل امام زمان علیه السلام
- ۴- گریستن و گریاندن در فراق امام زمان علیه السلام
- ۵- دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام
- ۶- صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه السلام
- ۷- سعی در خدمت به امام زمان علیه السلام
- ۸- اجتناب از مجالسی که مورد رضایت امام زمان علیه السلام نیست
- ۹- آسوه و الگو قرار دادن امام زمان علیه السلام
- ۱۰- دوری و تنفر از دشمنان امام زمان علیه السلام
- ۱۱- یاری رسانی به دوستان امام زمان علیه السلام
- ۱۲- بزرگداشت اماکن و روزهایی که مخصوص امام زمان علیه السلام می‌باشد
- ۱۳- ارتباط با دوستان و منتظران مخلص امام زمان علیه السلام
- ۱۴- آمادگی کامل، برای دوران ظهور امام زمان علیه السلام (۱)

---

۱. در تنظیم این بخش از وظایف منتظران، از کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» بهره جستیم.

بخش ششم

## توجه به نور

توجه به امام زمان علیه السلام

دعا بهترین وسیله ارتباط

لزوم دعا برای امام زمان علیه السلام

آثار دعا برای امام زمان علیه السلام

سوز هجران در فراق امام زمان علیه السلام

دعا برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام

جلسات عمومی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام

دعا برای ظهور امام زمان از دیدگاه معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام ، و دعا برای امام زمان علیه السلام

امام کاظم علیه السلام ، و دعا برای تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام

امام رضا علیه السلام ، و فرمان دعا برای امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام ، و فرمان دعا برای تعجیل در امر ظهور

پیروی از امام زمان علیه السلام در دعا برای ظهور

## توجه به امام زمان علیه السلام

کعبه است، کعبه دلها، او آخرین حجّت خداست، خدای متعال او را برای هدایت و راهنمایی مردم ذخیره فرموده تا دنیای تاریک و ظلمانی را به جهانی نوین و نورانی تبدیل نماید. او خلیفه خدا در روی زمین و همواره در فکر هدایت و ارشاد بشریت است، این مردم هستند که از او رو گردانده و متوجه امام زمان خود نیستند.

حجّت خدا علیه السلام، در گفتاری زیبا، کوتاهی مردم در اطاعت از امام زمان خودشان را چنین بیان می‌فرماید:

لا لأمره تعقلون ، ولا من أوليائه تقبلون ، حكمة بالغة ، فما تغني  
النذر عن قوم لا يؤمنون <sup>(۱)</sup>؛

مردم، نه در مورد امر خدا تعقل می‌نمایند، و نه از اولیای او می‌پذیرند، و این حکمتی است رسا، پس ترسانیدن مردمی که پذیرای ایمان نیستند، فایده ندارد.

آری! این مردم بودند که مقام و منزلت امام زمانشان را نشناختند، و دست از یاری او کشیده و به دنبال شیاطین به راه افتادند، و این یکی از

---

۱. بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۱ ح ۱.



اسرار غیبت حضرت مهدی علیه السلام است. و اگر مردم از روز اول متوجه حجت خدا علیه السلام می‌شدند، امروز از این فیض بزرگ که سعادت و کمال انسانی در گرو همین امر است، محروم نمی‌ماندند.

اینک با منتظر آگاه و آشنا به امام زمان علیه السلام به گفت و گوی محمود بن لبید با حضرت زهرا علیها السلام گوش فرامی‌دهیم تا با الهام از سخنان این بانوی بزرگ، و محور آفرینش، توجه بیشتری نسبت به امام زمان داشته باشیم.

محمود بن لبید می‌گوید: آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رحلت فرمود، حضرت فاطمه علیها السلام بر سر مزار شهیدان و از جمله حضرت حمزه رفته، در آنجا می‌گریست.

روزی بر سر مزار حضرت حمزه رفته بودم، بانوی غمدیده حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که آنجا نشسته و گریه می‌کرد.

چیزی نگفتم تا این که ساکت شد. جلو رفته سلام دادم و عرضه داشتم: ای بانوی زنان جهان! به خدا سوگند رگهای قلبم از گریه شما پاره شد.

فرمود: ای ابو عمر! گریه شایسته و سزاوار من است. من به مصیبت فقدان بهترین پدران که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، گرفتار شده‌ام. ای وای! که چقدر مشتاق دیدار رسول خدایم.

آنگاه این شعر را سرود:

إِذَا مَاتَ مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ      وَذِكْرُ أَبِي مُدُّ مَاتَ وَاللَّهِ أَكْثَرُ

هنگامی که کسی می‌میرد، از او کمتر یاد می‌شود؛ ولی به خدا سوگند! که یاد پدر من، از هنگام مرگش بیشتر شده است.

عرض کردم: بانوی من! سؤالی دارم که در سینه پنهان کرده مرا می آزارد.

فرمود: پرس!

عرض کردم: آیا رسول خدا ﷺ پیش از وفاتش درباره امامت حضرت علی علیه السلام چیزی به طور صریح فرمودند؟

فرمود: خیلی تعجب آور است، آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟!

عرض کردم: چرا، آن را در نظرم دارم؛ ولی از آنچه که به طور پنهانی و سری به شما فرموده اند، به من خبر دهید!

فرمود: خدا را شاهد می گیرم که از پدرم رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

عليّ خير من أخلفه فيكم وهو الإمام والخليفة بعدي وسبطاي  
وتسعة من صلب الحسين أئمة أبرار، لئن أتبعتموهم وجدتموهم  
هادين مهديين ولئن خالفتموهم ليكون الاختلاف فيكم إلى يوم  
القيامة.

علی بهترین کسی است که در بین شما به جانشینی می گذارم. او پس از من، امام و خلیفه است، و دوازده تن از سینه و نه نفر از صلب حسین امامان نیکوکارند. اگر از آنان پیروی نمودید آنان را راهنمایان هدایت یافته، خواهید دید. و اگر با آنان مخالفت کردید اختلاف تا روز قیامت در بین شما خواهد بود.

عرض کردم: ای بانوی من! چرا او نسبت به حق خود ساکت مانده از آن دست برداشته است؟

فرمود: ای ابا عمر! رسول خدا ﷺ فرمود:

مثل الإمام مثل الكعبة إذ يؤتى ولا تأتي؛

امام چون کعبه است که به سوی او می‌روند و او [به سوی مردم] نمی‌رود.

[و یا حضرت ﷺ فرمود: علی ﷺ چون کعبه است...]

آنگاه حضرت زهرا ﷺ فرمود: به خدا سوگند! اگر

می‌گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد، و آن را

برای اهلش باقی می‌گذاشتند، و از خاندان پیامبر

خدا ﷺ پیروی می‌کردند، هیچ‌گاه دو نفر درباره خدا

با یکدیگر مخالفت نمی‌کردند، و آیندگان از گذشتگان

آن را به ارث می‌بردند، و گذشتگان برای آیندگان خود

می‌گذاشتند، تا این که قائم ما - عجل الله تعالی فرجه - که همین

فرزند حسین است، به پا خیزد.

اما اینان، آن کسی را که خداوند کنار دانسته، مقدم

داشته؛ و آن کسی را که خداوند پیشوا قرار داده، کنار

زدند، و همین که پیامبر خدا ﷺ را در قبر گذارده و

جسم شریفش را به خاک سپردند، هوی و هوس را

برگزیده، و به آرا و افکار خود عمل کردند.

نفرین بر آنان! آیا این سخن را از خداوند نشنیدند که فرمود:

﴿ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ﴾ (۱)؛

و پروردگار تو آنچه را که می‌خواهد، می‌آفریند و برمی‌گزیند، و گزینش و اختیاری برای آنان نیست. آری شنیدند، اما آنان مصداق این آیه شریفه بودند که خداوند فرمود:

﴿ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴾ (۲)؛

[آیا در زمین سیر نکردند و نگشتند، بلکه دل‌هایشان در مقابل عقل، سرتعظیم فرود آورد، و یا گوش‌هایشان شنوایی پیدا کند؟] که اینان را چشم سرگرچه کور نیست، اما چشم باطن و دیده دل‌هایی که درون سینه‌ها می‌باشد، نابیناست.

هیئات که آنها خیلی از حقیقت دور هستند! آنها آرزوهای دنیوی خود را گسترش داده، مرگ و قیامت خود را فراموش کرده‌اند، مرگ و نابودی بر آنان و کارهای گمراهشان باد!

خداوند! از فرومایگی پس از سرافرازی، و نقصان پس

۱. سوره قصص آیه ۶۸.

۲. سوره حج آیه ۴۶.

### از کمال به تو پناه می‌برم<sup>(۱)</sup>.

آری! امام زمان بسان کعبه است، که بشریت برای نیل کمالات انسانی و درک فضایل روحانی بایستی متوجّه او شده و به زیارت و دیدار او بشتابند، و پروانه‌وار به دور وجودش طواف نمایند.

اکنون برای آشنایی بیشتر با این موضوع مهمّ به سخنی ارزنده گوش جان می‌سپاریم:

«نتیجه توجّه به حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداء، توجّه به خداوند کریم است؛ همان‌گونه که توجّه به بقیّة ائمة طاهرین علیهم‌السلام توجّه به خداوند می‌باشد.

پس زیارت و توسّل به ائمة اطهار علیهم‌السلام، مایه توجّه به خداوند کریم است. به این جهت، کسی که قصد تقرّب به خداوند بزرگ بنماید به ائمة اطهار علیهم‌السلام روی می‌آورد. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ<sup>(۲)</sup>.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می‌آورد.

انسان با توجّه به ائمة اطهار علیهم‌السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می‌کند، بلکه موانع و گناهای را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند برطرف می‌نماید؛ زیرا به وسیله توجّه به امام زمان

---

۱. بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۵۳ ح ۲۲، فاطمة زهرا علیها‌السلام شادمانی دل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ص ۴۰۴ - ۴۰۶ با اندکی تصرّف.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

ارواحنا فداء و همچنین بقیة ائمة اطهار علیهم السلام در های رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می شود، و تیرگی های باطنی از دل او بر طرف می شود. پس در هر زمان، معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است، و چگونه کسی معرفت به امام زمان خویش را داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد؛ ولی به آن حضرت، توجه نداشته باشد. بنابراین، غفلت و بی توجهی نسبت به امام عصر ارواحنا فداء و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، اگرچه انسان به ائمة اطهار دیگر توجه داشته باشد، صحیح نیست.

پس وظیفه ما، در این عصر و زمان این است که به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم.

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیای خدامتوجه آن بزرگواران بودند، و در گرد شمع وجود ایشان می گشتند، و همچنین اولیای بزرگ خدا در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء علیه السلام و... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل واقعی معنوی راه یافته اند، یاد و توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را فراموش نمی نمایند»<sup>(۱)</sup>.

آری! ما در زمان حضرت مهدی علیه السلام بسر می بریم، زمانی که نظام آن،

از زیر نظر مبارک آن حضرت می‌گذرد، او بر کلّ جهان هستی احاطه دارد، و سرنوشت جوامع بشری تحت ولایت آن حجّت خدا و ذخیره الهی است. متأسفانه انسان یا غافل است و یا خود را به تغافل می‌زند، انسان آنچنان در مسایل دنیوی و مادی غرق شده که صاحب و مولای خود را فراموش نموده است. ولی سرانجام در اثر گرفتاریها، مشکلات و ناراحتیهایی که دامنگیرش شده به خود می‌آید و متوجّه قطب دایره امکان امام زمان علیه السلام می‌شود.

حال که خداوند به ما توفیق داده و متوجّه امام زمانمان هستیم، استمرار این توجّه را از درگاه ربوبی می‌خواهیم.

البته انسان، از راههای گوناگونی می‌تواند متوجّه امام عصر علیه السلام بشود ولی مهم‌ترین و بهترین راه توجّه به ولیّ خدا امام زمان علیه السلام از طریق دعا و نیایش است.

آدمی می‌تواند با دعا به ساحت مقدّس امام زمانش، با وی ارتباط برقرار کرده و از خدای متعال پایان این هجران غم‌انگیز را بخواهد.

ما در این مجموعه، و در این مسیر معنوی مهم‌ترین همّت‌مان بخش دعا و توجّه به آن نور الهی است، این شاء الله همسفر عزیزی که از صحرای غدیر با ما همراه است، خسته و ملول نشده و به عشق امام زمان علیه السلام در منزلهای مختلف معنوی با ما همراه شده تا با اندیشه مولای خود، گامهای مهمّی به طرف آن حضرت برداریم، و هر لحظه به آن مولای مهربان، و مهر فروزان، و چشمه زلال معرفت و کمال نزدیکتر شویم.

اینک موضوع دیگری را در رابطه با دعا و توجّه به نور، پی می‌گیریم.

## دعا بهترین وسیله ارتباط

... در وادی تحیر و سرگردانی بسر می‌بریم، دورانی بس تاریک و ظلمانی داریم، غیبت و هجران ولی نعمت که به سبب وجود شریف او، حیات و زندگی برای ما ارزانی شده است.

آخر در این گرداب غیبت چه کار باید کرد؟ و با کدامین عمل، غبار غمی از دل پر درد آن یار عزیز غایب، برداریم؟

ماییم که می‌باید با چشیدن طعم تلخ دوران هجران، و لمس تیرگی دل‌های غمباران، به سویش بشتابیم.

در این روزگار تاریک، در جستجوی او هستیم، به آثار جاودان امامان معصوم علیهم‌السلام و دستوراتی که برای غم‌زدگان این دوران به جای مانده، می‌نگریم. کتابهای با ارزشی که عاشقان، دلسوختگان و منتظران آن یار سفر کرده به رشته تحریر در آورده‌اند، ورق می‌زنیم.

از دوران سخت و تاریکی خبر داده‌اند. پراکندگی، جدایی، ذلت و تباهی بشریت، خشکیدن دل‌های آنان در کویر ظلم و بیدادگری، و هزاران سختی و تاریکی را یادآور شده‌اند که انسانها در این حیرت‌کننده، از قافله سالار خویش غافل و همچون شتران تشنه به دنبال آب هستند.

مهم‌ترین وجه اشتراک در این آثار گرانبها موضوع دعا است، دعا که بهترین وسیله ارتباط انسان با معبود خویش، و سرآمد همه اعمال می‌باشد. دعا ناشی از شناخت انسان از عجز خویش، و گرنش در برابر



آفریدگار است، که چاره دردها، رفع گرفتاریها، و زدودن غمها و اندوهها، همه و همه در دست قدرت لا یتناهی آفریدگار است، و این بهترین نشانه کُرنش و عبادت است.

بنده‌ای که امیدش از همه جا به یأس و ناامیدی مبدل می‌شود، و همه آبها در برابر چشمانش سراب می‌شود، و دست از همه جا می‌شوید. و از صمیم دل، به گناه و عجز خود اعتراف می‌نماید، در چنین حالی دست نیاز به سوی پروردگار خویش می‌برد، و چاره مشکل را از او می‌طلبد.

خدای متعال که مهربانترین مهربانان است، از لطف بی‌نهایت خویش دعای بنده خود را مستجاب می‌نماید، و می‌فرماید:

﴿ اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾ (۱)؛

بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

بدیهی است که هرچه مشکلات، ناراحتیها، گرفتاریها و معضلات زندگی انسان زیادتر باشد فطرتاً - اگر غافل و مغرور نباشد - بیشتر به سوی خدا می‌رود.

با این امید که دوران غیبت، آخرین روزهای خود را می‌گذراند، و این درخت پیر، که از ریشه فرسوده و شاخ و برگ خانمانسوزش را از دست داده، در آخرین لحظه‌های خود بیشترین و شدیدترین آزارها را به منتظران ظهور نور می‌رساند؛ بر غمدیدگان و ستمدیدگان این دوران

است که هرچه بیشتر از این سلاح برّان استفاده کرده، و با قلبی لرزان و چشمی گریان دست نیاز به سوی خدای بزرگ و منّان بردارند، و همچون افراد غرق شده و مضطّر برای ظهور آن حضرت دعا کنند.

### لزوم دعا برای امام زمان علیه السلام

آری! مهم‌ترین و لازم‌ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای تعجیل ظهور مولا و آقای مهربان ما، حضرت مهدی علیه السلام است، او صاحب عصر، صاحب امر و ولیّ و سرپرست همه جهانیان است، مگر می‌شود از او غافل شد؟ او امام زمانِ رؤوف ماست، و غفلت از او یعنی غفلت از ولیّ نعمت. سید بزرگوار، منتظر دلسوخته امام زمان علیه السلام؛ سید بن طاووس رحمته الله می‌گوید:

تو خوب می‌دانی و معتقد هستی که اگر امام زمان علیه السلام نبود، خدای متعال تو را نمی‌آفرید، نه تو را؛ بلکه هیچ فردی از افراد زمان او و زمان تو را نمی‌آفرید، و لطف الهی به سبب وجود شریف او علت هستی تو و دیگران است، و او باعث رسیدن بشریت به همه خیرات است.

بنابراین، بپرهیز! بپرهیز! که خود یا فرد دیگری را، در دوستی و دعا بر آن حضرت مقدّم بداری؟

آری! دل و زبان خویش را با همه توانت آماده دعا بر این مولای عظیم الشأن کن، و حواست را جمع نما! فکر نکن که او نیازمند دعای توست. هرگز! که اگر چنین پنداری در ذهنت جای گرفت بدان که عقیده و

دوستی تو درست نیست، بلکه آنچه گفتم به جهت این است که حقّ والا و احساس بزرگ آن حضرت را برای تو بیان کرده و بشناسانم.

بدیهی است که اگر تو برای آن حضرت از خود و عزیزانت بیشتر دعا کنی، خدای بزرگ نیز درهای اجابت را زودتر در مقابل تو باز می‌نماید؛ چرا که تو - ای بنده خدا! - درهای پذیرش دعا را با گناهان خود قفل زده و بسته‌ای.

پس اگر با دعا برای مولای خود، دست نیاز به پیشگاه مالک و صاحب اختیار انسانها - از مرده و زنده - یعنی خدای متعال، برداری و دعا کنی، امید است که به خاطر آن بزرگوار، درهای اجابت به روی تو باز شود تا خود و دیگرانی که برای آنها دعا می‌کنی مشمول تفضل الهی گشته و رحمت، کرم و عنایات خدای متعال شامل حالتان گردد، چرا که در این صورت در دعای خود به ریسمان محکم او چنگ زده‌ای.

آنگاه سید بزرگوار سخن خود را چنین ادامه می‌دهد:

آنچه را برای تو گفتم عمل کن که آن حقیقی است روشن، و کسی که در مورد مولای ما سهل‌انگاری کند، و در این مورد سستی ورزد و از آنچه بیان کردم غافل شود، به خدا سوگند! او در اشتباه است، اشتباهی که مایهٔ ننگ و عار است.

سپس می‌فرماید: آیا تا حال فکر کرده‌ای که امامان پاک و هدایتگر ما علیهم‌السلام

چگونه به این موضوع اهمیت داده‌اند؟ آیا تا کنون نسبت به این موضوع با

این اهمیت، بی‌اعتنایی نکرده‌ای؟

بنابراین، درنگ جایز نیست، در حق مولای خود زیاد دعا کن، و بخصوص در نمازهای واجب خود برای آن حضرت - و کسی که دعا برای او جایز است - دعا کن.

سید بزرگوار در ادامه سخن خود می گوید:

باز تکرار می کنم و می گویم: با توجه به آنچه بیان کردم عذری برای تو در اهمیت ندادن به دعا برای تعجیل ظهور باقی نمی ماند<sup>(۱)</sup>.

آری! ای منتظران نور! و ای انسانهای آزاده و آزاد اندیش! بیاید برای نجات از این همه بدبختیهای این دوران، و برای رسیدن به اوج کمال انسانی، با شناختی که از ولی نعمت و منجی بشریت داریم، دست نیاز به سوی خدای مهربان دراز کرده و برای تعجیل ظهور آن مهر فروزان دعا کنیم، و با این عمل شایسته، قلب عالم امکان و امام زمان علیه السلام را شاد نموده، و جامعه بشری محروم و تشنه کمال را امیدوار سازیم.

دانشمند وارسته و منتظر دل شکسته، آیه الله موسوی اصفهانی در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» می نویسد:

همان گونه که آیات و روایات بیانگر این است که دعا از مهم ترین اقسام عبادتهاست، و تردیدی نیست که مهم ترین و ارزنده ترین نوع دعا آن است که برای کسی باشد که خداوند حق او را و دعا برای او را بر همه واجب نموده است؛

۱. فلاح السائل: ص ۴۵ و ۴۶.

و به برکت وجود او فیض و نعمت خدا بر همه موجودات او می‌رسد؛ همان‌گونه، شکی نیست که مقصود از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت او است. و مداومت به دعا سبب می‌شود که خداوند او را در عبادت تأیید و کمک نماید، و او را از اولیای خود قرار دهد.

بنابراین، باید در دعا برای مولای ما حضرت حجّت علیه السلام مداومت نمود، و از خداوند تعجیل فرج و ظهور حضرتش را درخواست کرد، و غم و اندوه را از چهره مبارک آن بزرگوار زدود، و در دل آن حضرت سُورور ایجاد کرد، و همه اینها با این مسأله مهمّ فراهم می‌گردد.

بنابراین، بر اهل ایمان لازم است که بر این امر مقدّس اهتمام ورزیده، و در هر مکان و زمانی برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا نمایند<sup>(۱)</sup>.

### آثار دعا برای امام زمان علیه السلام

... مظلومیت امام زمانش را دید محبّت‌اش در کاشانه جانش جای گرفت، غافل از آن که آن مظلوم، امام زمان اوست. از صمیم قلب، در دل خود برای نجات و رهایی او دعا کرد، او که مولای کریم است در برابر این دعا، چه احسانی به این بنده مخلص نمود؟

عبدالرحمان اصفهانی گوید: از من پرسیدند به چه دلیل امامت امام هادی علیه السلام را پذیرفتی و دنبال دیگران نرفتی؟

گفتم: قضیه‌ای از آن حضرت دیدم و عاشق و شیدای او شدم؛ من در زمان متوکل عبّاسی زندگی می‌کردم و فقیر بودم، ولی فردی زیرک و با

۱. ترجمه مکّیال المکارم: ۴۳/۱، با اندکی تغییر.

جرات بودم. به همین جهت، سالی از سالها، مردم اصفهان مرا برای سخنگویی انتخاب و با عده‌ای به دربار متوکل عباسی فرستادند، تا مشکلات آنها را بازگو نمایم.

ما حرکت کردیم و به پایتخت عباسیان، شهر بغداد رسیدیم، در بیرون دربار منتظر بودیم تا اجازه ورود صادر شود. در این هنگام خبردار شدیم که خلیفه، حضرت امام هادی علیه السلام را به دربار احضار نموده است.

من او را نمی‌شناختم. به همین جهت، به یکی از حاضرین گفتم: این شخصی که احضار کرده‌اند، کیست؟

گفت: مردی علوی و امام رافضی‌ها است، بعد ادامه داد: فکر می‌کنم متوکل می‌خواهد او را بکشد.

وقتی این پاسخ را شنیدم با خودم گفتم: از این جا تکان نمی‌خورم تا از نزدیک این شخص را ببینم و بشناسم؟

در این اثنا، آن حضرت را آوردند، او بر اسبی سوار بود، مردم در دو طرف او صف کشیده و به او نگاه می‌کردند. چشمان من نیز توفیق دیدار جمال آفتابی او را کسب کرد، همین که نگاه‌اش کردم مهر و محبت او در سراسر وجودم جای گرفت، و برای نجات او از اعماق دل دعا کردم، که خدایا! او را از شر متوکل حفظ فرما.

حضرت از میان جمعیت حرکت می‌کرد، و توجهی به چپ و راست نمی‌فرمود، چشمانش را به یال اسب خود دوخته بود، و من همچنان در دلم برای حضرتش دعا می‌کردم.

هنگامی که مقابل من رسید، رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعاك، وطول عمرک، وكثير مالك و ولدك.

خداوند دعای تو را مستجاب، و عمر تو را طولانی، و

مال و فرزند تو را زیاد گرداند.

از هیبت و وقار او بدنم لرزید، و کنترل خود را از دست داده و به زمین

افتادم. دوستانم پرسیدند: چه شد؟

گفتم: خیر است، و این جریان را به کسی نگفتم.

پس از آن، به همراه دوستانم به اصفهان برگشتیم.

چندی نگذشت که خداوند در اثر دعای آن حضرت درهایی از مال و

سرمایه را به روی من باز کرد، و من ثروت فراوانی بدست آوردم، تا جایی

که اگر همین الآن، درب خانه‌ام را ببندم اموالی که در داخل خانه‌ام دارم

معادل هزاران هزار درهم می‌شود، البته این غیر از دارایی من در بیرون

خانه‌ام است.

از سوی دیگر، خداوند، به سبب دعای آن مولای مهربان، ده فرزند به

من عنایت فرمود.

هم‌اکنون که حدود هفتاد سال و اندی از عمرم می‌گذرد، من به امامت

آن شخص والا مقام اعتقاد دارم، چراکه او از ضمیر و باطن من خبر داد، و

خداوند دعای او را در حق، من مستجاب نمود<sup>(۱)</sup>.

---

۱. الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۳۹۲ و ۳۹۳ ح ۱.

دانشمند و ارسته و عاشق دلسوخته امام زمان علیه السلام، صاحب کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» پس از نقل این حدیث شریف می گوید:

ببینید! چگونه مولای ما، امام هادی علیه السلام دعای آن شخص را که از صمیم قلبش دعا کرد، تلافی نمود و در حق او دعا کرد، با این که او آن موقع، جزو مؤمنان نبود!

آیا گمان می کنید که اگر در حق آقا و مولای ما، صاحب الزمان علیه السلام دعا کنید؛ با این که شما مؤمن هستید، او جبران نمی کند؟ و شما را با دعای خیر یاد نمی نماید؟

نه، هرگز چنین نیست؛ سوگند به خدایی که آفریدگار انسان و پری است! او مولای کریم و مهربان است، او همه مؤمنان را دعا می فرماید، حتی مؤمنانی که از این امر غافلند؛ چرا که او دارای احسان و نیکویی است. وی سخن خود را چنین ادامه می دهد: در این رابطه یکی از برادران شایسته و گرامیم، خوابی برای من نقل کرد، او گفت:

من در عالم خواب موفق به دیدار جمال مولای مهربانم شدم، حضرتش فرمود:

إني أدعو لكل مؤمن يدعولي بعد ذكر مصائب سيد الشهداء عليه السلام  
 في مجالس العزاء<sup>(۱)</sup>.

هر مؤمنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر مصایب حضرت سید الشهداء علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می نمایم.



آری! عزیزی که از مهر آن آقای مهربان در تب و تاب، و عاشقانه در لحظات زندگی خود به یاد آن سَرورِی، و برای تعجیل ظهور او دعا می‌کنی! بدان این عمل نیکو و مقدّس تو، آثار زیادی دارد، و باعث خشنودی و رضایت خدای متعال و اهل بیت علیهم‌السلام است.

گفتنی است که دانشمند محترم آیه الله موسوی اصفهانی در کتاب شریف خود به شماری از این آثار اشاره کرده و به طور مفصّل به شرح و توضیح آنها پرداخته است، منتظران عزیزی که خواهان اطلاعات بیشتری در این زمینه هستند، به همان کتاب ارزشمند مراجعه فرمایند.

اینک که با آشنایی آن مولای مهربان، نور مهر و محبت او، در قلبمان جای گرفت، و لبان ما برای دعای برای او به حرکت در آمد، و قلب ما از فراق و جدایی آن سرور عزیز خبر داد، بی‌اختیار اشک از دیدگانمان جاری می‌شود و فراق و هجران او را با غم و اندوه تحمل می‌نماییم، با هم به ناله‌های عزیزی که از فراق آن غریب علیه‌السلام می‌سوزد، گوش می‌دهیم.

### سوز هجران در فراق امام زمان علیه‌السلام

گریه می‌کرد، ناله می‌زد، درد است، درد فراق، سوز است، آن هم سوز هجران، می‌گفت:

ای محبوب من! ای مولای مهربان من! کاش می‌دانستم

کی دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد گرفت؟

(کاش می‌دانستم) در کدام سرزمینی اقامت داری؟ و

کدامین قسمت از خاک زمین سنگینی تو را حمل می‌کند؟

آیا در رضوی هستی، یا در ذی طوی؟

برای من خیلی سخت است که مردم را ببینم، ولی تو را نبینم، حتی نجوای تو را نشنوم.

برای من بسیار ناگوار است، که به واسطه دوری و فراق شما، رنج و بلا مرا احاطه کند، و هیچ ضجّه و هیچ شکوه‌ای هم از من به تو نرسد...<sup>(۱)</sup>

آری! او عاشق دلسوخته‌ای بود که در فراق مولایش می‌سوخت و از سوزِ جگر ناله می‌زد؛ چرا که او در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بزرگ شده بود. امامان هدایتگر ما، که خود حجّت‌های الهی بودند و عمری از ظلم و ستم جبّاران و ستمگران سوخته و به پیروان خود، درس شکیبایی و صبر دادند، و ناله‌ها آموختند تا پیروان آنها برای فرج و ظهور آل محمد علیهم‌السلام دعا کنند.

اینک به همراه سدیر و یاران او به محضر امام صادق علیه‌السلام می‌شتابیم، تا درس دیگری در عشق و وفاداری به مولا و امام زمانمان، یاد بگیریم.

سُدیر صیرفی می‌گوید: من، مفضل بن عمر، ابوبصیر و ابان بن تغلب به محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدیم، دیدیم آن حضرت بر روی خاک نشسته و لباسی که از مو بافته شده و طوقدار و بی‌گریبان بود، پوشیده است. او همانند فرزند مرده جگر سوخته گریه می‌کرد، آثار حُزن و اندوه

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

از گونه و رخسارش آشکار، و اشک، کاسه چشمهایش را پر کرده بود، و می‌فرمود:

سَيِّدِي اِغْيِبْتِكَ نَفْتِ رِقَادِي ، وَ ضَيِّقْتِ عَلَيَّ مِهَادِي وَابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فَوَادِي .

سَيِّدِي اِغْيِبْتِكَ اَوْصَلْتَ مَصَابِي بِفَجَائِعِ الْاَبْدِ ، وَفَقَدَ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ يَفْنِي الْجَمْعَ وَالْعَدَدَ ، فَمَا اَحْسَ بَدْمَعَةَ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَانِّيْنِ يَفْتَرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَسَوَالِفِ الْبَلَايَا اِلَّا مَثَلُ بَعِيْنِي عَنْ غَوَابِرِ اَعْظَمِهَا وَ اَفْظَعِهَا ، وَ بَوَاقِي اَشْدَّهَا وَ اَنْكَرِهَا ، وَنَوَائِبِ مَخْلُوْطَةِ بَغْضَبِكَ ، وَنَوَازِلِ مَعْجُوْنَةِ بَسْخَطِكَ<sup>(۱)</sup> .

آقای من! غیبت تو خوابم را گرفته و خوابگاهم را بر من تنگ کرده، و آرامش و راحت دلم را ربوده است.

آقای من! غیبت تو مصیبتم را به مصیبت‌های دردناک ابدی پیوسته، و از دست دادن یکی پس از دیگری جمع و عدد را فانی می‌سازد، پس احساس نمی‌کنم به اشکی که در چشمم خشک می‌گردد و ناله‌ای که در سینه‌ام آرام می‌گیرد، مگر آن که مصایب بزرگتر و دلخراش‌تر و پیشامدهای سخت‌تر و ناشناخته‌تر در برابر دیده‌ام، مجسم می‌شود.

سُدیر گوید: از این پیشامد هولناک و حادثه خطرناک عقل از سر ما پرید، و دل‌های ما از غم و اندوه پاره شد، و گمان کردیم که حضرتش از

اتفاق ناگواری این چنین گریان و سوگوار است، یا از روزگار به او مصیبتی رسیده است.

عرض کردیم: خدا دیدگانت را نگریاند ای پسر خیر الوری! از چه پیش آمدی این گونه گریانی، و از دیده اشک می باری؟ چه حالی روی داده که این گونه سوگواری؟

حضرت چنان آه عمیقی کشید که ناراحتیش از آن افزون شد، از روی تعجب فرمود:

وای بر شما! امروز بامداد در کتاب «جفر»<sup>(۱)</sup> نگاه می کردم، در موضوع ولادت غایب ما و غیبت و طول عمر او، و گرفتاری مؤمنان در آن زمان، و شک و تردیدهایی که از جهت طول غیبت در دلهایشان پیدا می شود، و این که بیشتر آنها از دین برمی گردند، و رشته اسلام را که خدای می فرماید: «کارنامه هر انسانی را به گردن او بستیم» از گردن می گشایند، تأمل کردم، از مطالعه وضع آنها رشته افکارم گسست، و کوه غم و اندوه بر تنم فرو ریخت.

آری! منتظران عزیز نیز این گونه از امامان معصوم خود سرمشق گرفته،

۱. جفر: کتابی است که علم مرگها و بلاها، و آنچه واقع شده و تا روز قیامت واقع می شود، در آن مندرج است، و خداوند، علم آن را به حضرت محمد ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام اختصاص داده است.

و آنها را الگوی خود قرار داده‌اند. به همین جهت، هر لحظه‌ای که به یاد مولایشان می‌افتند از سوزِ دل آه می‌کشند و ناله می‌نمایند. منتظران امام زمان علیه السلام صبحهای جمعه دور هم جمع می‌شوند، و دعای ندبه را زمزمه می‌کنند، تا خداوند دعای آنها را مستجاب، و در ظهور مولایشان تعجیل فرماید، **إن شاء الله**.

### دعا برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام

خدای حکیم و مهربان، از لطف بی‌نهایت خویش، آخرین حجّت خود را برای هدایت و کمال بشریت به آنها ارزانی داشت، ولی از آنجایی که بشر، به خاطر جهل و عدم معرفت، از آن وجود قدردانی نکرد، و موانعی را برای ظهور آن امام همام تراشید؛ او را در پشت پرده غیبت قرار داد.

و از طرفی، حضرت باری تعالی، وقت ظهور را - که آرزوی همه انبیا و اولیای الهی است - برای بشریت معین نفرمود.

بدیهی است که تأخیر ظهور مولایمان صاحب الزمان علیه السلام به سبب موانعی است که از ناحیه ما انسانها سرچشمه گرفته است. به همین جهت، بر ما است که از خدا، برطرف کردن آن موانع را بخواهیم.

از سوی دیگر، با توجه به روایات و سخنان رهگشای معصومین علیهم السلام، معلوم می‌شود که وقت ظهور از امور بدائی است، یعنی امکان تقدیم و تأخیر آن هست، بنابراین، جدیت و اهتمام مؤمنان در دعا برای تعجیل

فرج آن حضرت، تأثیر به سزایی در فرار رسیدن روزگار شکوهمند ظهور دارد.

علامه بزرگوار مجلسی رحمته الله علیه روایتی را در این رابطه نقل می نماید:  
فضل بن ابی قرّه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در ضمن حدیثی فرمود:

وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند، خداوند به موسی و هارون علیهم السلام وحی فرمود که آنها را از دست فرعون نجات دهد، و این در حالی بود که از چهارصد سال، صد و هفتاد سال باقی مانده بود، و از آن صرف نظر کرد.

آنگاه امام صادق علیه السلام می افزاید:

شما نیز اگر چنین تضرّع و زاری کنید، خداوند فرج ما را مقدر می نماید، و اگر چنین نکنید، این امر به آخرین حدّ خود خواهید رسید<sup>(۱)</sup>.

آری! دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت در زودتر فرار رسیدن آن، اثر کامل دارد، و بر ما است که برای فرج و ظهور آن حضرت دست به دعا برداریم، و آنی از رحمت بی نهایت خداوند مأیوس نشویم. و همچنان که

---

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۳۱ ح ۳۴.

در امور زندگی خودمان تا رسیدن به هدف و استجابت دعا دست از طلب و خواهش بر نمی‌داریم؛ در این امر حیاتی نیز، شبانه‌روز در همه اوقات دست از طلب و دعا بر نداریم.

دل‌باخته امام زمان علیه السلام، با شناختی که از زمان ظهور دارد همچون تشنه‌ای که در طلب آب گواراست هر صبح و شام دست حاجت به پیشگاه خدای رؤوف بر می‌دارد، و از او ظهور مولایش را می‌طلبد.

کسی که مهر امام زمان علیه السلام در دل او جای گرفته، و شیفته و شیدای او شده، و به دنبال پدر مهربان و گمشده خود است، و با تمام وجود به فکر اوست؛ در هر فرصت، از عمق جانش برای او دعا می‌کند، و با این کار، محبت درونی و علاقه قلبی خویش را به مولا و محبوبش ابراز می‌نماید.

در مانده‌ای که در زمان تاریک غیبت، میان موجهای پر خروش دریای طوفان زده اجتماعات بشری بسر می‌برد؛ چرا برای دست یافتن به کشتی نجات، دعا نکند؟

بیماری که در دوران غم و اندوه فراق یار، در تب و تاب است، و همواره از شدت درد به خود می‌پیچد؛ چرا برای فریادرسی طبیب عالم دست به دعا بر ندارد؟

گرفتاری که از مشکلات این دوران، رهایی ندارد؛ چرا برای منجی خودش دعا نکند؟

آری! خدای مهربان، از مهر و محبت خود، درهای دعا را به سوی ما باز کرده و وعده استجابت داده است، شیعیان باید در لحظه لحظه به ظاهر

زندگی دوران غیبت که انباشته از آلام و مشکلات است، برای فرج و ظهور آن حضرت دعا کنند، تا هم خود و هم، همه ممنوعان خود را به وسیله ظهور آن یار عزیز، و آن منجی مصلح از ورطه هلاکت و ضلالت برهانند. به همین جهت، بر عاشقان و دلسوختگان آن حضرت لازم است که هر صبح و شام، چشم انتظار فرج آن حضرت بوده، و دستان خود را به جانب درهای رحمت الهی بلند کرده، و با قلبی سوزان و چشمی گریان، ظهور و فرج امام زمان عجل الله فرجه را از درگاه خدای مهربان بخواهند، تا بدین وسیله غبار غمی را از دل پر درد مولا، صاحب و آقای خود که بیش از هزار سال و اندی است در پشت پرده غیبت بسر می برد و منتظر اذن الهی است؛ بردارند.

بدیهی است که در این میان، مسئولیت کسانی که معرفت و شناخت بیشتری از آن حضرت دارند، خصوصاً منتظران و عاشقان آن حضرت، در این دوره، بیشتر احساس می شود؛ چرا که صدای دلنشین آن باقی مانده از حجج خدا، فرزند رسول مصطفی، خلف صالح علی مرتضی، عزیز و یوسف زهرا، منتقم خون سید الشهداء علیه السلام، در عرصه گیتی طنین انداز می شود، و طپش قلب همه منتظران به شماره می افتد که در این روزهای حساس و لحظات دعا و توسلات، بویژه پس از توسل به امام حسین علیه السلام؛ از جان و دل فریاد زده، و بر این امر مهم و سرنوشت ساز دعا کنند.



### جلسات عمومی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام

منتظر است، منتظر ظهور نور، او شیفته واقعی مولای خود حضرت مهدی علیه السلام است، و در لحظات زندگی خود در هر کجا که هست به یاد مولای مهربان خود است، و برای تعجیل ظهورش دعا می‌کند، او دعا می‌کند، گاهی دعایی که در این مورد وارد شده، و گاهی از صمیم دل از خدای مهربان ظهور حجّت خدا را می‌خواهد.

آری! دعا؛ دعا؛ دعا برای تعجیل ظهور، او نه تنها خودش دعا می‌کند بلکه منتظران را نیز به دعا تشویق می‌نماید، چرا که او دل‌باخته و شیفته امام زمان و یوسف زیبای زهرا علیها السلام است.

او می‌داند طبق دستورات امامان هدایتگر ما، دعای دسته جمعی تأثیر بیشتری در استجاب دعا دارد، و به همین جهت است که منتظران دوران ظهور به تشکیل جلسات دعا - از جمله دعای ندبه - پرداخته‌اند، آنان در کنار یکدیگر با دلهایی آکنده از غم هجران مولای غریب خودشان، دست نیاز به پیشگاه خدای مهربان دراز کرده، و از او ظهور مولای خود را می‌طلبند.

این مجالس، از بهترین مجالس انس منتظران قدوم مبارک حضرت مهدی علیه السلام است، مجالسی که امید منتظران را افزایش می‌دهد، و در هر جلسه‌ای افراد زیادی را به یاران و دعاگویان و منتظران یوسف زهرا علیها السلام می‌افزاید، و چه بسا جوانان و نوجوانان حتی کودکانی که در این جلسات پُر بار معنوی شرکت می‌کنند؛ از بهترین یاران امام زمان علیه السلام شوند.

کوتاه سخن این که، چنین مجالسی همواره مورد لطف و عنایت حضرات معصومین علیهم السلام بوده و امام زمان علیه السلام شخصاً به چنین مجالسی عنایت خاص دارند.

صاحب کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» که خود از عاشقان و دلباختگان حضرت مهدی علیه السلام بوده، در این زمینه می نویسد:

تشکیل چنین مجالسی، از جمله وظایف مردم در زمان غیبت امام زمان علیه السلام است، و باعث ترویج دین خدا، و اعلائی کلمه الله و یاری نیکوکاران، و موجب تقوا و تعظیم شعائر الهی و یاری ولی خداست.

البته می توان گفت: در برخی موارد تشکیل چنین مجالسی واجب و ضروری است، بخصوص در مواقعی که مردم در پرتگاه انحراف و گمراهی قرار گیرند...<sup>(۱)</sup>

آری! منتظران قافله سالار مهر و محبت! بیاییم با هم برای نجات و رهایی بشریت دست دعا به سوی خدای رؤوف برداریم، و از سویدای دل، برای ظهور مولایمان دعا نماییم، که ان شاء الله مستجاب است...

### دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام از دیدگاه معصومین علیهم السلام

... خدای مهربان است، لطف بی پایانش شامل بندگان، اما چرا تأخیر؟  
یقیناً تأخیر از ما است، چرا که طبق فرمایش خود مولا این ما هستیم که یکدل نشدیم، و در راه او آنچنان که شایسته است، قدم برنداشتیم.

۱. مکیال المکارم: ج ۲ ص ۱۶۹.

آخرین سفیر الهی، امام زمان حضرت مهدی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

ولو أن أشياعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في  
الوفاء بالعهد لما تأخر عنهم العمى بلقائنا، ولتعجّلت لهم السعادة  
بمشاهدتنا على حق المعرفة، وصدقها منهم بنا... (۱)

اگر شیعیان ما - که خداوند بر اطاعتش موفقشان بدارد  
- با دل‌های متحد و یکپارچه بر وفای به عهد و پیمان  
اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آنها به تأخیر نمی‌افتاد،  
و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت و راستی بر آنها  
به زودی حاصل می‌شد...

آری! کوتاهی، و عدم وفای به عهد و پیمان الهی، موجب محرومیت  
جهان بشریت از این فیض بزرگ خدایی شد. اینک ای منتظران عزیز!  
برای جبران این تأخیر چه باید کرد؟ و چگونه با آن قافله‌سالار بشریت  
ارتباط برقرار نمود؟

به نظر می‌رسد بهترین، جامع‌ترین و ارزنده‌ترین عملی که بتوان به  
وسیله آن، با آن امام مهربان ارتباط برقرار کرد، و دل پر درد حضرتش را  
خشنود ساخت؛ دعا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است، چرا که دعا  
که خود باب لطفی از جانب پروردگار رحمان، و روح عبادت است، و  
انجام آن با توفیق الهی، برای همگان سهل است و آسان.

البته در این مورد صدها روایت از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام وارد شده که مؤمنان را بر چنین دعای مهم و سرنوشت سازی ترغیب و تشویق نموده‌اند.

از طرف دیگر، دعاهای گوناگون از ناحیه آن حضرات صادر شده که خود گویای اهمیت این مسأله حیاتی است.

با یک نگرش محققانه در مضامین این دعاهای نورانی که در صدها مورد، دعا برای **تعجیل ظهور** اشاره و تصریح شده، وظایف منتظران را در قبال مولای غریب و مظلومشان دو چندان می‌نماید.

ناگفته پیداست که منتظران عاشق در این زمینه قلم‌فرسایی‌ها کرده و این دعاهای نورانی را در کتابهای خود جمع‌آوری نموده، و در دسترس دعا کنندگان به پیشگاه خداوند قرار داده‌اند<sup>(۱)</sup>.

آنچه مهم است، اهمیت این موضوع بنیادین و اساسی در نزد حضرات معصومین علیهم السلام است، که دستورات و دعاهای آن بزرگواران رهگشای منتظران بوده و هست.

اکنون به جهت اهمیت این مسأله حیاتی، به همراه منتظر عاشق، همچون تشنه آب گوارا به محضر امامان و پیشوایان هدایتگر خودمان می‌شتابیم تا از گفتار و کردار الهی آن بزرگواران در سهای عشق و مهر

۱. بحمدالله، جامع‌ترین و ارزنده‌ترین کتاب در این زمینه، که با ابتکار خاص و با عنایات حضرتش تألیف شده، کتاب نفیس «**الصحيفة المباركة المهدية**» می‌باشد که گزیده آن بجز بخش زیادی از مقدمه، توسط نگارنده ترجمه شده و بنام «**صحيفة مهدیه**» در اختیار منتظران قرار گرفته است.

بیاموزیم و در زندگی این دوران بکار ببندیم، تا بدین وسیله بتوانیم گامی به سوی امام زمان خودمان برداریم.

### امام صادق علیه السلام، و دعا برای امام زمان علیه السلام

او برآورنده آرزوی پیامبران و اولیای الهی است، خدایش در شب معراج به وجود او مباحثات می‌کند و به حبیب خود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

... یا محمد! هؤلاء أولیائی ... ولأطهرن الأرض بأخترهم من أعدائی، ولأمكنه مشارق الأرض و مغاربها...<sup>(۱)</sup>

ای محمد! ... اینان اولیای من هستند، من به وسیله آخرین شخصیت آنان، زمین را از لوث دشمنان پاک خواهم نمود، و او را مالک شرق و غرب عالم خواهم کرد...

و جود نازنینی که وقتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسند:

آیا قائم علیه السلام متولد شده؟

می‌فرماید:

لا، ولو أدركته لخدمته أيام حياتي<sup>(۲)</sup>.

نه، اگر زمان او را درک نمایم، در همه روزهای زندگیم به او خدمت می‌نمایم.

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۱۲ ح ۵.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۴۸.

و بدینسان، امام صادق علیه السلام مقام و منزلت او را می شناسد و برای او دعا می کند.

عباد بن محمد مدائنی گوید: در محضر شریف امام صادق علیه السلام حضور داشتم، حضرت نماز ظهر را بجای آورد، آنگاه دستهای مبارکش را بلند کرده و دعا نمود، عرض کردم: فدایت کردم! برای خودتان دعا نمودید؟ حضرت فرمود:

دعوت لنور آل محمد وسائقهم والمنتقم بأمر الله من أعدائهم<sup>(۱)</sup>.  
برای نور آل محمد علیهم السلام و غایب آنان دعا کردم، کسی که  
به امر خدا از دشمنان آنها انتقام می گیرد.

آه! آه! اگر ما به یاد او نباشیم و برای مولای خود - که هستی ما به خاطر وجود اوست - دعا نکنیم.

الها! معبودا! تویی که با توفیق خود اجازه می فرمایی، با این همه شرمندگی ... برای آن مولای مهربان دعا نماییم ...

---

۱. فلاح السائل: ص ۱۷۰، به نقل از صحیفه مهدیه: ص ۱۲۰.

### امام کاظم علیه السلام، و دعا برای تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام

صدای دلنشینی می‌آمد، گوش دادم، او دعا می‌کرد، او از صمیم دل و قلبی آکنده از مهر و محبت دعا می‌نمود، و می‌فرمود:

پدرم فدای کسی که شب‌ها، در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است.

پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌نماید...

آری! او امام کاظم علیه السلام بود که این‌گونه مهدی زهرا علیها السلام را معرفی می‌نمود و دعا می‌کرد.

یحیای نوفلی گوید: در بغداد حضور امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم، حضرت نماز خود را خواند، آنگاه دستان مبارکش را به جانب آسمان بلند کرد و دعا نمود، دعای او را می‌شنیدم که می‌فرمود:

أنت الله لا إله إلا أنت، الأول والآخر والظاهر والباطن ... أسألك  
باسمك المكنون المخزون، الحي القيوم، الذي لا يخيب من  
سألك به، أسألك أن تصلي علي محمد وآل محمد، وأن تعجل  
فرج المنتقم لك من أعدائك، وأنجز له ما وعده، يا ذا الجلال  
والإكرام.

خدایا! جز تو خدایی نیست، تو اوّل و آخری، تو ظاهر و باطنی... تو را به اسم مکنون خود که در گنجینه اسرار است، و زنده و پا برجاست، اسمی که درخواست کننده به آن را ناامید نمی‌کنی سوگند می‌دهم! و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرستی، و در فرج منتقمی که انتقام تو را از دشمنانت می‌گیرد، تعجیل کنی، و به وعده‌ای که به او داده‌ای وفا نمایی، ای صاحب جلال و اکرام.

او دعا می‌کرد و من گوش می‌دادم، دعای حضرتش به پایان رسید، پرسیدم: آقا جان! برای چه کسی دعا می‌فرمودید؟  
فرمود:

ذلك المهدي من آل محمد علیهم السلام.

برای مهدی آل محمد علیهم السلام.

آنگاه با تعبیرات زیبا که حاکی از نهایت عشق و علاقه آن حضرت نسبت به حضرت مهدی علیه السلام است او را معرفی نمود...<sup>(۱)</sup>  
آری! جایی که امام کاظم علیه السلام دل‌باخته حضرت مهدی علیه السلام شود و این‌گونه برای حضرتش دعا نماید، آیا برای منتظران، عاشقان و دوستان حضرتش عذری برای ترک دعا باقی می‌ماند؟  
آیا می‌توانند او را دعا نکنند؟

هرگز! منتظران حضرتش، دیوارهای غفلت و بی‌خبری را که از هر

۱. بحار الأنوار: ج ۸۳ ص ۸۰ ح ۸.



طرف در زندگی تاریک دوران غیبت آنها را احاطه کرده، یکی پس از دیگری می‌شکنند. و با عشق و علاقه، از محضر درس امامان معصوم علیهم‌السلام درس دعا برای تعجیل را فرا گرفته، و برای ظهور منجی بشریت دعا می‌نمایند... که به زودی شاهد استجابت این عظیم‌ترین دعا خواهیم بود، **إن شاء الله.**

### **امام رضا علیه‌السلام، و فرمان دعا برای امام زمان علیه‌السلام**

مولای ما! با چه زبانی برای تو دعا کنیم؟ چگونه دعا کنیم؟ زمان غیبت است، دورانی که همانند اقیانوسی مواج است که طوفانهای سهمگین، امواج آن را به خروش و خشم آورده، و کشتی شکسته‌ای که افراد آن در حال غرق شدن، هستند. به همین جهت، در این زمان باید دعای غریق را خواند، و مانند کسی که امواج وحشتناک دریای طوفان زده با زندگی او دست و پنجه نرم می‌کند، دعا کرد.

آری! در این دوران تاریک غیبت، نه تنها خودمان برای ظهور امام زمان علیه‌السلام دعا کنیم، بلکه دیگران را نیز وادار نماییم، تا برای حضرتش که کشتی نجات است، و به دست با کفایت او این کشتی طوفان زده به ساحل امن و امان خواهد رسید، دعا کنند.

یونس عبدالرحمان از مولای رؤوف و مهربان ما، امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند و می‌گوید:

**أنه علیه‌السلام كان يأمر بالدعاء للحجة صاحب الزمان علیه‌السلام (۱).**

امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای حضرت حجّت  
صاحب الزمان علیه السلام امر می فرمود.

کاش همگان از این دستور فرمان می بردیم!

کاش اولین دعای خود را، دعای برای امام زمان قرار می دادیم!  
کاش همچون مولای خود امام رضا علیه السلام، غربت و تنهایی یگانه منجی  
انسانها را احساس می کردیم، و شب و روز برای نجات او دعا می کردیم.  
کاش زودتر به خود می آمدیم، و ما هم همچون یاران با وفای امامان  
هدایتگرمان، از جان و دل برای امام زمان دعا می کردیم، و بدین وسیله،  
آمادگی خود را برای یاری از حضرتش اعلام می نمودیم!

و بالاخره، کاش موفق بودیم و در مضامین عالی دعاهایی که برای  
حضرتش وارد شده، دقت می نمودیم، و آنها را در زندگی دوران غیبت،  
سرمشق خود قرار می دادیم، و این دوران تاریک این همه طولانی  
نمی شد و...

اینک برای صفای دل منتظران، و فزونی امید آن عاشقان، فرازهایی از  
دعای امام رضا علیه السلام را که دستور می فرمود برای حضرت حجّت علیه السلام  
بخوانند، گوش جان می سپاریم.

خدایا! بلاها را از ولیّ خود که خلیفه و حجّت تو برای  
مردم است... دفع کن...

خدایا! به وسیله او پریشانی مردم، و پراکندگی امور را  
برطرف ساز، ظلم و بیدادگری را به وسیله او از میان

بردار، و عدل را به وسیله او آشکار کن... یاوران او را یاری کن، و دشمنان و کسانی که در فکر خواری او هستند، خوار و ذلیل فرما...

خدایا! شهرهای خود را از لوٹ و جود آنها (ستمگران، گردنکشان، کافران و بی‌دینان شرق و غرب عالم...) پاک کن، و با نابودی آنها دل بندگانت را شفا ده...

خدایا! با دستانت با کفایت او، ما را به راه روشن، هدایت و راهنمایی کن.. و نیروی فرمان‌بری از دستورات او را به ما عطا فرما، و ما را بر پیروی او ثابت و استوار نگه دار...<sup>(۱)</sup>

و این همان دعایی است که بزرگان دین نیز، خواندن آن را - به خاطر بکار بستن - برای منتظران قدوم مبارک حضرت مهدی علیه السلام توصیه نموده‌اند.

اکنون به همراه منتظر عاشق، برای کسب فیض به محضر مولای خودمان، حضرت مهدی علیه السلام می‌شتابیم، تا در این مورد مهم نیز از حضرتش کسب تکلیف نموده و آن را بکار ببندیم.

## امام زمان علیه السلام، و فرمان دعا برای تعجیل در امر ظهور

دقت و تأمل در مضامین دعاهایی که در مورد ظهور حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، انسان را از خود بی خود می کند. اضطراب و تپش قلب او را افزایش می دهد، و با شرمندگی تمام چنین زمزمه می کند:

اگر قدر تو را دانسته بودیم	اگر عهد وفا نشکسته بودیم
دل ما خانه غمها نمی شد	غم هجران نصیب ما نمی شد
اگر شرط تو لا کرده بودیم	هر آنچه گفته بودی کرده بودیم
نمی شد روز ما، شام سیاهی	نمی شد قسمت ما این تباهی <sup>(۱)</sup>

به هر حال، باید برای همیشه، درختِ یأس و نومیدی را که با ریشه‌ای پوسیده در دل گروهی قد علم کرده، از بیخ و بُن کند، و به جای آن نهال امید، و امیدواری کاشت، و با اشک چشمان، این نهال را آبیاری نمود، و از ابرهای رحمت و بارانهای غفران یاری طلبید تا به زودی زود این درخت به ثمر نشسته و میوه دعای بیشتر و بهتر را برای تنها عزیزِ دل ما حضرت ولی عصر علیه السلام به ارمغان آورد، **إن شاء الله**.

این بار برای کسب فیض به همراه عاشق و منتظر عزیز، به پیشگاه یوسف گم گشته زهرا علیها السلام می رویم، چرا که او امام زمان ما است، و به وسیله آن حضرت به وظیفه خود آشناتر می شویم.

مولای ما امام زمان علیه السلام در یک سخن گهربار دوستان و منتظران خویش را به این امر دعوت نموده و می‌فرمایند:

أكثرُوا الدعَاء بتعجيل الفرج، فَإِنَّ ذلك فرجكم<sup>(۱)</sup>.

برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید همانا این کار برای خودتان گشایش خواهد بود.

اگر عاشق دلسوخته او، و شمع پروانه وجود او، پا از این عالم مادی و خاکی فراتر نهد، و چشم از آب و گِل این جهان برهم گذارد متوجه اسرار این کلام خواهد شد.

این سخن، کلام و سخن مولایی است مهربان، که مهر بی‌کران و دریای رأفت او، از سرچشمه رحمانیت و رحیمیت پروردگارش نشأت گرفته. او که از تحیر و تزلزل بشریت عموماً، و مظلومیت شیعیان و منتظرانش خصوصاً در غم و اندوه بسر می‌برد، و منتظر فرج الهی است؛ با این دل رنجور و غمگین، همگان را به دعا برای تعجیل در فرج و ظهور خویش دعوت می‌نماید.

نکته دیگری که در این فرمان نهفته؛ کثرت و زیادی دعاست، و این امر ممکن نیست، مگر با تکرار.

یعنی کسی که بالاترین درجات انتظار را داراست، هرگز از چشم انتظاری خسته و ملول نمی‌شود، هرگز آثار ناامیدی در دل او راه نمی‌یابد،

۱. کمال الدین: ج ۲ ص ۴۸۵.

چون او منتظر محبوب است، و هر لحظه که به یاد محبوب خود می‌افتد آتش عشق و علاقه وی، در دل او شعله می‌کشد.

بنابراین، منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دعا دست بر نمی‌دارد، او به یک دعا اکتفا نمی‌کند، بلکه در همه لحظات زندگی خویش با یاد مولایش زندگی می‌کند، و برای ظهور او دعا می‌کند، و هرگز از دعا خسته نمی‌شود.

بدیهی است که خدای مهربان آثار دعایش را در مواقعی به او نشان می‌دهد، و بدین وسیله بیشتر در عشق هجران مولایش می‌سوزد، و دعا می‌نماید.

و از طرفی، مولای او نیز آثار استجابت دعایش را گاه گاهی به او نشان می‌دهد. اینجاست که منتظران، هرگز دست از دعا بر نمی‌دارند، و همواره برای ظهور مولایشان دعا می‌کنند.

دانشمند فرزانه، عاشق دیدار منجی یگانه، صاحب کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در شرح و بیان این سخن دلنشین می‌نویسد:

با توجه به قسمت پیشین این سخن، بدون تردید منظور از فرج؛ ظهور آن حضرت است نه فرج خود مردم.

آنگاه قسمت پیشین این سخن را نقل می‌نماید که در آن، از علت غیبت و چگونگی ارتباط با امام زمان علیه السلام در دوران غیبت سؤال شده است.

وی در ادامه بیان این گفتار، قسمت آخر آن را که: «این کار، فرج و گشایش خود شما است» توضیح می‌دهد، و می‌نویسد:

در این رابطه چند احتمال است:

نخست این که، منظور فرج و ظهور خود آن حضرت است.

دوم این که، با دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می‌شود.

سوم این که، بیان اثر بسیار دعا کردن است، یعنی با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می‌گردد...<sup>(۱)</sup>

آری! خسته دلی که از درد انتظار در رنج و عذاب است، و از فراق محبوب خود می‌سوزد، می‌فهمد که مولایش چه می‌فرماید؟ و به او چه دستوری می‌دهد؟ او که لحظه‌ای نمی‌تواند از مولای خود غافل شود؛ چگونه با یک دعا و چند دعا نا‌امید می‌شود؟

او می‌داند که هر کلمه کلمه این دعاها، آرامشی بر دل پر درد مولای غریب او، و وسیله‌ای برای رفع موانع ظهور حجت خدا و ذخیره الهی علیه السلام است.

بنابراین، منتظر، تا دوران ظهور را نبیند، و چشمش به جمال نورانی مولای عزیزش حضرت مهدی علیه السلام روشن نشود، دست از دعا بر نمی‌دارد. منتظران عزیز! بیایید در این امر مقدّس، از مولای خودمان پیروی نموده و برای ظهور آن حضرت دعا نماییم و به زودی شاهد استجابت دعای همه منتظران به خصوص دعایی که حضرتش برای ظهورش می‌نماید، باشیم، ان شاء الله.

## پیروی از امام زمان علیه السلام در دعا برای ظهور

به راستی دعای کدام منتظر و عاشق حضرت مهدی علیه السلام است که در دعا برای پایان دوران غیبت، و آغاز دوران باشکوه ظهور از امام زمانش پیروی ننماید؟

آنچه مسلم است همه منتظران در این امر مقدس مولای خود را سرمشق قرار داده و در لحظات آخر دوران غیبت به شمار دعای خود افزوده، و با دعا‌های خود به ظهور نزدیک‌تر می‌شوند.

طبیعی است که بهترین دعا، دعای خود مولا است، که خود آماده حرکت برای نجات بشریت و اجرای فرمان الهی شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام که عمری را همچون افرادی که در چشمشان خار و در حلقشان استخوان بود، زیست، و در انتظار ظهور فرزندش بود، در توصیف دعای حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

گویی می‌بینم او را که در نزدیکی نجف کوفه، از وادی السلام عبور کرده، و به سوی مسجد سهله پیش می‌رود، در حالی که زره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به تن دارد و بر اسب سبز رنگی سوار است که رنگش سبز متمایل به مشکی است، و در پاهای آن سفیدی درخشنده‌ای هست که برق می‌زند و پیشانی سفیدی دارد که همگان برق آن را می‌بینند، و مردمان هر شهری چنان فکر



می‌کنند که او - حضرت مهدی علیه السلام - در شهر آنها و در میان آنها هست، او دعا می‌خواند و می‌گوید:  
 لا إله إلا الله حقاً، لا إله إلا الله إيماناً وتصديقاً، لا إله إلا الله عبودية ورقاً.

بار خدایا! ای عزت بخش هر مؤمن غریب! و ای خوار کننده هر ستمگر عنود! هنگامی که راهنما به رویم بسته باشد، و زمین به این همه فراخی برایم تنگ باشد، تو پناه منی.

بار خدایا! تو مرا آفریدی، و از آفرینش من بی‌نیاز بودی، اگر مرا یاری نکنی، از شکست خوردگان خواهم بود.

ای پخش‌کننده رحمت از محلهای آن!  
 و ای بیرون آورنده برکتها از معدن‌های آن!  
 ای خداوندی که قلّه رفیع عظمت را به خود اختصاص داده‌ای و دوستانت به عزت تو عزیزند.

ای خداوندی که پادشاهان به عظمت تو سر فرود آورده‌اند، و تو داغ ذلت بر گردن آنها نهاده‌ای، و آنها از شکوه تو بیمناکند. از تو می‌خواهم به آن نام مقدّست که جهان آفرینش را با آن نام مقدّس آفریده‌ای و همه در برابرت سر تعظیم فرود آورده‌اند.

از تو می‌خواهم که صلوات بی‌پایان خود را بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام نازل فرمایی، و امر خود را در حق من تحقق بخشی و فرج من را نزدیک گردانی، مرا کفایت کنی و عافیت بخشی، و حاجت‌های مرا برآورده سازی، الآن، همین الآن، امشب، آری! همین امشب، که توبه هر چیزی توانا هستی<sup>(۱)</sup>.

آری! این دعایی است که در آن لحظات حسّاس از لبان مبارک منجی عالم بشریت، امام زمان علیه‌السلام جاری می‌شود، و آنگاه خدای مهربان آن را می‌پذیرد و بدین وسیله به وعده تخلف‌ناپذیر خود، یعنی ظهور نور عمل نموده و آن را در سراسر گیتی می‌گستراند و جهان را با نور حجّت خود، روشن و منور می‌سازد.

هم‌اکنون با همسفر عزیز، که از آغاز این سفر معنوی با ما همراه بود و شاهد رویدادهای گوناگون جامعه بشری، در قبال جلوه‌های نورانی الهی بود، دوران تاریک غیبت و هجران را پشت سر گذاشته، و به استقبال دوران شکوهمند ظهور نور می‌رویم.

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۱، به نقل از روزگار رهایی: ج ۱ ص ۴۷۲ و ۴۷۳.



---

بخش هفتم

## ظهور نور

ندای آسمانی؛

کعبه؛ و ظهور نور؛

اجتماع یاران؛

اولین سخنرانی نور و دعوت از مردم؛

آغاز نبرد رهایی بخش؛

سقوط و تسلیم کشورها، و فتح و پیروزی نور؛

جهان در سیطره نور؛

جهان نور در نور؛

جهان در زیر سایه پرچم نورانی حضرت مهدی علیه السلام

استقرار کامل عدالت جهانی؛

رفاه همگانی و آبادی جهان؛

گسترش، و کمال علم و دانش؛

امنیت و آرامش جهانی؛



---

## ندای آسمانی

جهان در تاریکی فرو رفته، انسانها از مشکلات، غمها، اندوهها، خسته شده‌اند، ظلم و ستم بی‌داد می‌کند، ظالمان و ستمگران ظلم را به نهایت رسانده‌اند. بلا یای آسمانی و زمینی، کمبودها، خشک‌سالیها، همه و همه، انسانِ مغرورِ آخر الزمان را از پای در آورده، گاهی نگران است، گاهی به خود امید می‌دهد.

مردمان از هر ملت و مکتبی، هنوز امیدشان قطع نشده، هنوز امید دارند که آفریدگار برای چنین روزی مصلحی جهانی ذخیره کرده، او خواهد آمد و او می‌آید...

همه عوالم هستی برای تحقق وعده تخلف ناپذیر الهی آماده شده‌اند، مشیت الهی تعلق گرفته که به آخرین ذخیره خویش، یعنی مهدی موعود علیه السلام اذن ظهور بدهد. او نیز خود منتظر اذن الهی است و برای نجات کشتی طوفان زده بشریت، لحظه شماری می‌نماید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیف چنین روز حساس و دیدنی می‌فرماید:

إذ نادى مناد من السماء: إن الحق في آل محمد، فعند ذلك يظهر المهدي على أفواه الناس، يشربون ذكره، فلا يكون لهم ذكر غيره<sup>(۱)</sup>.

هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد: حق با آل محمد علیهم‌السلام است، نام مقدّس مهدی علیه‌السلام بر سر زبانها می‌افتد، و محبّت او در دلها جای گیرد، و کاری جز یاد او نخواهند داشت.

همه مردم از ظهور منجی بشریت تا حدودی باخبر می‌شوند، ولی هنوز مات و مبهوت هستند، چه خبر است؟ چه شده؟  
 اما منتظران و آنهایی که با امام زمانشان آشنا بوده و ارتباط دارند، تا اندازه‌ای از رویدادهای زمان ظهور نور آگاه هستند. آنها به دنبال ندای آسمانی، امید و مقصودشان را در کنار خانه خدا، کعبه جستجو می‌کنند، و چشم امید به سوی مکه مکرمه دوخته‌اند.  
 ما نیز برای درک آن لحظات حسّاس، با سیر معنوی به طرف خانه خدا حرکت می‌کنیم، تا از نزدیک با چشم دل، نظاره گر آن لحظات به یاد ماندنی و دیدنی باشیم.

### کعبه؛ و ظهور نور

خانه خدا، از حجّت خدا پذیرایی می‌کند، مهدی موعود علیه‌السلام مکه مکرمه را با وجود خود، غرق در نور کرده و آماده ظهور و اجرای فرمان الهی است، می‌خواهد به اراده و مشیّت الهی جهان را پر از عدل و داد کند، و به همه ستمها و ظلمها ... پایان دهد.

امام صادق علیه‌السلام لحظه ظهور حجّت خدا علیه‌السلام را چنین ترسیم می‌نماید:  
 یظهر وحده، ویأتی البیت وحده، ویلج الکعبه وحده، ویجنّ

الليل عليه وحده ، فإذا نامت العيون وغسق الليل نزل إليه  
جبرائيل و ميكائيل والملائكة صفوفاً .

فيقول جبرائيل : يا سيدي اقولك مقبول و أمرك جائز ...

فيمسح يده على وجهه ويقول :

﴿ الحمد لله الذي صدقنا وعده ، وأورثنا الأرض نتبواً من الجنة  
حيث نشاء فنعم أجر العاملين ﴾ .

ثم يقف بين الركن والمقام ، فيصرخ قائلاً :

يا معاشر نقبائي ، وأهل خاصتي ، ومن ذخرهم الله لنصرتي قبل  
ظهوري على وجه الأرض ! إئتوني طائعين .

فترد الصيحة عليهم وهم في محاربيهم وعلى فرشهم في شرق  
الأرض وغربها ، فيسمعونه في صيحة واحدة في أذن كل رجل ،  
فيجيئون نحوها ، ولا يمضي إلا كلمحة بصر حتى يكونوا كلهم بين  
يديه ، ويكون هذا قبيل طلوع الشمس<sup>(۱)</sup> .

به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی به مسجد الحرام  
می آید، به تنهایی وارد کعبه می شود، در حال تنهایی  
شب را سپری می کند، چون پاسی از شب گذشت و  
چشمها در خواب فرو رفت، جبرئیل و میکائیل و  
فرشتگان در حالی که صف کشیده اند، بر او فرود  
می آیند.

جبرئیل می‌گوید: ای سرور من! فرمان تو مطاع و امر تو نافذ است...

امام علیه السلام دستش را به صورت او می‌کشد و این آیه را تلاوت می‌فرماید:

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَنَّا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴾ (۱).

حمد و سپاس خدایی را که وعده‌اش را در حق ما تحقق بخشید و ما را وارث زمین قرار داد تا از بهشت هر کجا که بخواهیم مسکن گزینیم که پاداش عمل‌کنندگان چقدر نیکوست!

آنگاه در میان رکن و مقام می‌ایستد و با صدای بلند بانگ برمی‌آورد:

ای یاران و نزدیکان من! ای کسانی که خداوند شما را پیش از ظهور من، برای یاری من در روی زمین مهیا فرموده است! در حالی که فرمان می‌برید به سوی من بشتابید.

آنها که در شرق و غرب جهان در محراب و یا در رختخواب خود هستند، صدای دلنشین امام علیه السلام را

می شنوند. یک بار صدا به گوش همه آنها می رسد، و همگی به سوی او می شتابند، چیزی نمی گذرد مگر به مقدار یک چشم به هم زدن، که همگی در نزد آن حضرت، حاضر می شوند، و این اجتماع پر شکوه، اندکی پیش از طلوع خورشید اتفاق می افتد.

آری! هیچ جای شگفت نیست که با این سرعت یاران با وفای آن حضرت، گرد وجود شمع او پروانه وار حلقه می زنند، آنان کسانی هستند که در لحظه لحظه زندگی خود همچون عاشقان واله و شیدا، در انتظار چنین روزی بسر می بردند و برای آن لحظه شماری می کردند، اینک که دوران هجران بسر آمده و صدای دلنشین مولا گوش آنها را نوازش داده، بدون هیچ درنگی به سوی کعبه دلها حرکت می کنند.

چه خوب است ما هم از خدای مهربان بخواهیم که:

ای خدای مهربان! حال که به ما توفیق داده‌ای با توصیف آن لحظات شیرین ظهور نور، به یاد مولای خود باشیم، از تو می خواهیم از فضل و کرمات ما را نیز از یاران مخلص آن حضرت قرار دهی.

اینک خودمان را در کنار یاران با وفای آن حضرت احساس می کنیم، تا با چشم دل نظاره گر لحظات دیدنی بیعت آنها با مولای مهربانشان حضرت مهدی عج باشیم.



## اجتماع یاران

یاران امام زمان علیه السلام با شنیدن فرمان مولای مهربانشان با سرعت تمام خود را به محضر آن عزیز می‌رسانند، و در گرداگرد شمع وجود او حلقه می‌زنند، آنگاه اولین کسی که با او بیعت می‌نماید جبرئیل امین است، او می‌گوید:

أنا أول من يبایعك، أبسط يدك، فيمسح علي يده<sup>(۱)</sup>.

من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم، دستت را بده.

پس دست خود را به دست مبارک آن حضرت می‌کشد.

آنگاه یاران امام علیه السلام که ۳۱۳ تن به تعداد یاران پیامبر رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در جنگ بدر بودند، دست بیعت و پیمان به او می‌دهند.

امیر مؤمنان علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه السلام چنین می‌فرماید:

يبایعون علي أن لا يسرفوا، ولا يزنوا، ولا يستبوا مسلماً، ولا

يقتلوا محرماً، ولا يهتكوا حرماً محرماً، ولا يهجموا منزلاً، ولا

يضربوا أحداً إلا بالحق، ولا يکنزوا ذهباً ولا فضةً ولا برّاً ولا

شعيراً، ولا يأكلوا مال الیتیم، ولا يشهدوا بما يعلمون ...

.. با او بیعت می‌کنند که هرگز:

دزدی نکنند؛

زنا نکنند؛

مسلمانی را دشنام ندهند؛

خون کسی را به ناحق نریزند؛

به آبروی کسی لطمه نزنند؛

به خانه کسی هجوم ببرند؛

کسی را به ناحق نزنند؛

طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛

مال یتیم را نخورند؛

در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛

مسجدی را خراب نکنند؛

مشروب نخورند؛

حریر و خز نپوشند؛

در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛

راه را بر کسی نبندند؛

راه را نا امن نکنند؛

از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛

خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛

به کم قناعت کنند؛

طرفدار پاکی باشند؛

از پلیدی گریزان باشند؛

به نیکی فرمان دهند؛

از زشتیها بازدارند؛

جامه‌های خشن بپوشند؛

خاک را متکای خود سازند؛

در راه خدا، حقّ جهاد را ادا کنند؛

و...

او نیز در حقّ خود تعهد می‌کند که:

از راه آنها برود؛

جامه‌ای مثل جامهٔ آنها بپوشد؛

مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛

آنچنان که آنها می‌خواهند باشد؛

به کم راضی و قانع باشد؛

زمین را به یاری خدا، پراز عدل و داد کند آن چنان که

پراز جور و ستم شده است؛

خدا را آن چنان که شایسته است بپرستد؛

برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند؛

و...<sup>(۱)</sup>

آری! اینان صالحان و شایستگی‌ها هستند که عمری در هجران ابا صالح المهدی علیه السلام سوختند و ساختند، و خود را در اثر ارتباط با امام زمان و حجت خدا، به صفات و فضایل برجسته انسانی آراستند، تا در کنار گل همیشه بهار، یعنی گل نرجس، حضرت مهدی علیه السلام، جهان تاریک و ویران شده از ظلم و ستم را در سایه عدل و داد گسترده آن حجت خدا، به جهانی روشن و آباد تبدیل نمایند.

آفرین بر چنین انسانها! و مرحبا بر پیروان و دوستان این شمعهای فروزان عشق و ولایت امام زمان علیه السلام!

اینک به همراه یاران با وفای آن حضرت در مسجد الحرام حضور بهم می‌رسانیم، تا شاهد این رخداد عظیم الهی بوده، و به اولین سخنرانی مولای خود امام زمان علیه السلام گوش جان می‌سپاریم.

### اولین سخنرانی نور؛ و دعوت از مردم

حجت خدا، آماده نجات بشریت است، او سالهای سال است که به فرمان الهی صبر کرده و شاهد ظلم ظالمان، و مظلومیت مظلومان بوده، اکنون خدای متعال اذن ظهور داده تا با دست با کفایت خود به همه ظلمها، ستمها، و بی‌عدالتیها... پایان دهد؛

به همین جهت، در حضور یاران خود در مکه معظمه، در کنار کعبه - که خواستگاه همه پیامبران است - حاضر شده، و در پی اجرای فرمان الهی است.

امام باقر علیه السلام در توصیف آن لحظات حساس، چنین می‌فرماید:

به خدا سوگند! گویی می بینم او را که به «حجرالاسود»  
تکیه داده، می گوید:

ای مردم! ما از همه مردمان، علیه کسانی که به ما ستم  
کردند و حق ما را غصب نمودند، یاری می خواهیم.

ما اهل بیت پیامبر شما حضرت محمد ﷺ هستیم، و ما  
نزدیکترین مردمان به او هستیم، هرکس با ما در مورد  
خدا حاجّه کند، ما از همه به او نزدیکتریم.

هرکس در مورد آدم ﷺ حاجّه کند، ما از همه به او  
نزدیکتریم.

هرکس در مورد نوح ﷺ حاجّه کند، ما از همه به او  
نزدیکتریم.

هرکس در مورد ابراهیم حاجّه کند، ما از همه به او  
نزدیکتریم.

هرکس در مورد محمد ﷺ با ما حاجّه کند، ما از همه  
به او نزدیکتریم.

هرکس در مورد پیامبران الهی با ما حاجّه کند، ما از  
همه به آنها نزدیکتریم.

هرکس در مورد کتاب خدا، با ما حاجّه کند، ما به کتاب  
خدا از همه نزدیکتریم.

مگر نه این است که قرآن کریم در آیات محکم قرآنش  
می فرماید:

﴿ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى

الْعَالَمِينَ \* ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ (۱).

اِخْتِذَا وَنُوحًا وَعِيسَىٰ وَمَنْ مَعَهُمْ اِيْمَانًا وَعِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الَّذِي عَلَّمْنَاهُ الْبُرْهَانَ وَنُوحًا الَّذِي عَلَّمْنَاهُ الْوَسْطَانَ وَآلَ عِمْرَانَ الَّذِي عَلَّمْنَاهُ الْبُرْهَانَ وَآلَ عِمْرَانَ الَّذِي عَلَّمْنَاهُ الْوَسْطَانَ

بر جهانیان برگزید، ذریه‌ای است که بعضی از آنها از

بعضی دیگر است، و خدا شنوا و داناست].

من بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و عصاره

و از تبار محمد ﷺ هستم.

آگاه باشید! که هرکس در مورد سنت پیامبر ﷺ با من

مواجه کند، من برای (احیا و اجرای) سنت پیامبر ﷺ

از همه شایسته‌ترم.

پس شما را به خدا سوگند می‌دهم! که هرکس امروز

گفتار مرا می‌شنود به آنان که امروز حضور ندارند،

برساند.

شما را سوگند می‌دهم به حق خدا و حق رسول خدا و

حق من - که حق ذوی القربی (خویشاوندی با رسول

اکرم ﷺ) بر گردن شما دارم - ما را یاری کنید، و در

برابر ستمگران از ما حمایت کنید. که ما مورد وحشت

و ستم قرار گرفتیم، از دیار و فرزندان خود دور

افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند، و اهل باطل به ما افترا بستند.

از خدا بترسید در حقّ ما، ما را خوار نسازید، ما را یاری کنید که خداوند شما را یاری کند، ما امروز از هر مسلمانی یاری می‌طلبیم.

آنگاه مردم را به سوی قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، دعوت می‌کند. عهد و پیمان پیامبر ﷺ نیز همراه او خواهد بود.

آنگاه مردی برمی‌خیزد و خطاب به مردم می‌گوید: ای مردم! این خواسته و آرزوی دیرینه شماست، به سوی شما آمده و شما را به چیزی که رسول اکرم ﷺ دعوت می‌کرد، فرامی‌خواند.

آنگاه حضرت بقیّة الله ﷺ بلند می‌شود و می‌فرماید: من پسر پیامبر شما هستم. شما را به چیزی فرا می‌خوانم که پیامبر خدا ﷺ شما را به سوی آن فرا می‌خواند<sup>(۱)</sup>.

ما نمی‌دانیم در این لحظات تاریخی و به یاد ماندنی، مردم چه حال و هوایی دارند، ولی حال منتظران و عاشقانی که سالهای سال منتظر فرا

۱. روزگار رهایی: ج ۱ ص ۴۸۳ و ۴۸۴، با اندکی تغییر.

رسیدن همچون روز، و همچون لحظات حساس بودند، معلوم است، آنان از جان و دل به فرمان مولایشان لَبَّیک گفته و با جان و مال و هستی خود، گوش به فرمان آن حجت خدا خواهند بود، تا در رکاب همایونی حضرتش جهان را از زیر ستم ستمگران و گردنکشان رها کرده، و از آن صالحان و شایستگان بندگان خدا قرار دهند.

به هر حال، جهانی که عمری زیر نفوذ ستمگران و انسانهای ناپاک و حکومت‌های فرعون‌ی بسر برده، و این سرزمین الهی که در اوّل خلقتش در زمان آدم ابوالبشر علیه السلام از عدل و صفا سبز و خرم بوده، اینک با گذشت قرنهای زیادی از ظلم و ستم، فساد و جنایت، علفهای هرزه، صفا و خرمی آن را گرفته و به صحرای خشک و سوزان و حشتناک تبدیل نموده است، چاره‌ای نیست که یاران حجت خدا علیه السلام تحت فرمان آن فرمانده همیشه پیروز، نبرد جانانه و رهایی بخش را آغاز نموده، و با داسهای تیز و برّان جهان را از آن علفهای هرزه پاک نمایند.

هم‌اکنون با آرزوی فرا رسیدن آن روز مبارک، به تصویر گوشه‌ای از خصلت‌های حماسه‌سازان و یاران امام زمان علیه السلام در آزادی جهان، نگاه می‌کنیم.



## آغاز نبرد رهایی بخش

با آغاز ظهور منجی عالم، که همه بشریت از ظالم و مظلوم در انتظار چنین روزی بسر می‌بردند، تحوّل عظیمی در جهان رخ می‌دهد، دنیا از اول خلقت تا حال شاهد چنین تحوّل و دگرگونی نبوده است.

سپاه پیروزمند آن حضرت آماده نبرد رهایی بخش هستند، دشمنان و ستمگران نیز خود را برای مقابله با این حجّت الهی آماده می‌کنند، و از هر سو می‌خواهند به طرف سپاهیان آن حضرت هجوم آورند؛ ولی رعب و وحشت عجیبی در دل دشمنان جای می‌گیرد، تا جایی که از ترس در صدد مخالفت و مقاومت بر نمی‌آیند.

او با تأیید الهی نبرد رهایی بخش خود را آغاز می‌نماید، امام صادق علیه السلام در توصیف لشکریان پیروز آن حضرت می‌فرماید:

يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ، وَبِالْمُؤْمِنِينَ، وَبِالرَّعْبِ<sup>(۱)</sup>.

خدای او را با سه لشکر تأیید می‌نماید:

۱- فرشتگان

۲- مؤمنان

۳- رعب (که در دل دشمنان ایجاد می‌کند).

سپاه پیروزمند آن یگانه منجی عالم، در هیچ برخوردی شکست نمی خورد، در حدیثی که یاران حضرت را توصیف می کند، می خوانیم:

قوم لم یمنوا علی الله بالصبر، ولم یستعظموا بذل أنفسهم فی الحق، حتی إذا وافی وارد القضاء وانقطاع الرجاء جَلَوْا بصائرهم عن أسیافهم، ودانوا لربهم بأمر واعظهم، کلّهم لیوث قد خرجوا من عاباتهم، لو أنهم هموا بإزالة الجبال لأزالوها من مواضعها! فهم الذین وحدوا الله حق توحیده. لهم فی اللیل أصوات كأصوات الثواکل حزناً من خشية الله، قواماً باللیل صوام بالنهار، كأنما دأبهم دأب واحد، قلوبهم مجتمعة بالمحبة والنصيحة<sup>(۱)</sup>.

آنها قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود، بر خدا منت نمی نهند، و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی شمارند، هنگامی که حادثه ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید، دیده هایشان را از برق شمشیر جلوه می دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می جویند.

آنها همگی شیرهای ژیانی هستند که از جنگلهای خود بیرون آمده اند، اگر اراده کننده که کوهها را از جای خود برکنند، بی تردید انجام می دهند!

آنها به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند، برای آنها در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران جوان مرده که شب زنده‌داران در دل شب، و روزه‌داران در طول روز هستند.

گویی اخلاق و آداب آنها یکی است، دلهای آنها بر محبت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است.

اینان یاران با وفای امام زمان علیه السلام هستند که این چنین خود را برای یاری مولای خودشان آماده کرده‌اند، تا تحت فرماندهی حضرت ولی عصر علیه السلام جهان را از لوٹ و جود ستمگران و جباران و گردنکشان پاک نموده و با تشکیل حکومت واحد جهانی دولت الزهراء علیها السلام، زمین را از آن بندگان صالح و شایسته خدا قرار دهند.

اینک با چشم دل، به صحنه‌هایی از رزم آفرینی و فتح و پیروزی آن سپاه سرافراز منی نگریم.

### سقوط و تسلیم کشورها؛ و فتح و پیروزی نور

سپاه پیروزمند آن منجی عالم در هیچ برخوردی شکست نمی‌خورد، به هر کشوری روی آورند یا تسلیم می‌شود، و یا پیروزمندانه آن کشور را فتح می‌نمایند.

خبر فتح و پیروزی لشکریان سرافراز موعود ملتها، در سراسر گیتی طنین انداز می‌شود، مظلومان و ستمدیدگان از این خبر مسرت‌بخش

خوشحال می شوند، ستمگران و ستم‌پیشگان به وحشت افتاده و لرزه بر اندامشان می افتد.

اکنون چگونگی فتح و پیروزی این لشکر مصمم و جان برکف را بررسی می‌نماییم، نویسنده کتاب «یوم الخلاص» در این زمینه، می‌نویسد: «فرمانده این سپاه پیروز، یعنی حضرت مهدی علیه السلام به هنگام سخنرانی پر شوری که در اثنای بیعت در مکه معظمه ایراد می‌فرماید، و در آن برنامه‌های کلی دولت کریمه حق را بیان می‌نماید؛ یک دگرگونی فکری و تغییر عقیدتی در مغز مردم ایجاد می‌شود که هزاران نفر در اثنای همین سخنرانی به سپاه حضرتش ملحق می‌شوند.

حضرت با لشکری مجهز و نیرومند که تعداد آنها بالغ بر ده‌هزار نفر است مکه را به قصد مدینه ترک می‌نماید. و در مدت دو ماه، بین مکه، مدینه، بیت المقدس، شام و کوفه را تسخیر می‌کند.

همه عرب خواه ناخواه در برابرش تسلیم می‌شوند، و همه افراد با ایمان، زیر پرچم او قرار می‌گیرند، و سپاه نیرومندی را تشکیل می‌دهند، و اقلیت ناچیزی که پس از شناخت حق، در برابر او صف‌آرایی می‌کنند، از بین می‌روند.

از طرف دیگر، وجدان جهانی بیدار می‌شود، و مردم شرق و غرب از تجربه‌های تلخی که از جنگ‌های بین‌المللی آموخته‌اند، و در اثر فشارهایی که ستمگران در حق آنها روا داشته‌اند، از خواب گران بیدار شده، و تشنه عدالت و آزادی می‌شوند، و در به در به دنبال پیشوایی می‌گردند که آزادی

را برای آنها به ارمغان بیاورد»<sup>(۱)</sup>.

در آن زمان، بسیاری از جمعیت دنیا را ملت یهود و نصارا تشکیل می‌دهند، آنها طبق پیشگوییهای کتابهای مقدس خود یعنی «تورات» و «انجیل» در انتظار ظهور و یا بازگشت حضرت مسیح هستند، هم‌اکنون که خبر ظهور موعود ملتها در جهان طنین انداز شده چه خواهند کرد؟  
امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن گفتاری چگونگی تسلیم شدن مسیحیان را چنین بیان می‌فرماید:

... آنگاه مهدی علیه السلام به بیت المقدس باز می‌گردد، و چند روزی با مردم نماز می‌خواند، روز جمعه فرا می‌رسد و نماز برپا می‌گردد، در این هنگام عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید، ... او مردی زیبا و خوش اندام، و شبیه‌ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است، به سوی مهدی علیه السلام می‌آید و با او مصافحه می‌کند، و به او نوید پیروزی می‌دهد.

آن وقت حضرت مهدی علیه السلام به او می‌فرماید: ای روح الله! جلو بایست و با مردم نماز بخوان.

حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: ای فرزند پیامبر! نماز برای تو برپا شده.

۱. روزگار رهایی: ج ۱ ص ۴۳۸، با اندکی تصرف.

در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام اذان می گوید و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می خواند<sup>(۱)</sup>.

اینجاست که همه مسیحیان که منتظر آمدن حضرت عیسی علیه السلام بودند با دیدن این منظره، و شنیدن این خبر، همگی سر تسلیم به فرمان حجّت خدا یوسف زهرا علیها السلام نهاده و به لشکریان وی ملحق می شوند.

یهودیان نیز که منتظر بازگشت حضرت عیسی علیه السلام بودند خبر ظهور منجی بشریت را می شنوند، آنان نسخه تحریف نشده تورات را به عنوان معجزه از حضرتش خواسته و تسلیم می شوند.

در گفتاری از معصومین علیهم السلام در این زمینه می خوانیم:

حضرت مهدی علیه السلام سپاهی را برای نبرد با رومیان گسیل می دارد، و ده نفر از فرماندهان خود را با آنها می فرستد که تابوت سکینه را - که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده بود - از غار انطاکیه - (در جنوب شرقی ترکیه) - بیرون می آورد، توراتی که بر موسی علیه السلام فرود آمده و انجیلی که بر عیسی علیه السلام نازل شده در همان غار است، و یهود را با تورات و مسیحیان را با انجیل محاکمه می نماید، و آنها همه اسلام می آورند<sup>(۲)</sup>.

۱. الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۰۲.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۳۵۱، به نقل از روزگار رهایی: ج ۱ ص ۴۵۱.

و بدین وسیله دو ملت بزرگ تسلیم فرمان یگانه فرمانده الهی شده، و فرمان بردار آن وجود نازنین می‌شوند.

آری! با نبرد رهایی بخش، همه گردنکشان، ستمگران و منافقان به هلاکت رسیده و زمین از لوٹ و جود آنان پاک، و مظلومان از دست آنها رها می‌شوند، این نبرد سرنوشت ساز که هشت ماه به طول می‌انجامد موجب خشنودی حضرت حق قرار می‌گیرد.

در سخنی زیبا از امامان معصوم علیهم‌السلام که مدت این جنگ سرنوشت جهانی را توصیف می‌نماید، می‌خوانیم:

يجزّذ السيف على عاتقه ثمانية أشهر هرجاً حتى يرضى الله <sup>(۱)</sup>.

هشت ماه تمام، شمشیر بر دوش نهاده، (دشمنان خدا را) می‌کشد تا خدا خشنود گردد.

آری! او رحمت خدا برای بندگان مؤمن خدا، و نعمت برای ستمگران و ظالمان است. او با تأیید خدا، جهانی که قرن‌ها زیر ظلم و ستم، فساد و فحشای جبّاران و گردنکشان و خونخواران تبدیل به ویرانه‌ای شده بود و انسانهای ستم‌دیده و مظلوم از ظلم و بیداد می‌سوختند و می‌ساختند، اکنون به دست با کفایت آخرین امید منتظران و منتقم مظلومان، حضرت امام زمان علیه‌السلام، در اثر هشت ماه جنگ سرنوشت ساز به جهانی آباد و نورانی تبدیل می‌شود. و جهان هستی چهره حقیقی خود را به انسانها و بندگان خدا نشان می‌دهد.

و بدینسان آن نور پر فروغ الهی می درخشد، و جهان را غرق نور می کند، اینک به همراه منتظر خسته دل که عمری در انتظار چنین روزگار با شکوهی بوده به گوشه‌ای از آن جهان نورانی می نگریم.

### جهان در سیطره نور

دیدیم که سپاه سرافراز نور، چگونه تحت فرماندهی آخرین ذخیره خدا، حضرت بقیة الله الأعظم روحی فداء، جهان را فتح، و از دست مشرکان و ظالمان و منافقان رها نمودند؟!

یاران و سپاهیان آن حضرت، پس از تصرف کامل جهان، به پاکسازی آن مشغول می شوند، و در تمام دنیا، دین حق ظاهر و آشکار می گردد، و جهان از لوٹ و جود کافران، مشرکان و منافقان پاک می گردد.

در آن روز است که کافران از دست انتقام الهی رهایی نخواهند داشت، و به هر کجا پناه ببرند پناهگاهی نخواهند یافت، تا جایی که جمادات نیز با سپاهیان نور همکاری خواهند نمود.

خدای مهربان می فرماید:

﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ (۱).

او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، گرچه مشرکان خوش ندارند.

۱. سوره توبه آیه ۳۲، و سوره فتح آیه ۲۸.



امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

والله! ما نزل تأويلها بعد، ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم عليه السلام،  
 فإذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم، ولا مشرك بالإمام الأكره  
 خروجه، حتى لو كان كافر أو مشرك في بطن صخرة لقالت: يا  
 مؤمن! في بطني كافر، فاكسرنى واقتله<sup>(۱)</sup>.

به خدا سوگوگند! این آیه تحقق نیافته و تحقق نمی‌یابد تا  
 روزی که قائم علیه السلام ظهور کند. چون او ظهور کند هیچ  
 کافر به خدای بزرگ، و یا مشرک به امام نمی‌ماند جز  
 آن که ظهور او را دوست نخواهد داشت؛ زیرا اگر کافر  
 و یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ خواهد گفت:  
 ای مؤمن! در دل من کافری هست، مرا بشکن، و او را به  
 قتل برسان.

گویا همه موجودات از دست ستم ستمگران، کفار و منافقان خسته  
 شده‌اند، و دیگر تحمل آنها را ندارند.

راستی که قلم و بیان از توصیف آن لحظات دیدنی و حسّاس ناتوان  
 است! چه باید کرد؟

این بار نیز مثل همیشه به محضر امامان عزیز و مهربانان می‌شتابیم، و  
 برای کسب فیض و افزایش معرفت و شناخت در حضور آن بزرگواران  
 زانوی ادب به زمین زده، و گوش جان به سخنان دلنشین آنها می‌سپاریم.

پدر بزرگوار آخرین حجّت خدا، امام حسن عسکری علیه السلام در سخنی زیبا، لحظات ظهور و فتح و سیطره جهان را به فرزند عزیزش چنین توصیف می نماید:

فرزندم! گویی تو را می بینم هنگامی که نصرت خدا بر تو نازل شده، و فرج هموار شده، و شکوه و عظمت تو اوج گرفته، پرچمهای سفید و زردی بالای سرت به هنگام گردش تو بین حطیم (میان رکن و مقام) و زمزم به اهتزاز درآمده.

دستها پیاپی به عنوان بیعت به سوی تو دراز می شود و دوستان یکی پس از دیگری با تو مصادف می شوند و کارها و گامها با نظم خاصی در ضمن پیامهای مکرر پیموده می شود، و دستها در کنار حجرالأسود به آستانت سوده می شود.

از سوی گروهی که خداوند آنها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشت، پاک و پاکیزه نموده است، دلهای آنها از آلودگی نفاق پیراسته، قلبهای آنها از تیرگی اختلاف پاکیزه، روح و روانشان برای پذیرش احکام دین آماده، مشت‌هایشان در برابر تجاوزگران گره کرده، چهره‌هایشان برای پذیرش حق گشاده، دیدگان‌شان از فضل خدا خیره کننده، به آیین حق

گرویده و در راه اهل حق گام سپرده‌اند.

چون شالوده کارشان استوار شود و پایه‌های دعوتشان محکم گردد، با دستگیری آنها همه طبقات مردم، از هر تیره و نژادی به بیعت تو می‌شتابند، و در زیر درختان سر به فلک کشیده باغی که شاخه‌های درختانش روی دریاچه طبریّه (در شمال فلسطین) سایه انداخته، دست بیعت به تو می‌دهند.

در این هنگام، فجر دولت حق می‌دمد، و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می‌شود.

خداوند با دست تو کمر ستمگران را می‌شکند.

شعائر دین را منتشر می‌گرداند.

آفاق جهان را روشن می‌سازد.

آرامش و صلح را از کران تا کران برقرار می‌کند.

کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می‌کند که بتواند به سوی تو بشتابد.

وحشیان صحرا آرزو می‌کنند که بتوانند به سوییت راهی بیابند.

اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می‌شود، چهره دنیا

خندان، و قلّه‌های شرف و عظمت، از تو شاداب و خرامان می‌گردد.

شالوده حق استوار می‌گردد و فراریهای احکام دین به  
آشیانه‌های خود بازمی‌گردد.

ابره‌های پیروزی، باران نصرت را سیل آسا بر تو فرو  
می‌ریزند.

دشمنانت خوار و زبون، و دوستانت عزیز و پیروز  
می‌شوند.

در روی زمین از ستمگران جنایتگر و منکران طغیانگر  
و دشمنان تجاوزگر و مخالفان عنادگر، احدی باقی  
نمی‌ماند: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ  
جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾<sup>(۱)</sup>.

هرکس به خدا توکل کند، خداوند او را بس است،  
خداوند امر خود را به پایان می‌رساند، که خداوند برای  
هر چیز اندازه‌ای مقرر نموده است<sup>(۲)</sup>.

آری! کدام سخن پرداز است که شکوه و عظمت آن روز را ترسیم  
نماید؟ جز اهل بیت پیامبر ﷺ که با بیانی زیبا و تعبیرهای شیوا و با معانی  
بلند و والا توصیف نموده، و منتظران آن روزگار با عظمت را به تلاش  
بیشتر برای دعا به ظهور حضرت مهدی ﷺ فرا خوانند.

اینک با امید به این که به زودی زود، شاهد فرارسیدن آن روزگار

۱. سوره طلاق آیه ۳.

۲. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵، به نقل از روزگار رهایی: ج ۱ ص ۵۳۰ و ۵۳۱.

فرخنده و وصف‌ناپذیر باشیم، و خدای مٓان چشمان ما را به جمال دلربای یوسف زهرا علیها السلام منور گرداند، به سراغ آخرین موضوع این بخش می‌رویم.

### جهان نور در نور

سرانجام خدای مهربان به وعده خود تحقق بخشید. با طلوع آفتاب جهانتاب، انتظار همه منتظران به پایان رسید، و با ظهور آن نور پر فروغ جهان دگرگون شد، آفتاب و مهتاب در مقابل نور او سر به زیر انداختند که:

﴿ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا ﴾<sup>(۱)</sup>.

زمین به نور پروردگارش روشن گشت.

انسانهای آن روز به انسانهای همه ادوار آفرینش، فخر و مباهات می‌نمایند، آنان دارای کمالی فوق العاده هستند، و در سایه مولای خویش حضرت مهدی علیه السلام به پرستش و عبادت معبود خویش مشغول‌اند، عبادتی که برخواسته از شناخت و معرفت آفریدگار، و علت غایی آفرینش بوده است.

آنان در بهترین زمان زندگی می‌کنند، و از برترین نعمتهای الهی برخوردار هستند، آنان وارثان به حق زمین، و بهترین بندگان حضرت حق هستند، آنان مؤمنان به غیب و برپای دارندگان نماز و پردازندگان زکات‌اند.

آری! قلم از توصیف آن روزگار شکوهمند عاجز، و افکار از درک آن ناتوان است که:

لا عینَ رأت ولا أذنَ سمعت<sup>(۱)</sup>.

نه چشمی آن را دیده، و نه گوش‌ی وصف کامل آن را شنیده.

از این رو، برای این که شناختی - ولو اندک و درخور فهم خود - از آن روزگار با صفا داشته باشیم، طبق معمول پای سخنان دلنشین پیشوایان معصومین علیهم‌السلام می‌نشینیم، و با شنیدن اوصاف آن دوران، دست دعا به جانب خدای رحمان برمی‌داریم تا هرچه زودتر بندگان خود را شامل لطف بی‌پایانش کرده و مولای مهربان ما حضرت مهدی علیه‌السلام را به ما برگرداند.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در توصیف دوران فرزندش حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید:

تنعم أمتي في زمن المهدي نعمة لم يتنعموا مثلها قط، يرسل السماء عليهم مدراراً، ولا تدع الأرض شيئاً من نباتها إلا أخرجته، والمال يومئذ كدوس، يقوم الرجل يقول: يا مهدي! أعطني.

فيقول: خذ<sup>(۲)</sup>.

۱. بحار الأنوار: ج ۸ ص ۹۲ و ص ۱۷۰ ح ۱۱۳.

۲. عقد الدرر: ص ۱۹۵، منتخب الأثر: ص ۴۷۳ ف ۷ ب ۴ ح ۲، با اندکی تفاوت.

أُمَّتٍ مِنْ دَرِ زَمَانٍ مَهْدِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَجْلِ أَنْ يَنْعَمَ بِبَهْرِهِمْ مَنْ  
 مَيِّ شَوْنَد كَه هِرْكَزِ نَظِيرِ أَنْ دِيدِه نَشْدِه اسْتِ، آسْمَانِ  
 بَارَانِ رَحْمَتِش رَا بَرِ أَنْهَا فَرُو مَيِّ رِيْزْدِ، زَمِينِ هَمَّةُ  
 كِيَاهَانِ خُودِ رَا مَيِّ رُوِيَانْدِ، دَرِ أَنْ رُوزِ، ثَرُوتِ از  
 فَرَاوَانِي رُويِ هَمِ اِنْبَاشْتِه مَيِّ شُودِ، تَا جَائِي كَه شَخْصِي  
 مَيِّ آيْدِ و مَيِّ كُوِيْدِ: اَي مَهْدِي! (از اين ثروت) بَرَايِ مَنْ  
 عَطَا فَرْمَا.

او می‌فرماید: بگیر.

چشم انتظارِ ظهورِ عزیزِ زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ! همچنان که یادآور شدیم، قلم از  
 توصیف دوران شکوهمند مولای انس و جان، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، عاجز و  
 ناتوان است، چرا که آن دوران دیدنی است و زبان را یارای وصف، و  
 گوش را توان شنیدن آن نیست؛ ولی با استفاده از سخنان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
 گوشه‌ای از آن زمان را به تصویر می‌کشیم.

### ۱- جهان در زیر سایه پرچم نورانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

زمین و زمان افتخار می‌کند که اینک صاحب زمان با سپاهی نیرومند  
 براساس مهر و محبت سراسر گیتی را به تسخیر خود درآورده، همه  
 حکومت‌های ستمگر و باطل را از صفحه زمین برانداخته، و یک دولت  
 کریمه و احد جهانی تشکیل داده. و بدین وسیله، فرمان‌روایی زمین به  
 بندگان صالح و شایسته خدا رسید، و ستم‌دیدگان و مستضعفان از بندگان

خدا، وارث ثروتها و نعمتهای آن شدند.

امام محمد باقر علیه السلام در توصیف آن روزگار شکوهمند می فرماید:

القائم منا ... يبلغ سلطانه المشرق والمغرب ويظهر الله عز وجل

به دینه علی الدین کله ولو کره المشرکون<sup>(۱)</sup>.

سلطنت و حکومت قائم ما شرق و غرب جهان را فرا

می گیرد و خداوند به وسیله او دین خود را بر همه

ادیان پیروز می گرداند، گرچه مشرکان دوست نداشته

باشند.

آری! در آن عصر درخشان است که بشریت در زیر سایه پرچم عدل

حضرت مهدی علیه السلام پیرو یک دین و آیین گردیده و به سوی کمالات انسانی

حرکت می کنند.

## ۲- استقرار کامل عدالت جهانی

خدای متعال عادل و دادگر است، و یکی از علل فرستادن انبیا و اولیایا،

اقامة قسط و عدل می شمارد؛ ولی این اراده و مشیت الهی فقط در عصر

طلایی حضرت مهدی علیه السلام تحقق پیدا می کند، چرا که هزاران سال است که

زمین از ظلم و ستم ستمگران، و از بی عدالتی های بشریت پر شده است؛

و آن هنگام، که صاحب زمان با دست با کفایت خویش، زمین را به

۱. بشارة الإسلام: ص ۱۱۷.



تصرف در می‌آورد، سراسر آن را از عدل و داد پر می‌کند، و ریشهٔ ظلم و جور را از بیخ و بن برمی‌کند.

پیامبر گرامی ﷺ در توصیف عدالت در زمان فرزندش حضرت مهدی عج می‌فرماید:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتَهُ كَمَا تَأْوِي النُّحُلُ إِلَى الْعَسْوِبِهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا  
مَلَأَتْ جَوْرًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوَقِّظُ  
نَائِمًا، وَلَا يَهْرِيقُ دَمًا<sup>(۱)</sup>.

مردم به سوی او پناه می‌برند، همچنان که زنبوران  
عسل به ملکهٔ خود پناه می‌برند، عدالت را در سراسر  
گیتی می‌گستراند، چنان که از ستم پر شده بود، تا  
جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها  
بازمی‌گردد، هیچ خفته‌ای را (بی‌جهت) بیدار نمی‌کنند،  
و هیچ خونی (به ناحق) ریخته نمی‌شود.

راستی که آن زمان دیدنی است، و ما برای رسیدن به آن دوران دیدنی  
دست نیاز به سوی خدای مهربان برمی‌داریم و می‌گوییم: خدایا! ما دوست  
داریم روزگار درخشان ظهور حضرت مهدی عج را ببینیم و در آن  
دوران زندگی کنیم ...

---

۱. منتخب الاثر: ص ۴۷۸ ب ۷ ح ۲.

### ۳- رفاه همگانی و آبادی جهان

حرکت اجتماعی به سوی کمال در جامعه‌ای که فقر و نیازهای مادی و معنوی آن را احاطه کرده ممکن نیست. مشکلات طاقت‌فرسا، بیماریها، کمبودها و ناتوانیها فکر انسان را از حقایق، واقعیات و کمالات عالی باز می‌دارد.

ولی در عصر آن ولیّ عصر بی‌نظیر، در اثر ولایت آن حضرت، جهان از مواهب الهی برخوردار می‌شود، و انسانها در یک جامعه سالم زندگی می‌کنند، و از یک رفاه خداپسندانه برخوردار می‌شوند.

پیامبر اکرم ﷺ در سخنی زیبا، خشنودی و رضایت مردم را در آن زمان، چنین توصیف می‌نماید:

یرضی عنه ساکن الأرض والسماء، ولا تدع السماء من قطرها  
 شيئاً إلا صبته، ولا الأرض من نباتها إلا أخرجته حتى يتمنى  
 الأحياء الأموات<sup>(۱)</sup>.

ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، زمین گیاهان خود را می‌رویاند، تا جایی که زنده‌ها آرزو می‌کنند: ای کاش! مردگان آنها زنده بودند و آن عدالت را مشاهده می‌کردند.

۱. التشریف بالمنن: ص ۱۴۶ ح ۱۷۵.

آری! آن روز دیگر از فقر، تنگدستی، محرومیت، ... و هزاران مشکل دیگر خبری نیست، چرا که همه - حتی موجودات دیگر - در سایه دولت کریمه مهدی آل محمد علیهم‌السلام در ناز و نعمت، و در خوشحالی و شادمانی هستند.

در سخنی دیگر از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره نشاط و شادمانی آن دوران می‌خوانیم:

فیفرح به أهل السماء وأهل الأرض والطيور والوحوش والحيتان  
في البحر<sup>(۱)</sup>.

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف او شادمان هستند.

#### ۴- گسترش، و کمال علم و دانش

پیشرفت سریع علم و تکنیک - که در واقع، دانش بشری به ظاهر جهان است - باعث شگفتی عده‌ای از مردم زمان غیبت شده، و این در حالی است که دانشمندان جهان هر روز عدم توانایی این علوم را در رساندن رفاه عمومی و آرامش فکری برای جامعه بشری اعلام می‌دارند، و این واقعیتی است که آنها به آن معترفند.

بدیهی است که دانش بشری در آن روزگار درخشان، مافوق تصور انسانی است؛ چرا که آن حضرت، تعلیم و تربیت را گسترش می‌دهد، و

---

۱. منتخب الأثر: ص ۴۷۲ ب ۳ ح ۳.

چندین برابر علومی که فرستادگان الهی آورده‌اند، همه را آشکار می‌سازد. امام صادق علیه السلام در سخنی زیبا، از گوشه‌ای از پیشرفت علوم در آن عصر علم، پرده برمی‌دارد و چنین می‌فرماید:

العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس، وضم إليها الحرفين حتى يبتها سبعة وعشرين حرفاً<sup>(۱)</sup>.

دانش بیست و هفت حرف است، همه علومی که پیامبران علیهم السلام برای مردم آورده‌اند تنها دو حرف پیش نبوده، و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ابراز می‌کند و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد، آنگاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند، و همه بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌نماید.

## ۵- امنیت و آرامش جهانی

امنیت و آرامش باعث سوق انسان به سوی کمال می‌شود، و اگر امنیت و آرامش از جامعه رخت بندد، آن جامعه از جهت نفسانی قادر به تفکر و

۱. بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶ ح ۷۳.

تعقل چندانی نخواهد بود، و از راه کمال، باز خواهد ماند.  
 البته در بخشهای گذشته یادآور شدیم که وجود امام علیه السلام موجب امنیت و آرامش کره زمین است، مولای ما، حضرت مهدی علیه السلام در سخنی زیبا می‌فرماید:

وإني أمان لأهل الأرض، كما أن النجوم أمان لأهل السماء<sup>(۱)</sup>.  
 من مایه آرامش و امنیت اهل زمین هستیم، همان‌گونه  
 که ستارگان موجب امنیت آسمانیان هستند.

بنابراین، تردیدی نیست که جهان، در دوران شکوهمند و درخشان آن عدالت‌گستر جهانی، از امنیت و آرامش جهانی برخوردار خواهد بود، و در سایه لطف آن حضرت، مردم در ایمنی کامل خواهند زیست.  
 امیر مؤمنان علی علیه السلام در گفتاری مفصل که در یک مجلس چهارصد درس را برای یاران خود آموخت، به گوشه‌ای از امنیت آن دوران اشاره کرده، می‌فرماید:

... ولو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها، ولأخرجت الأرض نباتها، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد، واصطلحت السباع والبهائم، حتى تمشي المرأة بين العراق والشام لا تضع قدميها إلا على النبات، وعلى رأسها زينتها لا يهيجها سبع ولا تخافه...<sup>(۲)</sup>

۱. غیبت شیخ طوسی: ص ۱۷۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۹۲.

۲. منتخب الأثر: ۴۷۴ ف ۷ ب ۴ ح ۳.

آنگاه که قائم ما (حضرت مهدی علیه السلام) قیام نماید، آسمان باران رحمت خود را فرو می‌ریزد، و زمین گیاهان خود را می‌رویاند، و کینه و ستیز از دل‌های بندگان می‌رود، و درندگان و حیوانات خوی درندگی را کنار گذاشته و سازش می‌کنند، (و آن قدر امنیت برقرار می‌شود) که زنی، راه بین عراق و شام را می‌پیماید، و در مسیر گامهای خود را روی سبزه‌زاران و گیاهان می‌گذارد، و زینت آلات خود را روی سر می‌گذارد، و هیچ درنده‌ای به او حمله نمی‌کند، و او نمی‌هراسد.

خوشا به حال انسانهایی که دورانی چنین خرم و با صفا را درک می‌نمایند، و خوشا به حال انسانهایی که برای رسیدن به چنین زمانی، دست دعا به سوی خدا برمی‌دارند، و فرار رسیدن آن دوران شکوهمند را از خدای مهربان می‌خواهند...

آنچه بیان شد روزنه کوچکی به دوران با شکوه و درخشان آخرین ذخیره الهی حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود. طبیعی است که انسان توانایی درک آن دوران را به گونه کامل ندارد؛ زیرا انسانی که حتی در محیط کوچک زندگی خویش نتوانسته عدل و عدالت را تصور کند چگونه می‌تواند تصور نماید که در سراسر گیتی عدالت برقرار می‌شود؟!!

البته آنچه دانستن آن لازم است و عمل به آن سرنوشت‌ساز است، همان دعا برای ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام و درخشش و فروزندگی

آن دوران با عظمت است، چنانچه خود مولا نیز در سخنی دلنشین - که آن را قبلاً نیز نقل کردیم - به این موضوع مهم و حیاتی اشاره نموده و می‌فرماید:

برای ظهور و فرج بیشتر دعا کنید که این امر، موجب فرج و گشایش شما است.

اینک منتظرِ عزیز، منتظرِ نجات، منتظرِ صفا، منتظرِ وفا، منتظرِ همه خوبیها! شما از جمله سرنوشت‌سازان دوران ظهور هستید، شما از بهترین و برترین بندگان خدا به شمار می‌آیید. شما یاران امام زمانتان در دوران غیبت و هجران، و از لشکریان با وفای آن حضرت در دوران شکوهمند<sup>۱۴۹</sup> ظهور نور هستید، پس بایستی امور ذیل را مورد توجه قرار دهید:

۱- به شکرانه چنین نعمتی که خدای مهربان به شما ارزانی داشته از او سپاسگزاری نمایید.

۲- برای استواری و ثبات قدم در این راه مقدّس، از خدای مهربان توفیق بطلبید.

۳- وظایف سنگینی بر عهده شما است، شما نماینده کسی هستید که هزار و اندی سال است به خاطر کوتاهی بشریت در پشت پرده غیبت بسر می‌برد، و مانند جدّ بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام با دستان بسته نظاره‌گر مظلومیت، محرومیت، بلاها، گرفتاریها، و ناعدالتیهای بندگان خدا است، شما باید که باید مولای خود را به مردم معرفی نمایید و مردم را با مهر و مهربانی آن حضرت آشنا کنید، و تا حدّ توان به وظایف خودتان عمل نمایید.

۴ - دعا برای ظهور مولای خودتان را جدی بگیرید، و دیگران را نیز به این عمل مقدس که ضامن سعادت دنیوی و اُخروی است، وادار نمایید. و بدین وسیله، قلب مجروح امام زمان و سایر پیشوایان پاک و هدایتگرتان، بخصوص سینهٔ مجروح مادر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام را مرهمی گذاشته و شفا دهید.

إن شاء الله، و به لطف خدای مهربان به زودی زود با استجابت دعاها شاهد دوران شکوهمند ظهور منجی عالم بشریت باشیم ...

هم اکنون با منتظران و عاشقان حضرتش این سفر معنوی را با یاد و آرزوی دوران درخشان ظهور نور به پایان می‌بریم، بدیهی است، کلمات، عبارات و جملات نورانی خاندان وحی علیهم السلام که در این مجموعه کنار هم قرار گرفت، لطفی از جانب مولای مهربان بود، که حضرتش بنده‌نوازی فرموده و عنایت نمود، اینک به عنوان ران ملخی به آن سلیمان ملک و ملکوت تقدیم می‌نمایم، که او کریم است و مهربان، إن شاء الله پیشکشی باشد برای قدوم مبارکش، که روح و جان من به فدای قدمش باد. و تو ای منتظر عزیز! از این که با قلم شکسته و بیان گسسته نگارنده همراهی نمودی، و جلوه‌های نورانی را از غدیر مولای مظلوممان حضرت علی علیه السلام تا ظهور مولای غریبمان حضرت مهدی علیه السلام گذر نمودی، کمال سپاسگزاری را دارم، و توفیق شما و همهٔ منتظران این راه مقدس را از حضرت حق تعالی خواهانم.

در حسن ختام و پایان این مجموعه، فرازهایی از دعای ندبه را به قصد ظهور مولایمان حضرت مهدی علیه السلام زمزمه می‌نمایم:



(مولای ما!) کی وارد نهرهای جاریتان می‌شویم تا  
سیراب بشویم؟!

کی از آب گوارای تو بهره‌مند می‌شویم؛ که عطش  
انتظار ما به درازا کشید؟!

کی در حضور تو صبح و شام زندگی می‌کنیم تا  
چشمان ما (به جمالت) روشن گردد؟

کی تو ما را می‌بینی و ما (جمال دلربای) تو را  
می‌نگریم، که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای (و همه به  
آن) تماشا می‌کنند؟!

آیا می‌بینیم آن روزی را که ما پروانه‌وار دور وجودت  
حلقه زده‌ایم و تو مردم را رهبری می‌کنی؟

(در آن روزگار درخشان)، تو زمین را از عدالت پر  
می‌کنی، و به دشمنانت تلخی عقوبت و خواری را  
می‌چشانی، و سرکشان و منکران حق را ریشه‌کن  
می‌نمایی، و دنباله متکبران جهان را قطع می‌کنی، و  
ریشه ستمگران را از بیخ و بن برمی‌کنی، و ما (به جهت  
شُکوه و شادمانی آن روز یک‌صدا خدا را شکر  
می‌نماییم) و می‌گوییم:

الحمد لله رب العالمین؛

سپاس مخصوص پروردگار عالمیان است<sup>(۱)</sup>.

## منابع و ماخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الاحتجاج: دانشمند عالی مقام  
احمد بن علی طبرسی، مؤسسه  
اعلمی، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.
- ۳- الإرشاد: شیخ بزرگوار محمد بن  
نعمان معروف به مفید، تهران،  
۱۳۵۸ هـ. ش.
- ۴- إلزام الناصب في إثبات الحجّة  
الغائب عليه السلام: عالم بزرگوار شیخ علی  
یزدی حائری، منشورات مؤسسه  
اعلمی، بیروت، ۱۳۹۷ هـ.
- ۵- بحار الأنوار: دانشمند عالیقدر  
محمد باقر مجلسی، منشورات  
مکتبه اسلامیة، تهران.
- ۶- بشارة الإسلام: عالم بزرگوار سید  
مصطفی کاظمی، منشورات مکتبه  
حیدریه، نجف اشرف.
- ۷- البیان في أخبار صاحب الزمان:  
گنجی شافعی، چاپ نجف، ۱۳۲۴ هـ.
- ۸- التشریف بالمنن: عالم جلیل القدر  
سید بن طاووس رحمته الله، نشر مؤسسه  
صاحب الأمر عليه السلام، قم.
- ۹- تفسیر نورالثقلین: محدث  
بزرگوار عبد علی عروسی حویزی،  
نشر مؤسسه اسماعیلیان، قم،  
۱۴۱۵ هـ.
- ۱۰- الخرائج والجرائج: عالم جلیل القدر  
قطب الدین راوندی، تحقیق  
مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم،  
۱۴۰۹ هـ.
- ۱۱- روزگار رهایی ترجمه يوم الخلاص:  
مؤلف: کامل سلیمان، مترجم:  
نویسنده و محقق محترم آقای  
علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق،  
۱۳۷۱ هـ. ش.
- ۱۲- صحیفه مهدیه: دانشمند محترم  
جناب آقای سید مرتضی مجتهدی،  
انتشارات دارالثقلین، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۱۳- صحیح مسلم: أبی الحسین مسلم  
بن حجّاج قشیری نیشابوری، چاپ  
مصر، ۱۳۸۴ هـ.
- ۱۴- عقد الدرر في أخبار المنتظر:  
یوسف بن یحیای مقدسی شافعی.
- ۱۵- علل الشرائع: عالم بزرگوار محمد

۲۲ - المجموع الرائق من ازهار الحدائق :  
محدث بزرگوار سید هبة الله  
موسوی، وزارت ارشاد، تهران .

۲۳ - مسند احمد : أبو عبدالله أحمد بن  
حنبل شیبانی، (۱۶۴ - ۲۳۴۱ هـ).

۲۴ - مفاتيح الجنان : محدث خبير  
مرحوم حاج شيخ عباس قمی .

۲۵ - مكيال المكارم في فوائد الدعاء  
للقائم : آية الله سيد محمدتقی  
موسوی اصفهانی، مؤسسه الامام  
المهدی عليه السلام، قم؛ و ترجمه آن،  
توسط محقق محترم آقای سید  
مهدی حائری قزوینی، چاپ دفتر  
تحقیقات و انتشارات بدر .

۲۶ - منتخب الأثر : آية الله آقای شيخ  
لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ  
مکتبه داوری، قم .

۲۷ - ينابيع المودة : علامه شيخ سليمان  
حسينی بلخی قندوزی، مؤسسه  
اعلمی، بیروت .

۲۸ - مجله موعود : ماهنامه فرهنگی،  
اعتقادی و اجتماعی، شماره ۵، آذر  
و دی ۱۳۷۶ هـ . ش .

۲۹ - داغ شقایق : تهیه و تنظیم مداح  
اهل بیت عليهم السلام آقای علی مهدوی،  
انتشارات طلیعه نور، ۱۳۷۸ ش .

بن علی بن بابویه قمی، معروف به  
شيخ صدوق، مؤسسه دارالحجّة،  
۱۴۱۶ هـ .

۱۶ - الغيبة : شيخ بزرگوار محمد بن  
حسن طوسی، چاپ نجف ۱۳۵۷ هـ .  
و تهران ۱۳۸۵ هـ .

۱۷ - الغيبة : شيخ بزرگوار محمد بن  
ابراهيم نعمانی، مکتبه صدوق،  
تهران .

۱۸ - فاطمة زهرا عليها السلام شادمانی دل  
پیامبر صلى الله عليه وآله ترجمه کتاب فاطمة  
الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله :  
تأليف : محقق محترم آقای احمد  
رحمانی همدانی، ترجمه : آقای  
دکتر سید حسن افتخارزاده، چاپ  
دفتر تحقیقات و انتشارات بدر،  
۱۳۷۶ ش .

۱۹ - فلاح السائل : عالم جلیل القدر  
سید بن طاووس عليه السلام، منشورات  
دارالاسلامیة، بیروت .

۲۰ - الکافی : محدث بزرگوار محمد  
بن یعقوب کلینی، دارالأضوار،  
بیروت، ۱۴۰۵ هـ .

۲۱ - کمال الدین : عالم بزرگوار محمد  
بن علی بن بابویه قمی، معروف به  
شيخ صدوق، مؤسسه اعلمی،  
بیروت، ۱۴۱۲ هـ .